

شهر  
سخن



# ولایت در قرآن

نمونه فیش سخنرانی  
ویژه ماه مبارک رمضان  
دهه سوم

دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد  
خردادماه ۱۳۹۳

شهر سخن  
ولایت در قرآن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





شہد سخن

ولایت در قرآن

عنوان:

شهد سخن ۵ : ولایت در قرآن

(نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام دهه سوم ماه مبارک رمضان)

تھیه:

دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد

صفحه آرایی:

دفتر فرهنگی هنری باران

نوبت چاپ:

اول، خرداد ماه ۱۳۹۳

نشانی:

قم، ۴۵ متري آيت الله صدوقی(ره)، ۲۰ متري حضرت ابالفضل علیهم السلام

پلاک ۱۰۳، دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد

کد پستی:

۳۷۱۳۱۶۳۴۳۱

تلفن:

۰۲۵-۳۲۹۲۳۸۳۵-۳۶

دورنگار:

۳۲۹۲۳۸۳۷



مرکز رسیدگی به امور مساجد

دفتر مطالعات و پژوهش

# فهرست

٧	پیشگفتار
٩	مقدمه مولف
١٥	آداب دعا
٢٥	دعا
٣٥	ولایت امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small> و پاسخ به شباهات
٤٥	معرفت به امام (ویژگی‌انم <small>علیه السلام</small> : علم)
٥٥	امام زمان <small>علیه السلام</small> و شب قدر
٦٥	حب اهل بیت <small>علیهم السلام</small> ، آثار و برکات، ایجاد محبت در فرزندان
٧٥	اطاعت از اهل بیت <small>علیهم السلام</small> ، شیعه و ویژگها
٨٥	دفاع از شیعه (۱. پاسخ به شباهات و هایات - زیارت)
٩٥	دفاع از شیعه (۲. پاسخ به شباهات و هایات - توسل)
۱۰۵	مقام شیعه در قیامت
۱۱۵	شیعه و آخرالزمان و ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small>
	رجعت و بازگشت امامان و شیعیانشان و حکومت
۱۲۵	صالحان در زین
۱۳۵	عید فطر و حفظ دستاوردها ماه مبارک رمضان
۱۴۳	فهرست تقصیلی



## هُوَ الْكَلِمَةُ

ماه مبارک رمضان «شهر الله» است و ماه نزول قرآن، «کلام الله» است و رهاورد رسالت حضرت محمد ﷺ «رسول الله». ماه عروج و شهادت امیر مؤمنان علیؑ «ولی الله». ماه تبلیغ معارف اهل بیتؑ است که آل الله‌اند.

در این ایام که مصدق حقیقی «ایام الله»‌اند و بهار معارف قرآن و اهل بیتؑ، مساجد که «بیوت الله»‌اند، میعادگاه جان‌های زنده و قلوب مستعدی هستند که آماده پذیرش کلام وحی و مفسران حقیقی قرآن‌ند.

آنچه در این ایام و لیالی بیش از هر چیز مورد تقاضا و درخواست مخاطبان مؤمن منابر و محافل مذهبی و دینی است، سلسله مباحث معنوی، اخلاقی و معرفتی است که برگرفته از قرآن و روایات و سیره‌ی موصومانؑ باشد و در قالبی نو و با بیانی رسا و ارائه‌ای دلنشیین عرضه گردد.

مرکز رسیدگی به امور مساجد در راستای رسالت خود در ارائه خدمات فرهنگی، تبلیغی مجموعه‌ای از منشورات و مقالات و

کتاب‌های سودمند را به مناسبت ماه مبارک رمضان و مناسبتهای دیگر تهیه و تدارک دیده است. این جزوی حلقه‌ای از سلسله محصولات محتوایی است که مباحث گوناگون معرفتی، اخلاقی، تاریخی و اجتماعی را بر اساس روش‌های موجود منبر و خطابه-که از سلف صالح برایمان به یادگار مانده است- تألیف و فرآوری کرده است. از تلاش‌های محققین و فضلای مؤسسه تخصصی خطابه امیربیان و همکاران محترم دفتر مطالعات و پژوهش‌های قم در تهیه و ارائه این مجموعه محتوایی قدردانی می‌شود.

نقدها و نظرات و پیشنهادهای سازنده شما بزرگواران راهنمای راه آینده ما خواهد بود.

والسلام عليکم و رحمه الله  
مرکز رسیدگی به امور مساجد  
تعاونت فرهنگی - اجتماعی

دفتر مطالعات پژوهش حا  
وارتباطات حوزی

باسمہ تعالیٰ

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلّٰتِي هِيَ أَفْوَمٌ»<sup>۱</sup>

قرآن کتاب هدایت است و سزاوار است به عنوان منبعی در استخراج روش‌های هدایت مورد توجه مبلغان دینی قرار گیرد. با اندکی تأمل بر آمارهای قرآنی می‌توان به نتایج قابل توجهی پیرامون شیوه تربیت و هدایت در قرآن دست یافت. به نمونه‌ای از این آمارها که مبنای موضوعات فیش‌های این مجموعه قرار گرفته است، اشاره می‌کنیم:

وقتی به موضوعات مطرح شده در ۶۶۳۶ آیه قرآن توجه می‌کنیم، در می‌یابیم: بیش از دو هزار آیه به صورت مستقیم و غیر مستقیم به معرفت اسماء و صفات خداوند متعال می‌پردازد؛ حدود دو هزار آیه به معاد و موافق بعد از مرگ و نتایج اعمال در دنیا پس از مرگ می‌پردازد؛ و حدود دو هزار آیه به داستان‌های انبیاء و مسائله نبوت و ولایت مربوط است.

این در حالی است که تعداد آیات قرآنی پیرامون فروعات دین؛ مانند حجاب ۴ آیه، غیبت ۱ آیه، نگاه حرام ۲ آیه، امر به معروف و

---

۱ . سوره الإسراء، آیه ۹.

نهی از منکر ۳۷ آیه است، حتی تعداد آیات مربوط به موضوعات مهمی مانند نماز و جهاد به ترتیب از ۹۸ و ۴۱ آیه تجاوز نمی‌کند. شاید بشود گفت؛ همه این موضوعات فرعی در مجموع تقریباً ۶۳۶ آیه را شامل می‌شود.

مقایسه تعداد آیات پیرامون خدا، قیامت و ولایت با بقیه موضوعات اخلاقی و احکامی نشان می‌دهد که برای شکل‌گیری رفتارهای دینی، باید ایمان به پایه‌های اعتقادی را در فرد مستحکم کرد. در عالم خارج هم این نظریه قابل اثبات است که هر جا فرد در انجام حکمی از احکام دین کوتاهی می‌کند به خاطر ضعف در یک یا چند پایه اعتقادی اوست؛ به عنوان مثال، اگر کسی خمس نمی‌دهد یا در کسب و کارش حلال و حرام را رعایت نمی‌کند، اعتقادش به رزاقیت الهی و عذاب سخت کسب حرام در قیامت ضعیف است، و گرنه هرگز مرتکب این رفتارها نمی‌شد، همچنان که اگر از متدينین اهل تقوی و رعایت احکام شرع پرسیده شود چه عاملی موجب تقيید آن‌ها به احکام و اخلاق دینی است، پاسخ آن‌ها از چند حالت خارج نخواهد بود؛ یا به خاطر جلب رضایت الهی و علاقه به حضرت حق است، یا ترس از عقاب و امید به پاداش اخروی، و یا محبت به ولایت و اطاعت پذیری از حضرات اهل بیت علیهم السلام. بنابراین، اگر بخواهیم تغییری در رفتارهای مخاطبان خود ایجاد کنیم، لازم است ابتدا زیر ساختهای اعتقادی آن‌ها را استحکام ببخشیم و در ضمن تبیین زیر بناهای اعتقادی، مفاهیم اخلاقی را برای آن‌ها تبیین نموده تا تأثیرگذار باشد.

## ۱۱. ولایت در قرآن

در کل فیش‌های سخنرانی این مجموعه که برای پذیرانی شما عزیزان از مهمانان ماه خدا تدارک دیده شده است، این مبنای قرآنی لحاظ شده است. در دهه اول ماه مبارک، صفات و اسماء الهی؛ دهه دوم، معاد و مواقف بعد از مرگ؛ و دهه سوم، مفاهیم مرتبط با ولایت اهل بیت ﷺ مورد بحث قرار گرفته است و در هر جلسه یک پیام اخلاقی در ضمن موضوع فیش (در قسمت رفتار سازی) مورد توجه قرار داده شده است. موضوعات و پیام‌های ۳۴ جلسه به ترتیب ذیل می‌باشد:

### خداشناسی در قرآن

#### موضوعات / پیام‌ها

فرصت ماه میهمانی خدا / تقوا

آشنایی با میزبان / یاد خدا در همه کارها

رحمت واسعه / حکمت عدم استجابت دعا

غضب الهی / ایمن دانستن خود از عذاب الهی

قدرت الهی / توکل

رزاقیت الهی / مال حرام

علم الهی / در محضر خدا معصیت نکنید

غفار الذنوب / بخشش دیگران

ربویت، مالکیت، خالقیت / فلسفه احکام

خدا شناسی حضرت خدیجه ؓ / انفاق برای یاری دین خدا

## معاد در قرآن

م موضوعات / پیام‌ها

مرگ / وصیت کردن

قبر / بد اخلاقی با خانواده

برزخ / امانت داری

محشر و قیامت / صبر در مشکلات

شفاعت و امام حسن مجتبی علیه السلام / گره گشایی از برادران دینی

میزان اعمال، نامه اعمال، حوض کوثر / حسن خلق

پل صراط / حق الناس

جهنم / عجب و خود شیفتگی

ولایت امیر المؤمنین علیه السلام، شرط ورود به بهشت، قسمیم النار والجنة /

رسیدگی به ایتام

ولایت الله و ولایت رسول علیه السلام و ولایت ائمه علیهم السلام / ولایت فقیه

## ولایت در قرآن

ولایت امیر المؤمنین علیه السلام و پاسخ به شباهات، اهل سنت / دفاع از ولایت

معرفت به امام / درک محضر امام

امام زمان علیه السلام و شب قدر / خمس

حب اهل بیت علیهم السلام، آثار و برکات، ایجاد محبت در فرزندان / تربیت فرزند

اطاعت از اهل بیت علیهم السلام، شیعه و ویژگی‌ها / تقیه

دفاع از شیعه ۱. پاسخ به شباهات و هایات / زیارت اهل بیت علیهم السلام

دفاع از شیعه ۲. پاسخ به شباهات و هایات / توصل به ائمه اطهار علیهم السلام

مقام شیعه در قیامت / هدایت دیگران

شیعه و آخر الزمان و ظهور امام زمان علیه السلام / زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان علیه السلام

رجعت و بازگشت امامان و شیعیانشان و حکومت صالحان در زمین / ایمان

### شب‌های قدر و عید فطر

موضوعات / پیام‌ها

دعا / حسن ظن به خدا

شرایط استجابت دعا / امر به معروف و نهی از منکر

آداب دعا / رضایت به اراده الهی

عید فطر / مراقبه و محاسبه اعمال

امیدواریم تلاش خدمتگزاران شما در مرکز مطالعات و پژوهش‌های امور مساجد و موسسه تخصصی خطابه امیر بیان مورد استفاده شما آباد گران سنگرهای مساجد قرار گیرد و موجبات رضایت خداوند متعال را که میزبان مهرban این ماه عزیز است، فراهم نماید، ان شاء الله.

مدیر موسسه تخصصی خطابه امیر بیان

دفتر مطالعات پژوهش  
 و ارتباطات حوزوی





## آداب دعا

### انگیزه‌سازی

روزی پیامبر خدا ﷺ در مسجد بود، مردی وارد مسجد شد، دو رکعت نماز خواند و بعد از نماز، دست به دعا برداشت.  
پیامبر ﷺ فرمود: «این بنده در دعا و درخواست خود از خدا، شتاب کرد (و قبل از ثنای الهی دعا نمود).»<sup>۱</sup>  
سپس مرد دیگری وارد مسجد شد و دو رکعت نماز خواند، پس از نماز، ثنای به جا آورد (یعنی خدارا به او صافش یاد کرد) و بعد بر محمد ﷺ و آلس، صلوات فرستاد، آنگاه دعا کرد.  
پیامبر ﷺ (روش دعا کردن او را پسندید، نزد او رفت و) به او فرمود: سِل تعطِ: درخواست کن که به تو داده شود؛ دعا کن که دعایت به استجابت می‌رسد.<sup>۱</sup>

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۸۵، باب الثناء قبل الدعا، حدیث ۶.

### اقناع اندیشه

امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی یکی از شماها نزد شخصی برای حاجتی می‌رود، آن شخص دوست دارد که قبل از عرض درخواست، سخن خوشی در میان آید.<sup>۱</sup> و ما در مسائل روزمره برای هر کاری که انجام می‌دهیم، دقت می‌کنیم و قبل از آن مقدماتی را به وجود می‌آوریم؛ مثلاً برای مهمانی لباس‌های نظیف می‌پوشیم و خود را معطر می‌کنیم، سعی می‌کنیم سر موقع برویم تا دیگران را منتظر نگذاریم، یقیناً دعا کردن هم متفاوت از این برنامه‌ها نیست. امشب هم شب دعا و خواستن از خداست، امشب شب استجابت دعا هاست، چرا که درهای رحمت الهی باز است، و خدا به خاطر صاحب امشب، امام زمان علیه السلام، انشاء الله دعا هامان را مستجاب می‌کند، اما خوبست کمی در مورد آداب دعا با هم صحبت کنیم، باشد که همه با دعا های مستجاب از اینجا برویم؛ البته در دعا مسئله فقط استجابت نیست، امام باقر علیه السلام فرمود:

«مَا مِنْ شَيْءٌ أَفْصَلَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَنْ يُسْتَأْلَ وَيُطْلَبَ  
إِمَّا عِنْدَهُ وَمَا أَحَدٌ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ يَسْتَكْبِرُ عَنْ عِبَادَتِهِ  
وَلَا يَسْأَلُ مَا عِنْدَهُ».»

هیچ چیزی نزد خداوند افضل از این نیست که دست دعا و مسئللت به پیشگاه او دراز کنند و فضل و نعمت او را تقاضا کنند و نزد خداوند هیچ کس مبغوض تر و منفورتر از کسانی که از عبادت او

تکبر می‌ورزند و از موهاب او تقاضا نمی‌کنند، نیست.<sup>۱</sup>

### پروردش احساس

عبد الله فراء می‌گوید: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَعْلَمُ مَا يُرِيدُ الْعَبْدُ إِذَا دَعَاهُ وَ لَكِنَّهُ يُحِبُّ أَنْ تُبَثَّ إِلَيْهِ الْخَوَائِجُ فَإِذَا دَعَوْتَ فَسَمْ حَاجَتَكَ».

خدای تبارک و تعالی می‌داند که پندهاش چه می‌خواهد؛ هرگاه به درگاهش دعا کند، لیکن دوست دارد که حاجت‌ها به درگاهش شرح داده شود، پس هرگاه دعا کردی حاجت را نام ببر.<sup>۲</sup>

البته یک نکته را هم مد نظر داشته باشیم:  
حافظ وظیفه تو دعا کردن است و بس  
در بند آن مباش که نشنید یا شنید

خداوند به دل می‌نگرد نه به زبان، به همین دلیل از خطای مرد ساده گذشت نمود. مردی بادیه نشین و بی‌سواد نزد رسول اکرم علیه السلام رفت و عرض کرد: «ای رسول خدا، شما دعاهای زیادی را به مردم تعلیم فرموده‌اید، ولی من بی‌سواد و عاجز هستم و نمی‌توانم تمام آن‌ها را به خاطر بسپارم. به من دعایی بیاموز که برایم کافی باشد.» حضرت فرمود: «بگو: خداوند! تو پروردگار من هستی و من بند توام. این جمله برایت کافی است.» مرد با خوشحالی از نزد پیامبر رفت، ولی چون فردی عامی و بی‌سواد بود، نتوانست دعا را درست بخواند.

۱. الكافی، ج ۲، باب فضل الدعاء و الحث عليه، ص ۴۶۶.

۲. الكافی، ج ۲، باب تسمية الحاجة في الدعاء، ص ۴۷۶.

او شب و روز این جمله را تکرار می‌کرد: «خداآوندا، تو بند  
من هستی و من پروردگار توام!» هر گاه این جمله از دهان او  
خارج می‌شد، غلغله‌ای در آسمان‌ها و در ملکوت اعلیٰ می‌افتداد و  
فرشتگان از گستاخی این مرد به لرزه می‌افتدند. تا این که جبرئیل  
نزد پیامبر ﷺ رفت و عرض کرد: «ای پیامبر خدا! به آن مرد  
عامی جمله‌ای فرموده‌ای که از معنی آن اطلاعی ندارد و آن را  
طوری بیان می‌کند که کفر می‌باشد.» به دستور پیامبر، آن مرد را  
حاضر کردند. پیامبر از وی پرسید: «دعایی را که به تو آموختم،  
چگونه بیان می‌کنی؟» مرد عرض کرد: «از تعلیم شما بسیار شاد  
و خرسند می‌باشم و هر وقت این جمله را بیان می‌کنم، منتظر  
ثواب آن هستم.» سپس جمله‌اش را برای پیامبر ﷺ تکرار کرد.  
حضرت فرمود: «تو عکس آن چیزی را که من به تو آموخته‌ام بیان  
می‌داری. زنهر! بعد از این، چنین مگو که کافر می‌شوی.»  
مرد بسیار غمگین و دل شکسته گردید و عرض کرد: «ای  
رسول خدا! مدتی ندانسته کفر گفته‌ام، اکنون بفرمائید چگونه  
گذشته را جبران کنم؟» جبرئیل از طرف خداوند نازل شد و عرض  
کرد: «یا رسول الله! خداوند فرموده است:  
اگر غلط بر بند من رواست، بر من روانیست. من به دل  
بند نگاه می‌کنم نه بر زبان او. اگر بنده‌ای بر زبانش سهوی جاری  
شود، ولی دل او پر ایمان باشد، ما خطای او را صواب به حساب  
می‌آوریم.»<sup>۱</sup>

---

۱. داستان‌های شهید-دستغیب صفحه: ۵۰-۵۱

اخلاص عمل به محضر یار بیار

بگذر ز زبان، دل سوی دلدار بیار

در بحر دل ارجوهر صدقی داری

ما طالب اوئیم و خریدار، بیار

دیل کارنگی روانشناس معروف می‌گوید: هنگامی که کارهای سنگین قوای ما را از بین می‌برد و اندوهها، هر نوع اراده‌ای را از ما سلب می‌کند و بیشتر اوقات که درهای امید روی ما بسته می‌شود، به سوی خدا روى می‌آوریم، ولی اصلاً چرا بگذاریم روح یأس و نومیدی بر ما چیره شود؟ چرا همه روزه به وسیله خواندن نماز و به جا آوردن حمد و ثنای خداوند قوای خود را تجدید نکنیم؟<sup>۱</sup>

### رفتارسازی

برای دعا کردن و بار یافتن به محضر دوست، و بهره‌مندی بیشتر از فیض و رحمت الهی، آن هم در این شب‌های بزرگ، آدابی نیاز است:

۱. دعا همراه ستایش الهی و صلوات باشد.

عَنْ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ:

إِيَّاكُمْ إِذَا أَرَادْتُمْ كُمْ أَنْ يَسْأَلَ مِنْ رَبِّهِ شَيْئًا مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا  
وَالْآخِرَةِ حَتَّى يَدْأَبَ بِالثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْمُدْحَلُ لَهُ وَالصَّلَاةُ  
عَلَى النَّبِيِّ ﷺ ثُمَّ يَسْأَلَ اللَّهَ حَوَائِجَهُ۔

حارث بن مغیره گوید: شنیدم حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود: مبادا

چون یکی از شما بخواهد از پروردگار خویش چیزی از حاجات دنیا و آخرت مسأله کند، بدان مبادرت ورزد تا به ستایش او و صلوات بر پیغمبر ﷺ سخن خود را آغاز کند، و سپس حاجات خود را بخواهد.<sup>۱</sup>

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ دَعَا وَلَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ ﷺ رَفْرَفَ الدُّعَاءُ عَلَى رَأْسِهِ فَإِذَا ذَكَرَ النَّبِيَّ ﷺ رُفِعَ الدُّعَاءُ.

هر که دعائی کند و نام پیغمبر ﷺ را نبرد، آن دعا بالای سرش (چون پرنده‌ای) بچرخد، و چون نام پیغمبر ﷺ را بردد دعا بالا رود.<sup>۲</sup>

۲. رضایت به اراده الهی:

در روایات آمده است که هنگام دعا، به خدا و اجابت دعا توسط او اطمینان داشته باشید و باور شما این باشد که خدا دعایتان را به اجابت می‌رساند و اگر طبق مصالحی به اجابت نرسد، بهتر از آن را به شما خواهد داد.<sup>۳</sup>

حضرت موسی بن جعفر درویشی را دید که به خاطر برهنگی به زیر ریگ‌ها پناه برده بود. آن مرد وقتی موسی بن جعفر را دید، گفت: دعا کن خدا مرا از این وضع نجات دهد که بی‌طاقد شده‌ام. موسی بن جعفر دعا کرد و رفت. چند روزی از مناجات آن حضرت گذشت که بار دیگر مرد را دید، در حالی که گروه زیادی از مردم دور او را گرفته بودند، پرسید: چه شده است؟ گفتند: این مرد شراب خورده

۱. الکافی، ج ۲، باب الثناء قبل الدعاء، ص ۴۸۴.

۲. همان، باب الصلاة على النبي محمد و أهل بيته عليهما السلام، ص ۴۹۱.

۳. کافی، ج ۲، ص ۴۷۳.

و عربده کشی کرده و شخصی را کشته است. اکنون او را قصاص می‌کنیم. موسی ﷺ به حکم خدای حکیم پی برد و از جسارت خود استغفار کرد.

کسی که توانگرت نمی‌گرداند

او مصلحت تو از تو بهتر دارد

۳. دعا را به صورت دسته جمعی انجام دهیم:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«مَا مِنْ رَهْطٍ أَرْبَعِينَ رَجُلًا اجْتَمَعُوا فَدَعَوْا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي  
أَمْرٍ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُنُوا أَرْبَعِينَ فَأَرْبَعَةً يَدْعُونَ اللَّهَ  
عَزَّ وَ جَلَّ عَشْرَ مَرَاتٍ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُنُوا أَرْبَعَةً  
فَوَاحِدٌ يَدْعُو اللَّهَ أَرْبَعِينَ مَرَةً فَيَسْتَجِيبُ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبارُ لَهُ».»

هیچ چهل نفر مردی برای دعا نزد هم اجتماع نکنند و خدای عزوجل را در کاری نخواند (دعا نکنند) جز اینکه خداوند دعای آنها را مستجاب کند، پس اگر چهل نفر نبودند، و چهار نفر بودند (نزد هم جمع شوند) و ده بار خدای عز و جل را بخواند، خداوند دعا یشان را اجابت کند؛ و اگر چهار نفر هم نباشند و یک نفر باشد که چهل مرتبه خدا را بخواند، پس خدای عزیز جبار برای او اجابت کند.<sup>۱</sup>

### روضه

اگر امشب با پای دلمان برویم کوفه، می‌بینیم اعضای خانواده امیر المؤمنین علیه السلام برای ماندن پدر دعا می‌کنند. حسین بن زینب...

۱. الكافي، ج ۲، باب الاجتماع في الدعاء، ص ۴۸۷.

اما يك وقت نفس هاي على ﷺ به شماره افتاد و چشمها به گودي رفت. چشمانش را به در اتاق دوخت، صدا زد: «وَ عَلِيهِم السَّلَامُ يَا رَسُولَ رَبِّيٍّ». <sup>۱</sup> اي فرستاده! خوش آمدی. جبرئيل! خوش آمدی. يا رسول الله! خوش آمدی.

بعد شروع کرد به قرآن خواندن: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ». <sup>۲</sup>

آخرین کلامی که از زبان امیرالمؤمنین ﷺ خارج شد، همین آیه قرآن بود. ضربان قلب على ﷺ ایستاد و صدای شیون از درون خانه بلند شد: وا محمداه! وا علیاه!

خدایا، چه سنتی شد؟ بدن فاطمه ﷺ شب دفن شد. بدن رسول الله ﷺ شب دفن شد. بدن امیرالمؤمنین ﷺ شب دفن شد. خوارج آن قدر خبیث بودند که اگر محل دفن را میدانستند، ممکن بود قبر را بشکافند و بدن را بیرون بکشند.

يا اميرالمؤمنين ﷺ! يا ابا الحسن ﷺ! بچه هایت در کنار قبرت نشستند، صعصعه روضه خواند و آن ها گریه کردند و بدن را داخل قبر گذاشتند. قربان آن آفایی که راوي درباره اش می گويد:

دیدم على بن الحسين ﷺ وارد قبر شد، بدن بي سر ابي عبدالله ﷺ را به آرامي درون قبر گذاشت و شروع کرد به روضه خواندن. قبيله بنى اسد دیدند امام سجاد ﷺ بیرون نیامد، دیدند آقا لبها را به رگ های بریده گذاشته... سنگ لحد را چيد و با

۱ . بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۴۲، ص ۲۹۳.

۲ . نحل / ۱۲۸.

انگشت مبارکش روی قبر نوشت: هذا قبر حسین بن علی الذى  
قتلوه عطشانا.

هر کجا نشسته‌ای سه مرتبه بگو: یا حسین...  
دشمنت کشت ولی نور تو خاموش نشد  
آری آن جلوه که فانی نشود نور خداست





## دعا

### انگیزه‌سازی

ولید بن صبیح می‌گوید: در راه مکه و مدینه هم‌نشین امام صادق علیه السلام بودم که سائلی نزد ایشان آمد. ایشان امر کردند به او مبلغی عطا شود، سپس نیازمند دیگری آمد و حضرت امر فرمودند به او هم عطا شود تا چهارمین سائل به همین منوال گذشت، نوبت به چهارمین فقیر که رسید، حضرت برای او دعا کردند و فرمودند: «یُشِعْلَ اللَّهُ». سپس رو به ما کردند و فرمودند: نزد ما به اندازه‌ای که اعطای کنیم آن را هست، اما می‌ترسم جزء سه گروهی قرار بگیرم که دعا‌یشان مستجاب نمی‌شود. سپس حضرت آن سه گروه را معرفی نمودند:

«رَجُلٌ أَعْطَاهُ اللَّهُ مَالًا، فَأَنْفَقَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ

اَرْزُقْنِي، فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُ؛ وَرَجُلٌ يَدْعُو عَلَى امْرَأَتِهِ أَنْ يُرِيحَهُ مِنْهَا،  
وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - أَمْرَهَا إِلَيْهِ؛ وَرَجُلٌ يَدْعُو عَلَى جَارِهِ،  
وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - لَهُ السَّبِيلُ إِلَى أَنْ يَتَحَوَّلَ عَنْ جَوَارِهِ،  
وَيَبِعَ دَارَهُ.»<sup>۱۲</sup>

۱. کسی که خداوند متعال به او مالی عطا می‌کند، پس آن را در راه غیر حق انفاق می‌کند و می‌گوید: خدایا! به من روزی عنایت کن. پس دعا‌یاش مستجاب نمی‌شود.
۲. کسی که دعا می‌کند از دست زنش راحت شود؛ در حالی که خداوند طلاق را به دستش داده است.
۳. کسی که دعا می‌کند بر علیه همسایه‌اش؛ در حالی که خداوند عز وجل راهی برای فروش خانه‌اش برایش فراهم کرده تا همسایه‌اش را تغییر دهد.

### اقناع اندیشه

بدیهی است برای تحقق هر کاری علاوه بر وجود اسباب، نبود مانع نیز لازم و ضروری است. برای مثال رویش بندر سالم در دل خاک مرطوب مشروط به نبود آفتاب سوزان و سرمای شدید است تا بذر بتواند استعداد خود را شکوفا کرده و رشد کند.

آیا دانش آموز درس نخوانده، دعا بکند قبول می‌شود؟  
می‌گویند: دانش آموزی به خانه آمد و وارد اتاق جلویی شد و مشغول دعا شد. به خدا گفت: پروردگارا! کوه هیمالیا را در

۱. الواقی، ج ۹، ص ۱۵۳۵، ح ۸۷۱۲ و الوسائل، ج ۷، ص ۱۲۳، ح ۸۹۰۷.

۲. کافی (ط - دارالحدیث)، ج ۴، ص ۳۹۳.

استرالیا قرار بده و دریاچه ارومیه را در نیشابور. مادرش گفت:  
این چه دعایی است که می‌کنی؟! گفت: من در امتحان جغرافیا  
پاسخ سوالات را اشتباه نوشته‌ام، حالا به خدا می‌گوییم کوه و دریا را  
جایه‌جا کند تا من نمره بیاورم!

آیا زمان دعا و شرایط دیگر را در نظر گرفته‌ایم؟ در اسلام  
زمان‌هایی برای دعا سفارش شده است، از جمله: شب‌های جمعه،  
سحرها، بعد از نماز، غروب جمعه، بعد از خطبه‌های نماز جمعه،  
هنگام نزول باران و جاری شدن اشک و ...  
اگر به جای بنزین مخصوص، گازوئیل یا آب در باک هواپیما  
بریزیم؛ پرواز صورت نمی‌گیرد، اگر مانع یا موانعی بر سر راه  
اجابت دعا است باید دانست آن موانع کدامند.

عدم شناخت نسبت به حضرت باری تعالی و سوء ظن به او،  
یکی از موانع مهم استجابت دعاست. امام صادق علیه السلام در پاسخ  
گروهی که پرسیدند: چرا دعاهای ما مستجاب نمی‌شود، فرمودند:  
«چون کسی را می‌خوانید که او را نمی‌شناسید.»<sup>۱</sup>  
او در قرآن فرمود: «ادعونی استجب لکم»؛ مرا بخوانید تا  
اجابت کنم شمارا. (غافر / ۶۰)

انسان تا کسی را نشناسد او را نمی‌خواند؛ به عنوان مثال، اگر  
من ندانم که فلانی فرد سخاوتمندی است و می‌تواند فان مبلغی را  
به من بدهد، هرگز پیش او نمی‌روم، ولی وقتی آن فرد را به عنوان  
فرد کریمی شناختم و دانستم این عمل خیر را در حق من انجام

می دهد، آن وقت است که به در خانه اش رفته و از او طلب حاجت می کنم.

در مورد خداوند متعال هم همینطور است. وقتی خدا را با کمالاتی چون قادر، عظیم، کریم، غفار، وهاب، عزیز و ... شناختیم، به او علاقه مند شده و هر روز، بلکه هر شب حاجاتمان را به درگاه او عرضه می داریم، پس، مرا بخوانید؛ یعنی منی را که می شناسید بخوانید.

### پرورش احساس

اگر کسی با شناخت درست خدا را نخواند، دچار سوء ظن به خدا می شود. این خصلت طبق آیات قرآن بسیار مذمت شده است. خداوند در آیه ۶ سوره فتح می فرماید:

«وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّانِينَ  
بِاللَّهِ ظَنَّ السُّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةً السُّوءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَ  
أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا».

ونیز مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد می برند مجازات کند، حوادث سوئی (که برای مؤمنان انتظار می کشند) تنها بر خودشان نازل می شود، خداوند نسبت به آنها غضب کرده، و آنها را از رحمت خود دور ساخته، و جهنم را برای آنها آماده کرده، و چه بد سرانجامی است.

پیامبر اکرم ﷺ فرموده اند: «خداوند را با حال یقین به اجابت بخوانید». <sup>۱</sup> و نیز در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمودند: «چون

۱. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۹۱.

دعا کنی چنین خیال کن که حاجت بر در خانه است.»<sup>۱</sup>  
به یاداشت‌های روزانه یک رزمنده اصفهانی دقت کنید؛ او با  
همرزمانش ۱۷ روز بدون غذا و با دست زخمی که کرم زده بود، در  
دره‌ای گیر افتاده بوده:

... وقتی در گوشه‌ای به فکر فرو رفته و به سرنوشت خودمان  
در دو سه روز آینده فکر می‌کردم، به این نتیجه رسیدم که اگر  
دست روی دست بگذاریم، شاهد مرگ یکدیگر، آن هم با وضعی  
دلخراش خواهیم بود.

... در این چند روز سعی می‌کردم آن‌ها را به خواندن دعا و  
زمزمه کردن اذکار ترغیب کنم، زیرا تجربه کرده بودم که دعا علاوه  
بر آثار وضعیش، دارای نتایج سودمند طبیعی نیز هست که باعث  
تقویت روحیه و پایداری و امیدواری می‌شود. نمازها در این روزها،  
اغلب با صجه و اشک همراه بود. حسین و ماشاء‌الله بعد از اتمام  
هر نماز، صورت بر خاک گذارده و بشدت می‌گریستند و از درگاه  
خداستمداد می‌کردند. ۱۳۶۲/۵/۱۱

صبح روز نهم، در داخل زخم دستم، درد و سوزش شدیدی را  
احساس کردم. از حسین خواستم که روی زخم را باز کند و بعد  
از آن که او پارچه آغشته به چرک را برداشت، ناگهان دیدم که در  
داخل زخم، تعداد بی‌شماری کرم کوچک سفید رنگ لول می‌زنند.  
به زودی دریافتیم که بالاخره تخم مگس‌ها، کار خود را کرده و  
مقداری از آن‌ها از روزنه‌های پارچه رد شده و در سطح زخم، به

---

۱. الكافي، ج ۲، ص ۴۷۳، باب اليقين في الدعاء.

کرم تبدیل شده است. کرم‌ها در محیط مناسب زخم، در چرک و خون می‌غلتیدند و از آن تغذیه می‌کردند. تعداد کرم‌ها آن قدر زیاد بود که قادر به خارج کردن آن‌ها از زخم نبودیم. منظرة وحشتناک و مشمئز کننده‌ای بود .... حسین و ماشاء‌الله بلا فاصله به کمک آمدند و با استفاده از چوب‌های باریک به شکار کرم‌ها پرداختند. خود من نیز با کمک دست چیم قسمتی از کار را به عهده گرفتم. پس از آن که ظاهر زخم، از وجود کرم‌ها پاک شد، از حسین و ماشاء‌الله تشکر کرده و از خدا خواستم فرصتی را به من عنایت کند که از خجالت این دو برادر به در آمده و زحماتشان را جبران کنم .... به هر ترتیب آن روز هم گذشت و شب فرا رسید.

طبق معمول هر شب، من و حسین در داخل گودال خوابیده بودیم و ماشاء‌الله نیز در بیرون از بیشه بین سنگ‌ها استراحت می‌کرد. یکی دو ساعت از خوابیدن ما گذشته بود و از شدت سرما به خواب نمی‌رفتیم. در همین لحظات ناگهان متوجه شدیم که عراقی‌ها بدون هیچ مناسبی به شلیک یک منور بر فراز بیشه اقدام کردند. منور مدتی فضای روشن کرد و باد آن را به سمت ما آورد و پس از آن که به خاموشی گرایید، نزدیکی ما، در آن طرف آب بر زمین افتاد. به حسین گفتم: «کار خدا را ببین! همان طور که در میان این همه درخت‌های جور واجور که حتی یکی از آن‌ها میوه‌دار و خوراکی نیست، یک درخت مو را برای تغذیه ما آماده فرموده، اکنون نیز که پارچه ما برای پانسمان تمام شد، این منور را فرستاد تا از چتر آن برای پانسمان استفاده کنیم.» حسین که

تازه متوجه منظور من شده بود، نیم خیز شد و با خوشحالی گفت:  
 «پس من می‌روم چتر را بیاورم.» گفتم: «نه. حالاً هوا تاریک است،  
 تازه منور آن طرف آب افتاد. بهتر است تا فردا صبح صبر کنیم.»

۱۳۶۲/۵/۱۲

### رفتارسازی

آثار این بحث در همین شب‌های قدر خودش را نشان می‌دهد.  
 کسانی که شب قدر می‌آیند، یا کاملاً حسن ظن دارند یا آمده‌اند که  
 از قافله جانمانند و گرنه امیدی ندارند به استجابت دعایشان.  
 امام باقر علیؑ می‌فرمایند: در کتاب علیؑ دیدم که پیامبر

اکرم ﷺ بر روی منبر می‌فرمایند:

«وَالَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا أَعْطَيَ مُؤْمِنٌ فَطُحْ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

إِلَّا بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ....»

قسم به کسی که جز او خدایی نیست، خیر دنیا و آخرت به  
 مؤمنی عطا نشد مگر بواسطه چهار چیز؛

۱ - حسن ظن نسبت به خدا؛

۲ - امیدوار بودن به رحمت او؛

۳ - خوش اخلاقی؛

۴ - اجتناب از غیبت مؤمنین؛

و قسم به کسی که جز او خدایی نیست، خداوند هیچ مؤمنی  
 را بعد از توبه و استغفار عذاب نمی‌کند مگر به واسطه چهار چیز؛

۱ - سوء ظن نسبت به خدا؛

۲- نا امیدی و یأس از رحمت بی کران او؛

۳- بد اخلاقی؛

۴- غیبت مؤمنین؛

و قسم به خدایی که جز او معبدی نیست، هیچ مؤمنی به خدا حسن ظن نمی‌ورزد، مگر این که خداوند در نزد آن حسن ظن است؛ یعنی، با او مطابق همان حسن ظن برخورد می‌نماید، چرا که او کریمی است که تمام خوبی‌ها به دست اوست و شرم دارد از اینکه بنده‌ای به او حسن ظن داشته باشد و او خلاف آن ظن با او عامله نماید و امیدش را نامید گرداند. پس به خداوند و رحمت او امیدوار و راغب باشید.<sup>۱</sup>

### روضه

ما هم امشب با سوز دل دعا می‌کنیم؛ همه روزه‌دار بوده‌اند؛ شب زنده‌دار بوده‌اند؛ الهی امید هیچ کسی نامید نشود! بگذارید امشب از کسی بگوییم که امید داشت خدمتی به امام زمانش بکند. بعضی‌ها که اهل روضه‌اند متوجه شدند. یا باب الحوائج یا بالفضل العباس! آی کسانی که تا مشکلی برایشان پیش می‌آید، صدا می‌زنند: یا ابوالفضل العباس! یا قمر بنی هاشم! چه طور امید عباس به نامیدی تبدیل شد؛ آن لحظه‌ای که نگران بود نکند تیر به مشک آب بخورد، نکند مشک پاره شود. گویا عرضه می‌دارد:

---

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۳۰.

خدایا! هرچه تیر هست به بدن من اصابت کند، اما به مشک آب نخورد. انگار صدای العطش بچه‌ها را می‌شنود: فَسَمِعَ الاطفالَ يَتَصَارُخُونَ مِنَ الْعَطْشِ. <sup>۱</sup> انگار صدای سکینه می‌آید؛ به بچه‌ها می‌گوید: بچه‌ها! ناراحت نباشید! اینقدر ناله نکنید. عمومیم برای همه‌تان آب می‌آورد؛ عمومیم شجاع است؛ عمومیم قدرتش زیادست. عباس عرضه می‌دارد: ای خدا! هر چه زودتر مرا به خیمه برسان، اما امان از آن لحظه که تیر به مشک آب خورد. آب‌ها روی زمین ریخت. عباس دیگر نامید شد. با دست خالی کجا بروم؟ همان آقایی که تا چند لحظه قبل گویا صدا می‌زد: ای خدا! مرا به خیمه برسان، حالا دیگر صدا می‌زند: خدایا! کار عباس را همین جا تمام کن، دیگر روی رفتن به خیمه را ندارم. اینجا بود که ملعونی چنان با عمود آهنین به فرق مبارکش زد... آیا بگوییم چه شد؟ فسقٰط علی الارض یُنادِی علیک مِنِي السَّلام ابا عبدِ الله... .

دفتر طالعات پژوهش حا  
وارتباطات حوزی



## ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و پاسخ به شباهات

### انگیزه‌سازی

تبليغات مسموم زيادي عليه شيعيان شده بود، از اينکه مادرم شيعه است احساس بسيار بدی داشتم و برایم کسر شأن بود. با تشويق پدرم در دوران راهنمایي، در کنار درس‌های مدرسه، تحصيل دروس حوزوی را هم شروع کردم و ادامه دادم. بعد از اتمام دبيرستان، سه سال دوره تكميلي حوزه را به زاهدان و مسجد مکی رفتم و پس از مولوی شدن، برای آموزش يك دوره كامل نحوه تبليغ و جذب چهار ماه به رايوند پاکستان رفتم. پس از برگشت از پاکستان، امتحان کنکور دادم و در دانشگاه کرمانشاه در رشته استخراج معدن قبول شدم. در پاکستان به طور تخصصي در ۲۰ جلسه ياد می‌دادند که چگونه فردی را در عرض ۵ دقيقه به وهايت جذب کنيم.

در کرمانشاه یک دوست شیعه پیدا کردم به نام مهدی رضایی. فردی بسیار خوش اخلاق و خوش برخورد و با اعتقاد بود. همیشه سر به سرش می‌گذاشت و می‌گفت: حیف نیست تو با این اخلاقت شیعه باشی؟ از این دوستی ما ۴ سال گذشت و او مکرر به من می‌گفت: بیا حداقل یک بار در روضه سیدالشهدا<sup>علیهم السلام</sup> شرکت کن. من هم که دارای ریش بلند و تیپ و قیافه مولوی‌های وهابی بودم، خیلی سختم بود. به او گفت: این کفریات چیست؟ می‌گفت: حالا یک دفعه بیا از نزدیک ببین. با اصرار زیاد، من را متلاuded کرد که یک بار به مجلس روضه بروم.

یک شب عاشورا با دوستم به مجلس روضه امام حسین<sup>علیهم السلام</sup> رفتم و با خشم گوشاهی نشستم. دیدم سید بزرگواری منبر رفت و حین صحبت‌هایش گفت: کدام یک از شما حاضرید به خاطر خدا و اسلام جانتان را بدھید و بعدش هم مطمئن باشید زن و بچه‌تان به اسارت می‌روند؟ در آن زمان سیدالشهدا<sup>علیهم السلام</sup> چه دید که حاضر شد، جانش گرفته شود و اهل و اولادش به اسارت روند؟ چرا امام حسین<sup>علیهم السلام</sup> دست به چنین کار بزرگی زد؟ هر چه فکر کردم دیدم که در میان شخصیت‌های محبوب من، شخصیتی مثل امام حسین<sup>علیهم السلام</sup> پیدا نمی‌شود که حاضر باشد به خاطر اسلام، دست به چنین کار بزرگ و خطرناکی بزند! این سؤال مهمی بود که برایم ایجاد شد. خیلی برای امام حسین<sup>علیهم السلام</sup> و شخصیت ایشان ناراحت شدم که چرا هیچ کس امام حسین<sup>علیهم السلام</sup> را درک و ایشان را همراهی نکرد. آن شب چراغ‌ها را خاموش کردند و مشغول سینه زنی شدند، ولی من

سینه نزدم؛ نشستم و برای مظلومیت سیدالشهدا عليه السلام گریه کردم. آن گریه واقعاً گریه خاصی بود؛ یک لطف بود. آن شب به قدری گریه کردم که تمام لباس خیس شد.

از بچگی به ما گفته بودند که شیعیان سفسطه می‌کنند و ناحق را حق جلوه می‌دهند. از شیعه فراری بودم. حاضر بودم شیطان پرست شوم؛ اما شیعه نشوم. به همین خاطر همه مذاهب اهل سنت از حنفی گرفته تا حنبلی و مالکی و شافعی را مورد مطالعه جدی قرار دادم. ۴ سال طول کشید تا من همه را بررسی کنم.

خیلی با احتیاط فرقه‌های شیعه را بررسی کردم تا اینکه برای شناخت بهتر شیعه دوازده امامی، راهی قم شدم. به دفتر آیت الله بهجت رضوان‌ال تعالی علیه رفتم و سؤالات و شباهاتی که داشتم از آنجا پرسیدم. آن‌ها هم با صبر و حوصله و محبت بسیار به من پاسخ دادند. از آنان خواستم کتابی به من معرفی کنند تا درباره شیعه بیشتر تحقیق کنم.

آن‌ها کتاب المراجعات و شباهای پیشاور را به من معرفی کردند. مطالب آن دو کتاب را که می‌خواندم، فوراً مراجعته می‌کردم به کتاب‌های اهل سنت یا به نرم افزار المکتبه الشامله و با کمال تعجب می‌دیدم مثل اینکه این روایات، واقعیت دارد. برای من سؤال پیش آمده بود که چرا این همه سال، این روایات دور از چشم ما بوده و ما ندیدیم؟ و اگر هم مواردی از این دست می‌دیدیم و از علماء می‌پرسیدیم، خیلی راحت از کنار این‌ها می‌گذشتند و یا توجیه می‌کردند. سلمان حدادی یک مولوی وهابی بود؛ کسی که خودش می‌گوید

بین ۱۰۰۰ تا ۵۰۰ فرد سنی مذهب را وهابی کرده است، اما وقتی شباهت ذهنی اش پاسخ داده شد، به جمع شیعیان پیوست.  
از آن طرف هم گاهی یک شیعه به خاطر یک شبهه به مسیر انحراف کشیده می‌شود.

### اقناع اندیشه

این عدم شناخت ممکن است خدای ناکرده باعث گمراهی ما شود، همان طور که روز به روز عده‌ای را به ضلالت می‌کشاند. چرا به فکر نیستیم؟ بنگریم و ببینیم چقدر به عنوان شیعه، امام علی علیه السلام را می‌شناسیم؟

کافیست یک شیعه با اهل سنت پیرامون واقعه غدیر وارد بحث شود؛ از اولین چیزهایی که اهل سنت بحث می‌کنند این است که مولا در من کنت مولی به معنای دوست است. برخی شیعیان به دلیل ضعف اطلاعات نمی‌توانند جواب دهند؛ در حالیکه اگر اطلاع کافی داشتند به راحتی می‌توانستند بی منطق و غیر عقلانی بودن این مسأله را اثبات کنند؛ مثلاً فقط با یک آیه از قرآن که پیامبر اکرم صلوات الله عليه و آله و سلم در ابتدای خطبه غدیر آن را قرائت فرمودند، می‌توان حقانیت امیر المؤمنین علیه السلام را ثابت کرد:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلَّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغَتَ رِسالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهِدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ.» (مائده/ ۶۷)

در این آیه نکاتی وجود دارد:

- ۱) در این آیه به جای «یا ایها النبی» تعبیر «یا ایها الرسول» آمده که نشانه یک رسالت مهم است.
- ۲) به جای فرمان «ابلغ» فرمان «بلغ» آمده که نشانه ابلاغ قطعی و رسمی و مهم است.
- ۳) پیامبر نسبت به نرساندن یک پیام تهدید شده که اگر نگوید همه زحماتش به هدر می‌رود.
- ۴) انتخاب رهبر اسلامی (امام معصوم) باید از سوی خداوند باشد. «**بَلَغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ**».
- ۵) گاهی ابلاغ پیام الهی باید در حضور مردم و مراسم عمومی و با بیعت گرفتن باشد، ابلاغ ولایت با سخن کافی نیست، بلکه باید با عمل باشد. «**وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ**» به جای «ان لم تبلغ».
- ۶) احکام و پیام‌های الهی، همه در یک سطح نیست؛ گاهی کتمان یک حقیقت، با کتمان تمام حقایق برابر است. «**وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغَتْ رِسَالَتُهُ**».
- ۷) انکار ولایت، نوعی کفر است. «**إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ**». <sup>۱</sup>  
نکات این آیه شریفه و ۱۱ جلد کتاب الغدیر علامه امینی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه دلایل محکمی هستند بر حقانیت خطبه غدیر در اثبات خلافت بلا فصل مولا امیر المؤمنین علیهم السلام.

---

۱. تفسیر نور، ج ۳، ص ۱۳۰.

## پروردش احساس

هنگامی که رسول خدا علی را در روز "غدیر خم" به خلافت منصوب فرمود و درباره او گفت: «من کنت مولاه فعلی مولاه» هر کس من مولی و ولی او هستم علی مولی و ولی او است، چیزی نگذشت که این مسأله در بلاد و شهرها منتشر شد. "نعمان بن حارث فهری" خدمت پیامبر آمد و عرض کرد: تو به ما دستور دادی شهادت به یگانگی خدا و اینکه تو فرستاده او هستی دهیم، ما هم شهادت دادیم؛ سپس دستور به جهاد و حج و روزه و نماز و زکات دادی، ما همه این‌ها را نیز پذیرفتیم، اما با اینها راضی نشدی تا اینکه این جوان (اشارة به علی است) را به جانشینی خود منصوب کردي، و گفتی: من کنت مولاه فعلی مولاه، آیا این سخنی است از ناحیه خودت یا از سوی خدا؟! پیامبر فرمود: قسم به خدا! این از ناحیه خدا است.

"نعمان" روی برگرداند در حالی که می‌گفت «اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ»: خداوند! اگر این سخن حق است و از ناحیه تو، سنگی از آسمان بر ما بباران! اینجا بود که سنگی از آسمان بر سررش فرود آمد و او را کشت، همینجا آیه «سَأَلَ سَائِلٍ بِعْدَابٍ واقِعٍ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ<sup>۱</sup> نازل گشت. آنچه در بالا گفته مضمون عبارتی است که در "مجمع البیان" از "ابوالقاسم حسکانی" با سلسله سندش از "امام صادق علی" نقل شده است. همین مضمون را بسیاری از مفسران اهل سنت، و

۱. معراج / آیات ۲۰۱.

روات حدیث با مختصسری تفاوت نقل کرده‌اند.<sup>۱</sup>

### رفتارسازی

سعی کیم ما هم نسبت به مطالعه درباره حقانیت ولایت و دفاع از اهل بیت در هر جمع و موقعیتی که هستیم کوتاهی نکنیم. یک دکتر شیعه می‌گفت: دوستی داشتم که اهل سنت بود. روزی ایشان را به شهر خود دعوت کردم و ایشان چند روزی مهمان ما بود. در این مدت با هم در مورد اختلافات اعتقادی بحث کردیم. یکی از مسائلی که مورد بحث قرار گرفت و بالاخره مجاب هم نشد، همین بود که او ادعا می‌کرد مولا در من کنت مولا به معنای دوستی است. بعد از چند روز دوستم از من خدا حافظی کرد و به سمت شهر خود راه افتاد. ساعتی بعد با او تماس گرفتم و گفتم همین الان برگرد شهر ما؛ با تو کاری دارم. او می‌گفت چه شده؟ من خیلی از شهر شما دور شده‌ام و نزدیک شهر خودمان هستم. خلاصه اصرار کردم که برگرد و آمد. تا آمد گفت: چه شده که مرا بازگرداندی؟ گفتم: کار خاصی ندارم! فقط خواستم عرض کنم: من و تو با هم دوست هستیم و من خیلی تو را دوست دارم. دوستم با کمی دلخوری و عصبانیت گفت: همین! مرد حسابی مرا از کیلومترها و ساعتها دورتر به اینجا برگردانده‌ای که فقط بگویی دوستت دارم؟ خوب که گلایه‌هایش را بر سرم خالی کرد، گفتم: تو که این کار مرا مسخره می‌دانی، چطور این کار را به پیامبر ﷺ

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۹.

نسبت می‌دهی؟ در تاریخ ثبت شده که روز غدیر عده‌ای جلوتر از کاروان پیامبر ﷺ بودند و حضرت دستور دادند جهت استماع خطبه غدیر برگردند و به جمعیت غدیر خم ملحق شوند. حال به نظر تو درست است و با عقل جور در می‌آید که پیامبر ﷺ این همه انسان را در گرما نگه دارد و بعد به آن‌ها که جلوتر بودند پیغام برساند برگردند تا فقط بگوید علی دوست من است؟ این توهین به پیامبر ﷺ نیست؟ چطور تو از این کار من دلخور شدی، بعد همین کار را به پیامبر ﷺ نسبت می‌دهی؟ آیا بیان دوستی با امام علیؑ نیازمند آن است که پیامبر ﷺ از زن و مرد برای آن پیمان و عهد بگیرد؟ آیا مردم نمی‌دانستند علیؑ دوست پیامبر ﷺ است که نیاز باشد حضرت در آن گرمای طاقت فرسا آن‌ها را جمع کند؟ عقل نمی‌پذیرد که پیامبر ﷺ این همه مردم را سختی بدهد برای این که بگوید علی دوست من است. آیا هر ناظر بی‌طرفی از این تعبیر نمی‌فهمد که در اینجا مسأله رهبری مطرح است؟<sup>۱</sup> گاهی به همین سادگی می‌توان از حق اهل بیت ﷺ دفاع کرد.

### روضه

دفاع از ولایت را باید از مادر سادات حضرت زهراؑ آموخت که نه تنها جانش را سپر بلای امامش کرد، بلکه از قبرش هم برای دفاع جاودانه از حقانیت علیؑ استفاده کرد. دل مولا آتش گرفت وقتی زهرایش وصیت کرد:

---

۱. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۸.

«يَا عَلِيُّ أَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ زَوْجِنِيَ اللَّهُ مِنْكَ لِأَكُونَ لَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَنْتَ أَوْلَى بِي مِنْ عَيْرِي حَنْطُنِي وَغَسْلُنِي وَكَفَنِي بِاللَّلَّيْلِ وَصَلَّ عَلَيَّ وَادْفِنِي بِاللَّلَّيْلِ وَلَا تُعْلِمُ أَحَدًا وَأَسْتَوْدِعُكَ اللَّهَ وَأَقْرَأْ عَلَى وُلْدِيِّ السَّلَامَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»<sup>١</sup>





## معرفت به امام (ویژگی ائمه علیهم السلام : علم)

### انگیزه‌سازی

ابو بصیر می‌گوید: امام باقر علیه السلام به مردی از اهل آفریقا فرمود: راشد چطور است؟ آن مرد پاسخ داد: خوب بود، سلام به شما رسانده. امام فرمود خدا رحمتش کند. عرض کرد: مگر مرد؟ فرمود: آری. پرسید: کی؟

امام علیه السلام پاسخ داد: دو روز پس از حرکت تو. گفت: عجب! نه مرضی داشت و نه مبتلا به دردی بود. فرمود هر کس می‌میرد یا به مرضی دچار می‌شود و یا علتی دارد؟

من عرض کردم: آن مرد که بود؟ فرمود: یکی از دوستان و علاقمندان به ما بود. سپس فرمودند: شما خیال می‌کنید کسی نیست متوجه شما باشد و سخن شمارا بشنوید، بد خیالی کرده‌اید.

«وَاللَّهِ لَا يَعْفُى عَلَيْنَا شَيْءٌ مِّنْ أَعْمَالِكُمْ فَاحْصُرُونَا جَمِيعاً وَعَوْدُوا إِنْفَسَكُمُ الْحَيْرَ وَكُوْنُوا مِنْ أَهْلِهِ تُعْرَفُوا فَإِنِّي بِهَذَا آمِرُ وُلْدِي وَشِيعَتِي». <sup>۱</sup> بخدا قسم هیچ یک از اعمال شما از ما مخفی نیست، بدانید ما همیشه متوجه شما هستیم. سعی کنید خود را عادت دهید به کار خوب تا به همین امتیاز شناخته شوید؛ من فرزندان خود و شیعیانم را به این کار سفارش می‌کنم.

### اقناع اندیشه

در اینجا سؤالی مطرح می‌شود که آیا ممکن است امام به اعمال کسانی که تاکنون ایشان را ملاقات نکرده‌اند، آگاه باشد؟ و از این مهم‌تر، میلیون‌ها شیعه در سراسر دنیا وجود دارند، مگر ممکن است یک نفر، به اعمال میلیون‌ها انسان در سراسر دنیا علم پیدا کند؟ آن چه باعث می‌شود این امر برای عده‌ای باورپذیر نباشد، اینست که آن‌ها امام را با خودشان که یک انسان عادی هستند، مقایسه می‌کنند؛ در صورتی که امام، انسان کامل و مظهر اسماء و صفات خدا در زمین است و یکی از این اوصاف علیم است. ائمه عالم به غیب آسمان‌ها و زمین هستند و خداوند این علم را به ایشان عطا کرده است، اما این علم از جنس علم ما که دارای محدودیت است، نیست.

علم امام با علم مردم عادی تفاوت دارد، در روایت دیگری آمده است:

---

۱ . بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۲۴۴

حضرت صادق علیه السلام به حمران بن اعین فرمود:

يَا حُمَرَانُ إِنَّ الدُّنْيَا عِنْدَ الْإِمَامِ وَالسَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ إِلَّا  
هَكَذَا وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى رَاحِتِهِ يَعْرِفُ ظَاهِرَهَا وَبَاطِنَهَا وَدَاخِلَهَا وَ  
خَارِجَهَا وَرَطْبَهَا وَيَابِسَهَا.<sup>۱</sup>

حمران! دنیا و آسمانها و زمینها در نزد امام مانند اینست؛ به کف دست خود اشاره کرد: ظاهر و باطن و داخل و خارج و ترو خشک دنیا را می‌داند.

منظور از اینکه امام اعمال ما را می‌بیند، این نیست که امام همانند مردم عادی با چشم سر خود امور را می‌بیند، بلکه او با قلب و روحش به امور دنیا آگاهی می‌یابد؛ و منظور از این که امام حاضر است، این نیست که او با جسم خود در جایی حاضر می‌شود تا بعضی بگویند امکان ندارد جسم امام هم زمان در صدها جا باشد. برای بعضی از ما هم اتفاق افتاده که در خواب تجربه‌ای مشابه داشته‌ایم؛ یعنی، در عالم خواب در آن واحد حوادث جاری در مکانهای مختلف را دیده‌ایم. امام صادق علیه السلام درباره احاطه علمشان به دنیا فرموده‌اند:

«إِنَّ الدُّنْيَا تَمَثَّلُ لِلْإِمَامِ فِي مِثْلِ فُلْقَةِ الْجُوزِ فَمَا يَعْرِضُ لِسَيِّءِ مِنْهَا  
وَإِنَّهُ لَيَتَنَاوِلُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا كَمَا يَتَنَاوِلُ أَحَدُكُمْ مِنْ فَوْقِ مَائِدَتِهِ مَا  
يَشَاءُ فَلَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِنْهَا شَيْءٌ». <sup>۲</sup>

دنیا مانند یک پوست گردو در مقابل امام مجسم شده؛ چیزی از

۱ . بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۵، ص ۳۸۵، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

۲ . الاختصاص، ص ۲۱۷ و بصائر الدرجات، ص ۲۱۷

دنيا در نظر امام پوشيه نیست. او می تواند از هر جای دنيا آنچه را که بخواهد بگيرد، مثل شما که از سفره هر چه را می خواهيد بر می داريد و از دست شما فاصله ندارد.

**عَبْدُ اللَّهِ بْنُ بَكْرٍ أَرْجَانِي نَقْلُ مِنْ كَنْدِ:**

امام فرمود: «يَا ابْنَ بَكْرٍ إِنَّ قُلُوبَنَا غَيْرُ قُلُوبِ النَّاسِ.» دل های ما غير دل های مردم است؛ ما پاک و برگزیده هستیم؛ چیزهای را می بینیم که مردم نمی بینند و چیزهای را می شنویم که آنها نمی شنوند؛ ملائکه بر ماروی فرشاهی مان نازل می شوند و حاضر و شاهد بر مردگان ما هستند؛ اخبار و پیش آمد هایی که اتفاق نیفتاده برای ما می آورند؛ با ما نماز می خوانند و برای ما دعا می کنند؛ بال های خود را به ما می مالند و فرزندانمان بر روی بال های آنها حرکت می کنند....هر شبی که می آید اخبار تمام زمین ها نزد ما است؛ آنچه پیش می آید و اخبار جنیان و اخبار هوا از ملائکه؛ هر پادشاهی در زمین می میرد و دیگری جانشین او می شود، خبرش را برای ما می آورند و چگونگی رفتار او را؛ خبر هر یک از شش زمین تا زمین هفتم برای ما آورده می شود.

**گفتم: جُعْلْتُ فِدَاكَ فَهَلْ يَرَى الْإِمامُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ؟**

فدايت شوم! آيا امام بين مشرق و مغرب را می بیند؟

فرمود: پس چگونه می تواند حجت و امام باشد برای مشرق و مغرب، با اينکه آنها را نبيند و حکم نکند در ميان ايشان؟ و چگونه حجت خواهد بود بر مردمی که از دидеه او پنهانند؛ نه او بر آنها قدرت دارد و نه آنها بر او؟ چگونه سفير از جانب خدا

و شاهد و گواه بر خلق است با اینکه آن‌ها را نمی‌بینند؟ و چگونه حجت بر آن‌ها است با اینکه پنهان از نظر اویند و فاصله باشد بین آن‌ها و بین انجام مأموریت پروردگار میان آن‌ها؟ با اینکه خداوند می‌فرماید: «وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَةً لِلنَّاسِ».<sup>۱</sup> منظور تمام مردم زمین هستند و حجت پس از پیامبر جانشین او خواهد بود.<sup>۲</sup>

### پرورش احساس

یکی از چیزهایی که ارزش عمل را از نظر کیفیت بالا می‌برد، معرفت است. چرا در باب زیارات اینقدر آمده است که مثلاً «من زارَ الْحُسَيْنَ عَارِفًا بِحَقِّهِ...»؟ هر کسی که امام را زیارت کند به شرط اینکه او را بشناسد چنین و چنان است، چرا؟<sup>۳</sup> زیرا اساس، شناخت است. اینکه بعضی از اشخاص شبهه می‌کنند که یک قطره اشک برای امام حسین مگر می‌تواند اینقدر ارزش داشته باشد، پاسخ این است که گاهی ممکن است انسان آنقدر برای امام حسین بگرید که اگر اشک همه عمر را جمع کنند یک استخر بشود و هیچ ارزشی هم نداشته باشد. ولی یک انسان ممکن است به اندازه یک بال مگس برای امام حسین<sup>علیه السلام</sup> اشک بریزد که ارزشش از آن استخر اشک دیگری خیلی بیشتر باشد.<sup>۳</sup>

از آیه الله بهجت نقل شده است که در منطقه «جاسب» قم،

۱. سپا / ۲۸

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۵، ص ۳۷۲

۳. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۷، ص ۴۹۱

گروهی از زائران امام هشتم علیه السلام هنگام مراجعت از مشهد به پیرمردی برخورد می‌کنند که در گرمای روز کوله باری از علف به دوش می‌کشد. جمعیت با شماتت و سرزنش می‌گویند: پیرمرد! زحمت دنیارا و اول کن نیستی! بیا تو هم لاقل یک بار به مشهد مقدس سفر کن! و این سخن را تکرار او را بسیار توبیخ می‌کنند. پیرمرد خسته و پاک دل زبان می‌گشاید و می‌گوید: شما که به زیارت آقا رفتید و به آقا سلامدادید، جواب گرفتید یا نه؟ می‌گویند: پیرمرد! این چه سخنی است که می‌گویی! مگر آقا زنده است که سلام ما را جواب بدهد! پیرمرد می‌گوید: عزیزان! امام که زنده و مرده ندارد؛ ما را می‌بینند و سخنان ما را می‌شنود؛ زیارت که یک طرفه نمی‌شود. آنان می‌گویند: آیا تو این عرضه را داری؟ وی می‌گوید: آری! و از همان جارو به سمت مشهد مقدس می‌کند و می‌گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ هَشْتَمٍ» و همه با کمال صراحة می‌شنوند که به آن پیرمرد به نام خطاب می‌شود که: «عَلَيْكُمُ السَّلَامُ آقَى فَلَانِي» و بدین ترتیب زائران همگی خجالت کشیده، پشیمان می‌شوند که چرا سبب دلشکستگی این مرد نورانی را فراهم آورده‌اند.<sup>۱</sup>

اگر معرفت و شناخت ما نسبت به امام درست شد، زندگی ما عوض خواهد شد:

یک چشم زدن غافل از آن ماه نباشد  
شاید که نگاهی کند آگاه نباشد

## رفتارسازی

امام زمان ع در نامه‌ای به شیخ مفید چنین نوشتند:

«َحُنْ وَ إِنْ كُنَّا ثَاوِينَ بِمَكَانِنَا النَّائِي عَنْ مَسَاكِنِ الظَّالِمِينَ  
حَسَبَ الَّذِي أَرَأَاهُ اللَّهُ لَنَا مِنَ الصَّالِحِ وَ لِشِيعَتِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ  
مَا دَامَتْ دَوَّلَةُ الدُّنْيَا لِلْفَاسِقِينَ فَإِنَّا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَاتِكُمْ وَ لَا يَعْزُبُ  
عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ». <sup>۱</sup>

«ما اگر چه مقیم هستیم در جای خودمان که دور از منازل ستمگران است، بر طبق مصلحتی است که خداوند برای ما و برای شیعیان مؤمن ما، مادامی که دولت فاسقین برقرار است، مقدر فرموده. ما به اخبار شما مسلط هستیم و علم داریم و هیچ خبری از شما برای ما پنهان نیست... ما شما را بی سر برست رهانمی کنیم. و یاد شما را فراموش نمی کنیم (به یاد شما هستیم)... ما شیعیان خود را طوری عادت بدھیم که اعمالمان را (در خلوت یا جلوت) در محضر امام زمان ع بینیم و در مرحله بعد نسبت به همسر و مخصوصا فرزندانمان احساس مسئولیت کرده و به این امر متذکر شویم.

اگر از کودکی در بازی‌ها و تفریحات و درس خواندن و.... به فرزندان خود فهماندیم که در محضر امام زمان هستی، دیگر نگران نخواهیم بود نکند در ساعاتی که تنهاست خطا کند.

اگر این نگاه را در خودمان زنده کردیم، بسیاری از رذایل اخلاقی را از خودمان دور خواهیم کرد. مانند شهید آوینی که

۱. قطب الدین راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۹۰۲. قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.

همسرش نقل می‌کند: چند سال از انقلاب گذشته بود که مرتضی سیگارش را ترک کرد. دلیلی که برای این کار ذکر کرد این بود: آقا امام زمان ع در همه حال ناظر بر اعمال و رفتار ما هستند. در این صورت من چه طور می‌توانم در حضور ایشان سیگار بکشم؟ این گونه بود که دیگر هرگز لب به سیگار نزد.<sup>۱</sup>

و در آخر سخن همه شما عزیزان را به روایتی از آقا رسول الله میهمان می‌کنم. حضرت در مورد این که شیعیان چه کسانی هستند، می‌فرمایند:

«إِنَّ شَيْعَتَنَا مَنْ شَيَّعَنَا وَ اتَّبَعَ أَثَارَنَا وَ افْتَدَى بِأَعْمَالِنَا.»<sup>۲</sup>

همانا شیعه ما کسی است که دنبال ما بیاید، و از آثار ما پیروی کند، و به کدار ما اقتدا نماید.

### روضه

اجازه بدھید آخر منبر سری به آقایی بزنیم که دل سوخته‌ترین شخص در این عالم است! کسی که خودش در زیارت ناحیه فرمود: «جد غریب! لاندبنک صباحا و مسaea و لاپکین لک بدل الدموع دما؛ جد غریب! صبح و شب برایت گریه می‌کنم.» اگر دیگران فقط محروم اشک می‌ریزند، امام زمان همیشه همه صحنه‌ها جلو چشمشان است.

بیینید او چه می‌کشد... آن وقت می‌فرماید: به جای اشک،

خون گریه می‌کنم.

۱. مرتضی آینه زندگی ام بود.

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۵، ص ۱۵۴.

در زیارت ناحیه مقدسه خطاب به جدشان این طور خطاب می‌کنند: «السلام علی الشیب الخضیب؛ جد غریبم! سلام بر محاسن خونینت» «السَّلَامُ عَلَى الْخَدُّ التَّرِیبِ». آخرین جمله، «السلام علی الرأس المرفوع».<sup>۱</sup>



---

۱ . بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۹۸، ص ۲۳۶.



## انگیزه‌سازی

مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه علمیه قم، نقل می‌کرد: مدتی در شهر سامراء نزد آیت الله میرزا شیرازی درس می‌خواندیم. روزی در وسط درس، آیت الله سید محمد فشارکی وارد شد؛ در حالی که بسیار مضطرب و نگران بود. علت نگرانیش این بود که بیماری مسری و با در عراق شیوع یافته بود و بسیاری از مردم را کشته بود. آقا سید محمد فشارکی فرمود: آیا شما مرا مجتهد می‌دانید؟ گفتیم: آری. فرمود: آیا مرا عادل می‌دانید؟ گفتیم: آری (منظور او این بود که پس از تأیید، حکمی صادر کند). آن گاه گفت: من به تمام شیعیان سامره از زن و مرد حکم می‌کنم که هر یک از آن‌ها یک بار زیارت عاشورا

را به نیابت از مادر امام زمان ع بخوانند، و آن مادر بزرگوار را در نزد فرزند بزرگوارش شفیع قرار دهنده که امام زمان ع پیش خدای بزرگ از ما شفاعت نماید تا خداوند شیعیان سامراء را از بیماری و با حفظ گرداند. مرحوم آیت الله حائری می‌گوید: وقتی که این حکم از مرحوم آیت الله سید محمد فشارکی صادر شد، چون خطر مرگ در میان بود، همه شیعیان اطاعت نمودند و در نتیجه، یک نفر شیعه در سامراه تلف نگردید و خداوند متعال شیعیان را از این بلای عمومی نجات بخشید.<sup>۱</sup>

عزیزان! این است نتیجه توسل به امام زمان ع که هر گره کوری را باز می‌کند؛ مخصوصاً امشب که تعلق ویژه‌ای به امام زمان ع دارد.

### اقناع اندیشه

قرآن می‌فرماید: «تنزل الملائكة والروح فيها بإذن ربهم من كل أمر سلام هي حتى مطلع الفجر.» (قدر / ۴ و ۵)

یعنی در شب قدر تمام ملائک و روح بر روی زمین نازل می‌شوند. سؤال اینجاست که فرشتگان بر چه کسی فرود می‌آیند؟ این همه فرشته‌ای که در شب قدر روی زمین می‌آیند نزد چه کسی می‌روند؟ اکنون که دیگر نزول قرآنی وجود ندارد که ملائکه بر پیغمبر صلوات الله علیه و آله و سلم نازل شوند، پس در شب قدر ملائکه برای چه کاری و بر چه کسی نازل می‌شوند؟ سنی و شیعه به اتفاق می‌گویند: شب

۱. داستان صاحبدلان، محمد محمدی اشتهرادی.

قدر برای یک سال به خصوص نیست؛ هر سال یک شب قدر دارد. با توجه به اینکه «تنزل» فعل مضارع است، و دلالت بر استمرار دارد (در اصل «تنزل» بوده) روشن می‌شود که شب قدر مخصوص به زمان پیغمبر اکرم ﷺ و نزول قرآن مجید نبوده، بلکه امری است مستمر و شبی است مداوم که همه ساله تکرار می‌شود.<sup>۱</sup>

خوب، فرشته‌ها کجا می‌روند؟ روایات متواتر است که زمان پیغمبر فرشته‌ها خدمت پیغمبر می‌رسیدند، و چون هر سال شب قدر است و زمان پیغمبر ﷺ هر سال فرشته‌ها خدمت ایشان می‌رسیدند، آن هم باید یک کسی باشد مثل پیغمبر ﷺ، که لیاقت داشته باشد فرشته‌ها خدمت او برسند. باید کسی باشد تمام کمالات پیغمبر ﷺ را داشته باشد.<sup>۲</sup> (غیر از خاتمیت)

هم چنان که زمان پیغمبر ﷺ خدمت پیغمبر می‌رسیدند، در زمان ما هم خدمت حضرت مهدی ؑ می‌رسند. روایات ما در این باب بسیار زیاد است؛ از جمله علی بن ابراهیم قمی در تفسیری درباره نزول فرشتگان و روح در شب قدر می‌گوید: فرشتگان و روح القدس، در شب قدر، بر امام زمان ؑ نازل می‌شوند و آنچه را از مقدرات سالانه بشر نوشته‌اند، به او تقدیم می‌دارند.

همین محدث مورد ثوق از حضرت امام باقر ؑ نقل کرده که وقتی از حضرتش پرسیدند: آیا شما می‌دانید که ليلة القدر کدام شب است؟ حضرت فرمودند: چگونه ندانیم و حال آن که در شب

۱ . تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۸۱.

۲ . کافی، ج ۱، ص ۲۴۹.

قدر فرشتگان بر گرد ما طواف می‌کنند.<sup>۱</sup>

همچنین در روایتی از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که علیه السلام به ابن عباس فرمود: شب قدر در هر سال است و در آن، کار یک سال نازل می‌شود، برای آن کار بعد از رسول خدا علیه السلام نمایندگانی هست، گفتم: آن‌ها کدام هستند؟ فرمود: من و یازده فرزندم از صلب من همه امامان محدثند.<sup>۲</sup>

بنابراین شب قدر، شب نزول تمامی ملائکه به محضر حضرت صاحب‌العصر و الزمان علیه السلام است؛ یعنی شبی است که وجود مقدس امام عصر، تمام موجودات را تحت اشراف مخصوص قرار می‌دهند، حضرت حجت علیه السلام کاره عالم هستند، خلیفه تام الاختیار خداوند متعال روی زمین هستند، نه تنها تقدیر سال به امضای حضرت است؛ بلکه تنها کسی که تغییر تقدیر در طول سال به اراده اوست، ایشان است.

## تحریک احساس

حضرت آیت الله حسینی تهرانی در کتاب معادشناسی از قول یکی از اعاظم نجف نقل می‌فرماید:

ما از نجف اشرف عیال اختیار کردیم و سپس در فصل تابستان برای زیارت و ملاقات ارحام عازم ایران شدیم و پس از زیارت حضرت ثامن الائمه علیه السلام عازم وطن خود که شهری است در نزدیکی های مشهد گردیدیم. آب و هوای آن جا به عیال ما نساخت

۱. تفسیر القمی، ص ۷۳۱ و علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۴، جز ۲۳.

۲. اصول کافی، کتاب الحجه، باب فی شان انا از لئناء فی لیله القدر.

و مريض شد و روز به روز مرضش شدت پيدا کرد و هر چه معالجه کردیم، سودمند واقع نشد و در آستانه مرگ قرار گرفت. من در بالین او بودم. بسيار پريشان بودم، ديدم عيالم در اين وقت فوت می‌کند و من باید تنها به نجف برگردم و در نزد پدر و مادرش خجل و شرمنده گردم و آن‌ها بگويند: دختر نوعروس ما را برد و در آن جا دفن کرد و خودش برگشت.

حال اضطراب و تشویش عجیبی در من پیدا شد. فوراً آمدم در اتاق مجاور ایستادم و دو رکعت نماز خواندم و توسل به حضرت امام زمان علیه السلام پیدا کردم و عرض کردم: يا ولی الله! همسر من را شفا دهید که اين امر از دست شما ساخته است و با نهايت تصرع و التجاء متواسل شدم. سپس به اتاق عيالم آمدم. ديدم نشسته و مشغول گریه کردن است. تا چشمش به من افتاد، گفت: چرا مانع شدی؟ چرا نگذاشتی؟ من متوجه نشدم چه می‌گويد و تصوّر کردم که حالش بد است. بعد که قدری آب به او دادیم و غذا به دهانش گذاردیم قضیه خود را براي من نقل کرد و گفت:

جناب عزرايل علیه السلام برای قبض روح من با لباسی سفید آمد و بسيار زبيا و آرaste بود. به من لبخندی زد و گفت: حاضر به آمدن هستی؟ گفتم: آري! بعداً امير المؤمنین علیه السلام تشریف آورددند و با من بسيار ملاطفت و مهر باني نمودند و به من فرمودند: من می‌خواهم بروم نجف. می‌خواهي با هم به نجف برويم؟ گفتم: بلی! خيلي دوست دارم با شما به نجف بیایم. من برخاستم. لباس خود را پوشیدم و آماده شدم که با آن حضرت به نجف اشرف برويم.

همین که خواستم با آن حضرت از اتاق خارج شوم، دیدم که آقا امام زمان ع آمدند و تو هم دامان امام زمان ع را گرفته‌ای. حضرت امام زمان ع به آقا امیرمؤمنان علی ع فرمودند: این بنده به ما متولّ شده، حاجتش را برآورید! حضرت امیرالمؤمنین ع سر مبارک را پایین انداخته و به جناب عزراeil ع فرمودند: به تقاضای مرد مؤمن که متولّ به فرزند ما شده است برو تا موقع معین! و آن گاه امیرالمؤمنین ع از من خداحافظی کردند و رفتند. چرا نگذاشتی بروم؟<sup>۱</sup>

در این شب عزیز از آقا بخواهیم که ما را دعا کنند و ایشان دعا می‌کند. سید بن طاووس ع می‌فرماید: در یک سحرگاه در سردار مطهر از حضرت صاحب الامر ع این مناجات را شنیده‌ام که می‌فرماید: اللهم ان شیعتنا خلقت من شعاع انوارنا و بقیة طینتنا و قد فعلوا ذنوبنا کثیره... خدایا شیعیان ما را از شعاع نور ما و بقیه طینت ما خلق کرده‌ای، آن‌ها به اتکاء محبت به ما و ولایت ما گناهان زیادی مرتکب شده‌اند، اگر گناهان آن‌ها گناهی است که در ارتباط با تو است، از آن‌ها بگذر که ما را راضی کرده‌ای و آنچه از گناهان آن‌ها در ارتباط با خودشان هست، خودت بین آن‌ها را اصلاح کن و از خمسی که حق ما است به آن‌ها بده تاراضی شوند و آن‌ها را از آتش جهنم نجات بده و آن‌ها را با دشمنان ما در سخط خود جمع نفرما.<sup>۲</sup>

۱. معادشناسی، ج ۱، صص ۲۵۸-۲۸۸.

۲. بحار الانوار، ج ۳، ص ۵۳، ۲۰۲.

## ولایت در قرآن ۱۶

در این شب عزیز از پدر مهر بانمان بخواهیم برای ما دعا کند؛ دعا برای عاقبت به خیری. عاقبت به خیری خیلی مهم است؛ آن قدر مهم که حتی پیغمبر ﷺ برای عاقبت خودش دعا می‌کرده و می‌فرموده: «اللهم أحسن عاقبتنا فی الامور كلها».<sup>۱</sup> و وقتی امیر المؤمنین علیؑ خبر شهادتشان را از پیامبر شنیدند، بلا فاصله عرض کردند: «أفی سلامة من دینی؟»<sup>۲</sup> آیا عاقبت به خیر می‌شوم؟ وقتی حال این معصومان این گونه است، ما به طریق اولی باید نگران عاقبت خود باشیم. امشب این عاقبت را از صاحب همین شب بگیریم.

امشب همه محتاج دعای حضرت هستیم. وای به حال کسی که امشب از دعای حضرت محروم باشد. در روایت آمده است: حضرت رضا علیه السلام در جواب تاجری که درخواست کرده بود حضرت از پرداخت خمس معافش کنند، نوشتند: «وَ لَا تَحِرِّمُوا أَنفُسَكُمْ دُعَاءَنَا مَا قَدَرْتُمْ عَلَيْهِ» با ندادن خمس خودتان را از دعای ما اهل بیت محروم نکنید.<sup>۳</sup>

و وای به حال کسی که خدای نکرده مورد نفرین حضرت قرار بگیرد. شاید بفرمایید: مگر شیعیان حضرت هم مورد لعن ایشان قرار می‌گیرند؟

امام زمان علیه السلام در نامه‌ای که برای محمد بن عثمان (نایب دوم) فرستاد، نوشه بود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَعْنَتُ خَدَا وَ لَعْنَتُ

۱. نهج الفصاحه، حدیث ۴۹۳.

۲. کتاب سلیمان بن قیس، ج ۲، ص ۵۶۹.

۳. الكافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۵۴۷.

فرشتگان و لعنت تمام مردم بر کسی که یک درهم بدون مجوز مال ما را بخورد.<sup>۱</sup>

عزیزان! آیا مواظب هستیم حق امام زمان علیه السلام در مال ما نباشد؟ نگوییم ما آنقدر ثروتمند نیستیم که خمس به ما تعلق بگیرد. خمس ربطی به وضع خوب و بد مالی ندارد، همه باید حساب مالی داشته باشند؛ هر سال یک حساب مالی و چه بهتر که این حساب و کتاب در شب قدر باشد.

شخصی از قم خدمت امام جواد علیه السلام رسید و عرض کرد: من متولی موقوفات قم هستم و ۱۰۰۰۰ درهم نزد من بود که خرج کرده‌ام، لطفاً حلال کنید. امام جواد علیه السلام از این عمل انتقاد کرده و فرمودند: «چگونه اموال آل محمد و طبقه محروم را مصرف کرده و توقع دارند من آن را حلال کنم و اللہ لیسَ الْنَّهُمُ اللَّهُ يُوْمُ الْقِيَامَةِ عَنْ ذَلِكَ سُوَا الْحَشِيشَ!»<sup>۲</sup>

## روضه فقرطاعات پژوهش

نکند مال امام زمان در اموال ما باشد و ما هم جزء کسانی باشیم که حق ایشان را غصب کردند. غصب اموال اهل بیت علیهم السلام سابقه بدی دارد؛ این جریان از مدینه شروع شد. نکند ما هم جزء غاصبان حق ایشان باشیم.

«فَخَرَجْتُ وَالْكِتَابُ مَعَهَا فَلَقِيَهَا عُمَرُ فَقَالَ يَا بْنَتَ مُحَمَّدٍ مَا هَذَا الْكِتَابُ الَّذِي مَعَكَ فَقَالَتْ كِتَابٌ كَتَبَ لِي أَبُو بَكْرٍ بِرَدْ فَدَكَ

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۶۷۳.

۲. کافی، ج ۱، ص ۵۴۸.

## ولایت در قرآن ۶۳

فَقَالَ هَلْمُمِيَّهُ إِلَيَّ فَأَبْتَ أَنْ تَدْفَعَهُ إِلَيْهِ فَرَفَسَهَا بِرِجْلِهِ وَكَانَتْ حَامِلَةً  
بِابْنِ اسْمُهُ الْمُحَسِّنُ فَأَسْقَطَتِ الْمُحَسِّنَ مِنْ بَطْنِهَا ثُمَّ لَطَمَهَا فَكَانَ  
أَنْظُرُ إِلَى قُرْطٍ فِي أُذُنِهَا حِينَ نُفِقتْ ثُمَّ أَخَذَ الْكِتَابَ فَخَرَقَهُ.<sup>۱</sup>



---

۱. الإختصاص، النص، ص ۱۸۵.





## حب اهل بیت ﷺ، آثار و برکات، ایجاد محبت در فرزندان

### انگیزه‌سازی

اوّلین بار است که ابی عبد‌الله ﷺ روزه گرفته، فاطمه ؑ دنبال رسول الله ﷺ فرستاد: پدر جان اوّلین بار است حسین روزه گرفته، افطار قدم رنجه کنید، خدمت شما باشیم.

همه کنار سفره افطار حسین جمع‌اند، وقت افطار که شد، آب مقابله حسین گذاشتند، وقتی خواست افطار کند، نگاهی به صورت جدّش کرد، یا جدا، به من چه می‌دهی افطار کنم؟ نگاهی به صورت قشنگ حسین کرد و فرمود: نصف عبادت‌های من برای آن‌هایی که تو را دوست دارند. امیر المؤمنین ؑ فرمود: حسین جان افطار کن.  
بابا جان به من چه می‌دهی افطار کنم؟

امیر المؤمنین ؑ فرمود: نصف عبادت‌های من برای آن‌هایی

که تو را دوست دارند. (فردای قیامت به پرونده اعمالت نگاه می کنی و عبادت های علی را می بینی)

فاطمه علیها السلام فرمود: پسرم افطار کن!

: مادر! به من چه می دهی افطار کنم؟

فرمود: نصف عبادت های من برای آن هایی که برای تو گریه می کنند، (ثواب یکی از آن نماز شب های نشسته حضرت زهرا علیها السلام برای همه ما بس است)

امام حسن علیها السلام فرمود: برادر! افطار کن!

: برادر شما به من چه می دهی؟

فرمود: فردای قیامت خودم بر در بهشت می ایستم و یک یک محبتان را وارد بهشت می کنم، بعد از آن که همه آن ها وارد بهشت شدند، خودم وارد می شوم.<sup>۱</sup>

### اقناع اندیشه

ابن عباس می گوید: چون پیغمبر صلوات الله عليه و آله و سلم به مدینه آمد، حوادثی برای حضرت واقع می شد و حقوقی بر گردنش می افتاد، ولی دستش تنگ بود. انصار گفتند: این مرد ما را به راه خدا هدایت کرده و اکنون با حوادثی که پیش می آید و حقوقی که بر گردنش می افتد، تنگدست است. بیایید تا آنجا که خود فقیر نشویم مالی گرد آوریم و تقدیم کنیم تا دستگیریش باشد. این کار را کردند و مال جمع شده را نزد پیغمبر صلوات الله عليه و آله و سلم برده و گفتند: یا رسول الله! خدا به

۱. گلواژه های محرم مجمع الذاکرین، کبریت احمر مرحوم بیرجندی و نرم افزار هدایت در حکایت موضوع محبت.

دست تو مارا هدایت کرده، پس در نظر گرفتیم از اموال خود مبلغی جمع کرده و خدمتتان بیاوریم تا بدین وسیله کمک کرده باشیم. آیه نازل گردید:

«بَگُوْ مِنْ اَشْمَاءِ مَزْدَنْمِيْ خَوَاهِمْ، مَكْرُ دُوْسْتِيْ خَوِيشَاوَنْدَانِ رَا.»  
 حال مزد رسالت پیامبر اسلام ﷺ چیست؟ پیامبر اسلام از مردم درخواست مزد مادی نداشت، ولی چندین مرتبه از طرف خداوند با کلمه «قُلْ» مأمور شد تا مزد معنوی را که به نفع خود مردم است، از مردم تقاضا کند. «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ»<sup>۱</sup> این مزد معنوی نیز در دو تعبیر آمده است.

یک بار می فرماید: من هیچ مزدی نمی خواهم جز آنکه هر که خواست راه خدا را انتخاب کند؛ «إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا.» (فرقان / ۵۷)

و یک بار در آیه مورد بحث که می فرماید: «لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى.»

با کمی تأمل می فهمیم که باید راه خدا و مودت اهل بیت یکی باشد، زیرا اگر دو تا باشد، تناقض است، یعنی نمی توان گفت: من فقط تابستان‌ها مطالعه می‌کنم و بار دیگر گفت: من فقط زمستان‌ها مطالعه می‌کنم. زیرا محصور باید یک چیز باشد.

از طرفی مودت با دو چیز ملازم است: اول، شناخت و معرفت، زیرا تا انسان کسی را نشناسد، نمی تواند به او عشق بورزد. دوم اطاعت، زیرا مودت بدون اطاعت نوعی تظاهر و ریاکاری است.

پس کسانی که دستورات خود را از غیر اهل بیت پیامبر ﷺ  
می‌گیرند، راه خدا را پیش نگرفته‌اند.<sup>۱</sup>

### پروردش احساس

در قرآن و روایات اسلامی اعم از شیعی و سنتی بر مودّت و محبت اهل بیت پیامبر ﷺ تأکید فراوان شده است؛ و این تنها بدان جهت نیست که آنان ذریه پیامبر و از نسل اویند، بلکه از آن جهت است که آنان دارای فضایل و کمالات، و به عبارت دیگر جامع همه صفات کمال و جمالند؛ به تعبیر دقیق‌تر، مظہر صفات جمال و جلال الهی‌اند.

زمخشری در کشاف حدیثی نقل کرده که رسول خدا ﷺ فرمود:

«من مات علی حب آل محمد مات شهیدا؛ الا و من مات علی حب آل محمد ﷺ مغفورا؛ الا و من مات علی حب آل محمد مات تائب؛ الا و من مات علی حب آل محمد مات مؤمنا مستکمل الایمان؛ الا و من مات علی حب آل محمد بشره ملک الموت بالجنة ثم منکر و نکیر؛ الا و من مات علی حب آل محمد یزف الى الجنة كما ترتفع العروس الى بیت زوجها؛ الا و من مات علی حب آل محمد فتح له في قبره باباً الى الجنة؛ الا و من مات علی حب آل محمد جعل الله قبره مزار ملائكة الرحمة؛ الا و من مات علی بغض آل محمد جاء يوم القيمة مكتوب بين عينيه آیس من رحمة الله الا

---

۱ . تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۳۹۵

## ولایت در قرآن ۶۹

و من مات على بعض آل محمد مات كافرا؛ الا و من مات على  
بعض آل محمد لم يشم رائحة الجنة.»<sup>۱</sup>

پیامبر ﷺ فرمودند: در قیامت از سوی خدا به حضرت زهرا ع  
خطاب می‌شود:

ای فاطمه ع! از من بخواه تا به تو عطا کنم و آزویت را بگوتا تو  
را خشنود سازم، آن حضرت گوید: پروردگار! تو آزوی من و بالاتر  
از آزوی من هستی، از تو می‌خواهم که دوستدارانم و دوستداران  
فرزندانم را در آتش عذاب نکنی. در این هنگام خداوند به او وحی  
می‌کند: ای فاطمه ع! سوگند به عزت و جلالم و بلند مرتبه بودن  
جایگاهم، دو هزار سال قبل از آن که آسمان‌ها و زمین را خلق کنم،  
بر خود سوگند یاد کرده‌ام که دوستانت و دوستان خاندانت را به آتش  
جهنم عذاب نکنم.<sup>۲</sup>

در دنیا هم محبین اهلبیت ع چیزی به نام بن‌بست ندارند،  
زیرا در بن‌بست‌ها و سختی‌ها اهلبیت ع او را دستگیری می‌کنند.  
همسر شهید برونسی تعریف می‌کند: وضع حمل من نزدیک  
بود. عبدالحسین دوست داشت بچه در منزل خودمان به دنیا بیاید،  
رفت دنبال قابله. درد من زیاد شد، منتظر قابله بودم. قابله آمد، خانم  
موقر و سنگینی بود و دست سبکی داشت. بچه به راحتی به دنیا  
آمد. پیشنهاد داد اسمش را فاطمه بگذارید. مادرم چای و میوه  
آورد. نخورد و خدا حافظی کرد و رفت.

۱. تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۲۲۰ و ۲۲۱ و تفسیر فخر رازی ج ۲۷، ص ۱۶۵ و ۱۶۶ و تفسیر  
قرطبی ج ۸، ص ۵۸۴۳.

۲. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۵۵۳.

عبدالحسین ساعت سه نصف شب آمد. مادرم گفت: قابله را می‌آوری و میروی؟ نمی‌گویی شاید کاری با تو داشته باشیم؟ آمد بچه را بغل کرد و مثل ابر بهاری گریه کرد. سال‌ها گذشت. بالاخره رازش را فاش کرد و گفت: آن روز من رفتم دنبال قابله، کاری پیش آمد. رفتم برای پخش اعلامیه، ساعت دو و نیم یادم آمد که برای چه کاری آمده بودم بیرون، آمدم خانه، آن خانم هرکه بود خودش آمده بود.<sup>۱</sup>

شیخ سلیمان قندوزی که سنتی حنفی است با سندی ارزشمند نقل می‌کند:

پیامبر ﷺ فرمودند: «معرفة الْمُحَمَّدِ بِرَأْثَةِ النَّارِ وَ حُبُّ الْمُحَمَّدِ جُوازُ عَلَى الصِّرَاطِ وَ الْوَلَايَةِ لَاَلِّمَّا مُحَمَّدٌ أَمَانٌ مِّنَ الْعَذَابِ». <sup>۲</sup>

### رفتارسازی

حال که محبت به اهل بیت ﷺ اینقدر اهمیت دارد که داشتن آن سعادت و نداشتن آن، شقاوت را به دنبال دارد، باید کاری کنیم تا فردای قیامت حسرت نخوریم و مديون خانواده خود نباشیم، چون زن و فرزند حقی بر گردن ما دارند و ما در برابر آنان مسئولیم و آن مسئولیت هدایت و تربیت است.

خداآوند در قرآن می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا أَنْفَسْتُمْ كُمْ وَأَهْلِيْكُمْ نَارًا وَقُوْدُهَا النَّاسُ

وَالْحِجَارَةُ». (تحریم/۸)

۱. خاکهای نرم کوشک، ص ۳۳.

۲. بنایع الموده، ج ۱، ص ۷۸.

طبق این آیه شریفه و فرمایشات اهل بیت ﷺ در ذیل این آیه، بر ما واجب است خود و خانواده را از آتش جهنم دور کنیم. قابل توجه است که تعبیر به «قوا» (نگاهدارید) اشاره به این است که اگر آن‌ها را به حال خود رها کنید، خواه ناخواه به سوی آتش دوزخ پیش می‌روند. شما هستید که باید آن‌ها را از سقوط در آتش دوزخ حفظ کنید. یکی از عوامل سقوط و انحراف توجه نداشتن به تأثیر محبت اهل بیت ﷺ در مسیرنجات خود و خانواده از آتش است. شاید پرسید چگونه خود و خانواده را از خطرات و انحرافات حفظ کنیم؟ توجه شما را به این روایت جلب می‌کنم:

روزی پیامبر ﷺ به برخی از بچه‌ها نگاهی کردند و فرمودند: وای بر فرزندان آخر الزمان از دست پدرانشان. سؤال شد: یا رسول الله! از دست پدران کافرشان؟ حضرت فرمودند: خیر از دست پدران مؤمنشان که به فرزندان خود واجبات دینی را یاد نمی‌دهند و وقتی که فرزندان می‌خواهند چیزی از مسائل دین را یاد بگیرند، آن‌ها را منع می‌کنند و آن‌ها را به دنیا طلبی تشویق می‌کنند. من از آنان دوری می‌جویم و آن‌ها هم از من دورند.<sup>۱</sup>

بنابراین، نکته اصلی این است که در تربیت آن‌ها و آموزش مسائل دینی اهتمام بورزیم و مراقب باشیم که مبادا مشغول دنیا شوند. برخی از پدر و مادرها حاضرند فرزندشان کلاس کامپیووتر بروند، اما او را به کلاس قرآن نمی‌فرستند. دوست دارند مدرسه

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵۴، ص ۱۶۴.

فوتبال برود، اما اجازه نمی‌دهند هیئت برود، تا جایی که دل آن‌ها مملو از مادیات می‌شود و دیگر جایی برای دل بستن به اهل بیت و پیروی از آن‌ها نمی‌ماند. قبل از آنکه مشغول دنیا شوند باید آن‌ها را با بردن به مجلس اهل بیت و یادگیری معارف معصومین و تشویق به گرفتن مجلس روضه در منزل توسط فرزندان، آن‌ها را فرزندانی ولایی و اهل بیتی بار بیاوریم.

### خشتش اول چون نهد معمار راست

#### تأثیریا می‌رود دیوار راست

پدر آقای قرائتی از نعمت فرزند محروم بودند. در کنار خانه کعبه از خدا طلب فرزند کردند، به این نیت که همه را خادم اهل بیت کنند. صاحب چندین فرزند شدند و چنان با این نیت خالص خود و مدد گرفتن از خدا و اهل بیت به تربیت آن‌ها اهتمام ورزیدند که همه آنها هم اکنون در لباس مقدس روحانیت مشغول سر بازی امام زمان علیه السلام هستند.

لازمه یک تربیت صحیح این است که از بدو تولد شروع کنیم. اگر ما به وظیفه خود عمل کنیم، خود اهلیت علیه السلام مسیر را درست می‌کنند. چه زیبایت صحنه‌ای که یک مادر فرزند کوچک و شش ماهه خود را لباس عربی می‌پوشاند و به مجلس روضه ابا عبد الله الحسین علیه السلام می‌برد. این کار بیش از همه چیز در تربیت خود فرزند و ایجاد محبت اهل بیت علیهم السلام در قلب کوچکش مؤثر است.

#### روضه

باید به آن مادر گفت که نباید نگران چیزی باشد، چرا که

فرزندش در آغوش گرم مادر است و مردم با نگاه محبت او را نظاره می‌کنند. می‌گویند خدا او را به مادرش ببخشد، اما وقتی کوفیان فرزند شش ماهه امام حسین علیهم السلام را روی دست حضرت دیدند، نه تنها دلشان به رحم نیامد، بلکه تیر سه پر به حلقوم کوچک علی اصغر تشنه لب زدند.

ای اهل کوفه رحمی این طفل جان ندارد  
خواهد که آب گوید اما زبان ندارد  
هنگام گریه کوشد تا اشک خود بنوشد  
اشکی که لب کند تر دور دهان ندارد  
الا لعنة الله على القوم الظالمين.....



## انگیزه‌سازی

مردی خدمت حضرت امام محمد تقی علیهم السلام وارد شد، در حالی که شاد و مسرور بود. حضرت فرمود: به چه علت تو را شاد می‌بینم؟ عرض کرد: ای پسر پیامبر! از پدر بزرگوارت شنیدم که می‌فرمود: بهترین روزی که سزاوار است بندۀ خدا در آن روز شاد باشد، روزیست که توفیق خدمت و کمک و دستگیری از برادران مؤمن نصیب او گردد.

امروز ده نفر از برادران فقیر و عائله‌مند از فلان شهر و فلان شهر به قصد من آمدند و من به هر کدام از آن‌ها بخشناسی کردم؛ از آن جهت خوشحالم. حضرت فرمود: به جان خودم سوگند! تو شایسته این شادی هستی، اگر آن انفاقت را نابود نکرده باشی یا

بعد از این در آینده آن را از بین نبری. آن مرد عرض کرد: چگونه آن را از بین ببرم و حال آنکه من از شیعیان خالص شما هستم؟ حضرت فرمود: احسانی که در حق برادران مؤمنت روا داشتی، باطل ساختی. عرض کرد چگونه باطل شد؟ فرمود: آیه قرآن را بخوان: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمُنَّ وَالْأَذَى**.<sup>۱</sup> عرض کرد: ای پسر پیامبر! من بدانها که خدمت و نیکی کردم نه منت گذاشتم و نه آزار دادم. حضرت فرمود: خداوند می فرماید: صدقات خود را به سبب منت و آزار تباہ نسازید و نفرموده است با منت گزاردن بر آنها که در حرشان خوبی کردید یا آزرسن آنها، بلکه هر گونه آزرسنی باعث تباہ شدن آن احسانست، تو فکر می کنی آن جمعیتی که به آنها خوبی کردی آزارشان مهمتر است یا آزرسن فرشتگان محافظت تو و فرشتگان مقربی که دور و برتو هستند یا آزرسن ما؟ آن مرد عرض کرد: این آزار بزرگتر و مهمتر است. حضرت فرمود: بنا بر این هم مرا آزرسن و هم فرشتگان را و صدقه خود را تباہ ساختی.

عرض کرد: چرا؟ فرمود: به سبب همین که گفتی: من از شیعیان خالص شمایم! سپس فرمود: وای بر تو! می دانی شیعه خالص ما کیست؟ عرض کرد نه. فرمود: شیعه خالص ما حزبیل مؤمن، همان مؤمن آل فرعون و صاحب یس است، که خداوند متعال درباره اش می فرماید: مردی شتابان از دورترین نقاط شهر (انطاکیه) فرا رسید، و همچنین سلمان و ابوذر و مقداد و عمّار

از شیعیان ما هستند، و تو خود را با این افراد برابر دانستی! در این صورت آیا ما و فرشتگان را آزار ندادی؟ آن مرد عرض کرد: طلب آمرزش می‌کنم از خدا و توبه می‌کنم. حالا چه بگوییم؟ فرمود: بگو من از وابستگان و دوستان شما، دشمن دشمناتان و دوست دشمناتان هستم. آن مرد عرض کرد: پس چنین می‌گوییم و چنین نیز هستم و از سخنی که شما و فرشتگان نپذیرفتید، توبه کردم، چون می‌دانم نپذیرفتن شما بدان جهت است که خداوند نپذیرفته است. حضرت جواد علیه السلام فرمود: (چون توبه کرد) ثواب صدقات و احسانی که به برادرانت نمودی بازگشت و نابودی آن‌ها رفت.<sup>۱</sup>

### اقناع اندیشه

«شیعه» را بدان جهت شیعه می‌گویند که بر اثر پیروی گروهی از صاحب مکتبی، آن مکتب شیعو و گسترش پیدا می‌کند.<sup>۲</sup> بنابراین پیروی و اطاعت از لوازم قطعی شیعه می‌باشد. حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن می‌فرماید:

﴿فَمَنْ تَبَعَّنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾.<sup>۳</sup>

پیرو ابراهیم خلیل علیه السلام کسی است که او را اُسوه خویش بداند و به دستورهای وی عمل کند: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ».<sup>۴</sup>

۱ . شیعه در پیشگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام (ترجمه جلد ۶۵ بحار الانوار)، ص ۲۱۷.

۲ . تسنیم، آیت الله جوادی آملی، ج ۱۴، ص ۵۴۱.

۳ . ابراهیم / ۳۶

۴ . ممتحنه / ۴

یکی از وظایف پیروان ابراهیم ﷺ قیام بر ضد طاغوتیان و بیزاری از باورهای مشرکان است، بنابراین همان‌گونه که در بخش «تولی» در مناسک حج از آن حضرت پیروی می‌کنند، در قسمت «تبیری» نیز باید به آن حضرت اقتدا کنند و از طاغوتیان و مشرکان برائت جویند.<sup>۱</sup>

به این مثال دقیق کنید:

گاهی صفاتی نماز جماعت آنقدر طولانی می‌شود که دیگر نمی‌توان امام جماعت را دید، مانند رواق امام در حرم امام رضا ﷺ و یا شبستان حضرت معصومه ﷺ. کسی که تازه رسیده و می‌خواهد به نماز جماعت متصل شود، امام جماعت را نمی‌بیند، ولی از حرکات مأمورین به حرکات امام جماعت پی می‌برد؛ یعنی، از رکوع مأمورین متوجه می‌شود که امام جماعت در رکوع است، چون مأمور از امام جماعت تبعیت می‌کند. سؤال اینجاست: آیا ظاهر ما، رفتار و کردار ما به گونه‌ای هست که اگر یک مسیحی یا یهودی یا ... ما را دید، رفتار امام ما را بشناسد؟

### پروردش احساس

عبدالله بن ابی یعفور به امام صادق ﷺ عرضه داشت:

«والله لو فلقت رمانة بنصفین فقلت هذا حرام وهذا حلال لشهدت ان الذى قلت حلال، حلال؛ وان الذى قلت حرام، حرام؛ فقال: رحمک الله، رحمک الله.»<sup>۲</sup>

۱. تسنیم، ج ۱۴، ص ۵۴۲.

۲. رجال کشی، ص ۲۴۹.

سوگند به خدا! اگر اناری را از وسط دو نصف کنی و بفرمایی  
که نصف آن حلال و نصف دیگرش حرام است، مطمئناً گواهی  
خواهی داد که آنچه را گفتی حلال، حلال است و آن نصفی را که  
فرمودی حرام، حرام است [و هیچگونه چون و چرانخواهم کرد].  
امام صادق علیه السلام فرمود: خدا تو را رحمت کند، خدا تو را رحمت کند.

مقام این شیعه در نزد اهل بیت آن چنان رفیع بود که وقتی  
امام صادق علیه السلام خبر مرگ او را شنیدند، چنان گریه می‌کردند که  
شانه‌های مبارکشان می‌لرزید، بعد فرمودند: خدا «عبدالله بن ابی  
یعفور» را رحمت کند، به محض ورودش به عالم دیگر، خدا جایی  
به او می‌دهد که یک طرف آن به خانه پیغمبر علیه السلام و یک طرف  
به خانه جدم امیر المؤمنین علیه السلام و یک طرف به خانه عموم امام  
مجتبی علیه السلام و یک طرف به خانه جدم حضرت سید الشهداء علیه السلام وصل  
است. ملاک این مقام، پاکی، معرفت و کرامت نفس او بوده است.<sup>۱</sup>  
امام باقر علیه السلام فرمود:

«يَا مَعْسِرَ الشِّيَعَةِ وَ اللَّهُ مَا مَعَنَا مِنَ اللَّهِ بَرَأَةٌ وَ لَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ اللَّهِ  
قَرَابَةٌ وَ لَا نَأْعَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ وَ لَا نَتَقْرَبُ إِلَى اللَّهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ فَمَنْ  
كَانَ مِنْكُمْ مُطِيعًا اللَّهَ تَنْفَعُهُ وَ لَا يَتُنَّا وَ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ عَاصِيًّا اللَّهِ لَمْ  
تَنْفَعُهُ وَ لَا يَتُنَّا وَ يَحْكُمُ لَا تَغْرِبُوا وَ يَحْكُمُ لَا تَغْرِبُوا». <sup>۲</sup>

ای گروه شیعه! به خدا ما از جانب خدا براتی نداریم، و میان  
ما و خدا قرباتی نیست و بر خدا حجتی نداریم و جز با اطاعت به  
سوی خدا تقرب نجوئیم، پس هر کس از شما که مطیع خدا باشد،

۱. من لا يحضره الفقيه، ترجمه غفاری، ج ۶، ص ۳۹۳.

۲. کافی (ط - دارالحدیث)، ج ۳، ص ۱۹۳.

دوستی ما سودش دهد و هر کس از شما نافرمانی خدا کند، دوستی ما سودش ندهد. وای بر شما! مبادا فریفته شوید. وای بر شما! مبادا فریفته شوید.

### رفتارسازی

یکی از موارد اطاعت و ولایت پذیری از اهل بیت علیهم السلام، اصلی است که متأسفانه به خاطر زیر پا گذاشتن و عمل نکردن به آن هر روز صدها نفر از برادران و خواهران شیعه ما به طرز ناجوانمردانه‌ای به شهادت می‌رسند و ترور می‌شوند؛ اصل تقیه. آیا آن‌هایی که این واجب مسلم اسلام را زیر پا گذاشته‌اند، در ریختن خون این انسان‌های بی‌گناه شریک نیستند؟ اصلی که وجود نازینین پیامبر

مکرم اسلام علیهم السلام فرمود: جزء دین من و دین اجداد من بوده.<sup>۱</sup> اصلی که عامل حفظ دین اسلام و مذهب تشیع می‌باشد و متأسفانه عده‌ای خودخواه و کج فهم به خاطر رعایت نکردن آن ضربات جبران ناپذیری به مذهب تشیع وارد کرده‌اند.

قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: «الْتَّقِيَّةُ مِنْ أَفْضَلِ أَعْمَالِ الْمُؤْمِنِينَ يَصُونُ بِهَا نَفْسَهُ وَ إِخْوَانَهُ عَنِ الْفَاجِرِينَ». <sup>۲</sup>

در حدیثی از حضرت صادق عليه السلام نقل شده است: مؤمن در هر حال مجاهد است، زیرا او در دولت باطل به وسیله تقیه با دشمنان خدا می‌جنگد، و در دولت حق به وسیله اسلحه.<sup>۳</sup>

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۶۰.

۲. جامع الانباء، ص ۹۴.

۳. وسائل، ج ۱۱، ص ۴۶۴.

تقیه به معنای کتمان عقیده‌ی حق، به خاطر ترس از آزار مخالفان است. به عبارت دیگر، حفظ و اخفاء عقیده و کنار آمدن موقّت با دشمنان دست دوم برای مبارزه با دشمنان دست اول که گاهی واجب و در مواردی حرام است. تقیه به معنای ارتداد، ضعف و ترس، عقب‌نشینی، خودباختگی، تسلیم و ... نیست؛ بلکه یک نوع تاکتیک و شیوه مبارزه برای حفظ نیروها و برنامه‌های اساسی است.

**مَكْرُ** نه اینکه ما باید مطیع اوامر اهل بیت ﷺ باشیم؟ **مَكْر** نه اینکه به گفته امام صادق ولی فقیه حرفش حرف امام زمان علیه السلام است؟<sup>۱</sup> تقیه در هر زمان مصدقی دارد و از جمله مصادیق تقیه در زمان ما، خودداری از لعن خلفا است که مراجع و در رأس آنان ولی فقیه این کار را جایز نمی‌دانند. آیا اگر ما برای شادی دلمان خلفا را در ملأ عام لعن کردیم و بین مسلمانان اختلاف انداختیم و باعث

۱. عمر بن حنظله گوید: از امام صادق علیه السلام در باره دو مرد از خودمان پرسش کردم که چون در چیزی با یک دیگر اختلاف داشته باشند برای قضاویت به سلطان (حاکم) یا قاضی‌های او رجوع کنند، آیا این کار جایز است یا نه؟ گفت: هر کس دعوی حق یا باطلی را نزد ایشان اقامه کند، چنان است که نزد جنت و طاغوت - که از مراجعه به آن‌ها نهی شده - مراجعه کرده باشد. گفتم: پس اختلاف میان خودشان را چگونه حل کنند؟ گفت: در میان افراد خود نگاه کنند و کسی را بیابند که حدیث ما را روایت می‌کند و در حلال و حرام ما نظر دارد و از احکام ما با خبر است، او را به داوری برگزینند، که من چنین کسی را بر شما حاکم و داور قرار می‌دهم. و چون (چنین کسی) حکم کند و از او نپذیرد، چنان است که حکم خدا را سبک شمرده و ما را رد کرده باشد و آنکه ما را رد کند همچون کسی است که خدا را رد کرده باشد، و در مرز شرک به خدا قرار دارد ... بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۶۲.

ریختن خون عده‌ای از شیعیان بی‌گناه شدیم، باعث خوشنودی اهل  
بیت می‌شویم یا خشم اهل بیت؟

### روضه

باید دقت کنیم، طوری عمل نکنیم که خدای ناکرده نفاق در  
دلمان ایجاد شود و امام زمان را تنها بگذاریم. در برهه‌ای از زمان  
مردمی بودند که امام زمانشان را دعوت کردند، اما چه کردند؟  
سفیرش را در کوفه کشتند و خودش را در کربلا.  
و از همه سخت‌تر، عزیزانش را جلوی چشمانش کشتند. یکی  
از این صحنه‌های سخت، به زمین افتادن حضرت علی اکبر علیه السلام  
است؛ آن هنگامی که صدای ناله علی اکبرش را سنید و سریع  
خودش را به بدن قطعه قطعه علی اکبر رساند:

لاله اش را دید پر پر روی خاک

قطعه قطعه ریز ریز و چاک چاک

داد از کف طاقت و از پا فتاد

صورتش بر صورت اکبر نهاد

«وَوَضَعَ خَدَّهُ عَلَى خَدَّهُ وَقَالَ قَتَلَ اللَّهُ قَوْمًا قَاتِلُوكَ مَا أَجْرَاهُمْ  
عَلَى اللَّهِ وَعَلَى أَنْتِهَاكِ حُرْمَةِ الرَّسُولِ». صورت به صورت غرق  
خون علی گذاشت و صدا زد «ولدی علی الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَفَاءِ». <sup>۱</sup>

کس ندیده است که از تیغ هزاران جlad

این همه زخم رسد بر تن پاکت پسرم

۱. غم‌نامه کربلا، ص ۱۳۹ و موسوعه امام حسین علیه السلام، باب جهاد اکبر، ج ۴، ص ۶.

پاره های تنت افتاده به هر سو گویی  
برگ گل ریخته در دامن گلشن پسرم  
 DAG مرگ پرسش را به دلش بگذارند  
 آن که بگذاشته داغت به دل من پسرم  
 ... یاحسین







## دفاع از شیعه

### ۱. پاسخ به شباهات و هایات-زیارت

#### انگیزه‌سازی

یکی از رفقامی گفت: بعد از چند سالی که آرزوی زیارت مدینه را در سر می‌پروراندم و برای زیارت نقشه‌ها کشیده بودم، بالاخره خدا اجابت کرد و راهی شدم. چه فکرها می‌کردم! می‌گفتم: اگر بقیع بروم چه می‌کنم! اگر به کنار قبر پیامبر ﷺ بروم این حرف‌ها را می‌زنم... کنار خانه بی‌بی دو عالم حضرت زهرا عقده‌گشایی می‌کنم... خلاصه با هزار آرزو وارد مدینه شدم.

رفتم حرم آقا رسول ﷺ؛ رفتم کنار ضریح؛ همین که دست بردم به طرف ضریح، ناگهان کسی محکم زد پشت سرم و بلند گفت: روح روح! و مرا انداخت کنار. گفتم: ای بابا! خواستیم ضریح

آقا را بیوسمیم. با خودم گفتم: اشکالی ندارد، می‌روم کنار خانه بی‌بی زیارت می‌خوانم و دلی از عزا در می‌آورم. رفتم و شروع کردم به ذکر گفتن تا حضور قلب پیدا کنم و حس بگیرم. همین که شروع کردم به مناجات با بی‌بی، و اشک ریختن. دیدم بین زمین و آسمان! چنان با لگد زده بود که چند متر پرت شده بودم آن طرف‌تر. خلاصه هر کجا خواستم عرض ارادت کنم نشد؛ نه بقیع و نه هیچ جای دیگر. پی‌گیر که شدم، فهمیدم این‌ها اصلاً زیارت و تبرک کردن را قبول ندارند و آن را مردپرستی می‌دانند، حتی زیارت پیامبر ﷺ را هم قبول ندارند؛ بوسیلن ضریح را هم شرک می‌دانند؛ تبرک را هم جزء انحرافات شیعه می‌دانند؛ و اصلاً به خاطر همین عقاید، خون شیعه را حلال می‌دانند. آیا واقعاً شیعه برای این عقاید دلیل متقن و محکمی دارد؟

### اقناع اندیشه

وقتی از وهابی‌ها دلیل می‌خواهیم، قرآن تلاوت می‌کنند:  
 «إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمُؤْتَى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاء إِذَا وَلَوْا  
 مُذْبِرِينَ». <sup>۱</sup>

بی‌شک، نمی‌توانی دعوت خود را به گوش مردگان برسانی، و نمی‌توانی کران را آنگاه که روی برمی‌گردانند و پشت می‌کنند، فراخوانی.

«وَ لَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مات ابداً وَ لَا تَقُولْ عَلَيْ قَبِيرِه». <sup>۲</sup>

۱. نمل / ۸۰

۲. توبه / ۸۴

اما جواب آیه اول:

در تفسیر نمونه می خوانیم:

فرقه‌ی وهابیون، آیه‌ی «انك لاتسمع الموتى» را دستاویز تفکر انحرافی خود قرار داده، می‌گویند: پیامبر اکرم ﷺ از دنیا رفته و هیچ سخنی را نمی‌شنود، بنابراین معنا ندارد که ما پیامبر را زیارت کنیم و خطاب به او مطالبی را بیان کنیم.

پاسخ فرقه‌ی مذکور این است که آیه در مقام یک تشبيه اجمالي است؛ نظیر تشبيه قلب سنگلان به سنگ در تأثیر ناپذيری، «قلوبكم ... كالحجارة» نه اين که قلب آنان در همه چيز مثل سنگ است؛ زیرا قرآن، حیات بزرخی را درباره‌ی شهدا پذيرفته و نسبت به آن، روایاتی از شیعه و سنتی نقل شده است:

محمد بن عبدالوهاب در کتاب الهدية السنیه، ص ۴۱ می‌گوید:  
پیامبر ﷺ بعد از وفاتش دارای حیات بزرخی، برتر از حیات شهداست و سلام کسانی را که به او سلام می‌دهند، می‌شنود.<sup>۱</sup>  
در صحیح بخاری می‌خوانیم: رسول خدا ﷺ با کفار هلالک شده جنگ بدر گفتگو می‌کرد و همین که مورد سؤال عمر قرار گرفت، فرمود: «والذى نفس محمد بيده ما انتم باسم» به خدایی که جانم در دست اوست، شما از آنان شنوواتر نیستید.<sup>۲</sup>

اما آیه دوم:

صریح آیه مذکوره دلالت بر آن دارد که نماز بر جنازه کفار

۱ . تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۴۳

۲ . صحیح بخاری، ج ۵، ص ۹۷

مطلقًا جایز نیست، چراکه در ادامه آیه می‌فرماید: انهم کفروا بالله و رسوله؛ زیرا می‌گوید اگر کافر بودند نماز نخوان، و در ضمن می‌فهماند اگر مسلمان بود، نماز میت واجبست. و در قول او (وَ لَا تَقْرُبُ عَلَى قَبْرِهِ) نیز منظور کافران است، والا جایز است بلکه مستحب، ایستادن بر قبر مؤمنان و دعا کردن برای ایشان و زیارت ایشان، و ثابت شده به روایات صحیحه که در این باب اجر جزیل است.

از آن طرف خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ بِجَآءُوكَ فَاسْتَغْفِرُوا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوْجَدُوا اللَّهَ تَوَابًا رَّحِيمًا».<sup>۱</sup>

(جاوَلَكَ فَاسْتَغْفِرُوا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرَ لَهُمُ الرَّسُولُ» زیارت رهبران آسمانی و استمداد و توسل از طریق آن عزیزان، مورد تأیید قرآن است.

شاید به ذهن برسد که این مباحث در مورد حیات بزرگان علیهم السلام است نه ممات، اجازه بدھید چند روایت از اهل سنت ذکر کنیم تا مشخص گردد.

علامه امینی احادیث زیارت را جمع آوری نموده که به بعضی از آنها اشاره می‌گردد:<sup>۲</sup>

حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند: «من زار قبری وجبت له شفاعتی.»

۱. نساء / ٦٤.

۲. الغدیر، ج ۹، باب ترغیب زیارت قبر پیامبر ﷺ.

این حدیث را ۴۱ تن از حفاظت حدیث اهل سنت از جمله ابن خزیم، دارقطنی، سیوطی و ابن عساکر نقل نموده اند.  
وهمچنین روایت عبدالله بن عمر: «من زار قبری کنست له شفیعاً و من مات فی احد الحرمین بعشه اللہ عزوجل فی الامینین یوم القيامه؛ هرکس قبر مرا زیارت کند شفیع او خواهم بود و هرکس در یکی از حرمین مکه و مدینه بمیرد، روز قیامت در امان خواهد بود.» این حدیث را یازده تن از جمله بیهقی، ابن عساکر، سبکی و سمهودی نقل کرده‌اند.

برای زیارت قبور اهل بیت نیز روایات زیادی داریم که از حد تواتر بیشتر است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي حَدِيثِ طَوِيلٍ قَالَ: أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، هَلْ يُزَارُ وَالدُّكَّ فَقَالَ نَعَمْ وَيُصَلِّي عَنْهُ وَقَالَ يُصَلِّي خَلْفَهُ وَلَا يَتَقدَّمُ عَلَيْهِ قَالَ فَمَا لِيْنَ أَتَاهُ، قَالَ الْجُنَاحُ إِنْ كَانَ يَأْتِمْ بِهِ قَالَ فَمَا لِيْنَ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ قَالَ الْحُسْرَةُ يَوْمَ الْحُسْرَةِ.<sup>۱</sup>

شخصی نزد امام صادق علیه السلام مشرف شد و به آن جناب عرض کرد: ای پسر رسول خدا! آیا پدر شما را می‌توان زیارت کرد؟  
حضرت فرمودند: بلى، علاوه بر زیارت نماز هم نزد قبر می‌توان خواند؛ منتهی نماز را باید پشت قبر به جا آورد نه جلو آن. آن شخص عرض کرد: کسی که آن حضرت را زیارت کند چه اجری دارد؟  
حضرت فرمودند: اجر او بهشت است، مشروط به اینکه به آن حضرت اقتداء کرده و از او تبعیت کند. عرض

۱. کامل الزیارات، ص ۱۲۵

کرد: اگر کسی زیارت آن حضرت را از روی بی رغبتی و بی میلی ترک کند، چه خواهد دید؟ حضرت فرمودند: روز قیامت حسرت خواهد خورد.

### پرورش احساس

حضرت آیه الله مرعشی نجفی<sup>رضوان‌الله‌تعالی‌علی‌ب</sup> چنین فرمودند: آقای حائری<sup>۱</sup> از دنیا رفت، شب اول قبرش نماز لیله الدفن خواند و یک سوره یاسین هم قرائت نمودم. بعد از چند روز به خواب آمد. پرسیدم: آقای حائری اوضاع چطور است؟ یادم بود که از دنیا رفته‌اند. گفت: وقتی از بسیاری مسائل گذشتیم و بدنمان را وارد قبر کردند، روح من مثل لباسی که از تن درآوری از بدنم جدا شد، به طوری که بدنم را می‌دیدم. در حالت بهت و حیرت نشسته بودم. نگاهان متوجه شدم از طرف پایین پایم صدایی بلند شد، نگاه کردم و دیدم دو نفر که همه وجودشان آتش است، به سمت من می‌آیند. چشم‌هایشان تشخیص داده نمی‌شد، ولی می‌فهمیدم که دو نفر هستند. ترس وجودم را فرا گرفت.

در همان جا در حالت بی‌کسی و غربت به خدا متوجه کردم. در این هنگام متوجه صدایی از بالای سرم شدم. دیدم نوری به طرف من می‌آید. هر چه این نور بیشتر به طرف من می‌آمد، آن دو نفر آتشین عقب‌تر می‌رفتند. این کار ادامه داشت تا حدی که از آن دو نفر اثری نماند.

---

۱. حضرت آیه الله مرتضی حائری فرزند شیخ عبدالکریم.

بالای سرم آقایی نورانی را دیدم که تبسمی به لب داشت. گفت:  
آقای حائری ترسیدی؟

گفتم: بله آقا! چه ترسی! شما چه کسی هستید؟ آقا فرمودند:  
من علی بن موسی الرضا هستم، آقای حائری شما ۳۸ مرتبه به  
زیارت من آمدید. ۳۸ بار به بازدیدت می‌آیم، این اولینش است، ۳۷  
بار دیگر نیز می‌آیم.

نقل شده است آقای حائری در آخرین سفرشان به مشهد  
حضرت رضا<sup>علیه السلام</sup> را در خواب یا بیداری دیده و حضرت به ایشان  
فرموده بودند: تو دیگر نیا، اکون نوبت آمدن من نزد تو است.  
ایشان از همین موضوع، دریافته بود که عمرش به پایان رسیده  
است.<sup>۱</sup>

باید همه به روی شما رو بیاورند  
دلها به لب نوای هو الھو بیاورند

باید که جن و انس تمام ملائکه  
ایمان به دست صامن آهو بیاورند  
با تار موی شما که برابر نمی‌شود

گیرم هزار خرمن گیسو بیاورند  
خسته شکسته‌ام و به سختی رسیده‌ام  
پشت درم بگو که مرا تو بیاورند

در سفره هرچه می‌رسد از سمت مشهد است  
آری هر آنچه هست از آن سو بیاورند

۱. آداب و احکام زیارت، نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاهها، ص. ۵۰.

روزی رسول خدا ﷺ در خانه فاطمه ؑ بود و علی و حسن و حسین ؑ نیز نزد آن حضرت بودند و جمعی سراسر شادی و خوشحالی داشتند. در این هنگام جبرئیل امین فرود آمد و گفت: «ای محمد! خداوند سلامت می‌رساند و می‌گوید: آیا از اینکه در دنیا با اهل بیت خود گرد آمده‌ای، خوشحالی؟

گفت: آری، و خدا را بر این اجتماع سپاس می‌گزارم. جبرئیل گفت: خدای تعالی می‌فرماید: اینان کشته می‌شوند و قبرهاشان متفرق و پراکنده می‌گردد.

پیامبر ﷺ گریست و علی ؑ به آن حضرت گفت: چرا می‌گریید، ای رسول خدا؟

فرمود: ای علی! این جبرئیل است که از آینده شما به من خبر می‌دهد که کشته می‌شوید و قبرهاتان پراکنده می‌گردد. علی ؑ گفت: ستایش خدای را به خاطر مصیبت‌هایی که به ما اختصاص داده است. ای رسول خدا! ثواب کسی که ما را در مدت زندگی یا پس از مرگمان زیارت کند، چیست؟

فرمود: هر که من یا تو، یا فاطمه، یا حسن، یا حسین را در مدت زندگی یا پس از مرگمان زیارت کند، کان کمن زَارُ اللَّهِ فِي عَرْشِهِ وَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابُ الْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ همچون کسی است که خدای را در عرش او زیارت کرده و خداوند ثواب جهادگران در راه خدا را برایش خواهد نوشت.<sup>۱</sup>

---

۱. عوالی الالائی، ج ۴، ص ۸۳.

## رفتارسازی

پس زیارت ائمه معصومین ﷺ را در برنامه زندگی خود بگنجانیم که برکات زیادی دارد. دنبال حرف شیطان هم نرویم که "پولش را نداری". آیت الله بهجت رضوان‌الله‌تعالی‌علیه می‌فرمودند: توفیق زیارت ربطی به پول ندارد.<sup>۱</sup>

البته امام صادق علیه السلام در روایتی راه کسب توفیق زیارت را بیان می‌کنند: کسی که سوره حج را در هر سه روز قرائت کند، از آن سال خارج نمی‌شود، مگر این که به سوی مکه معظمه خارج می‌شود و اگر در آن سفر از دنیا برود خداوند او را داخل در بهشت می‌کند.<sup>۲</sup> نکته آخر: اگر انسان بخواهد کاملاً به عهد و پیمانش نسبت به هر کدام از ائمه وفا کند، باید به زیارت قبورشان رود و بداند که هر کس با میل و رغبت به زیارت‌شان رود و مكتب آنان را تصدق نماید، مشمول شفاعتشان در روز قیامت قرار می‌گیرد: «إِنَّ لِكُلِّ إِيمَانِ عَهْدًا فِي عَنْقِ أُولَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حَسْنِ الْأَدَاءِ زِيارةُ قَبْرِهِمْ، فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصْدِيقًا بِمَا رَغَبُوا فِيهِ كَانَ أَثْمَّهُمْ شَفَاعَتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». <sup>۳</sup>

## روضه

می خواهم این طور بگویم: خیلی دوست داریم به زیارت

۱ . در محضر خوبیان.

۲ . ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، ص ۱۳۵ و مجمع‌البيان طبرسی، ج ۷، ص ۱۰۹.

۳ . عيون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۰.

مادرمان زهرا ﷺ برویم و با ایشان درد دل کنیم، اما آن‌ها که مدینه رفته‌اند می‌گویند زهرا ﷺ قبر ندارد. باید برای غربتش گریه کنیم. انشاء الله امام زمان بباید و قبر مخفی مادرش را نشان دهد. چشم انتظاریم مهدی بباید تا تربت را پیدا نماید.





## دفاع از شیعه ۲. پاسخ به شباهات و هایات-تسل

### انگیزه‌سازی

یکی از شباهاتی که امروزه زیاد شنیده می‌شود، شبهه توسل به اهل بیت علیهم السلام است. خصوصاً عزیزانی که به حج مشرف شده‌اند، یکی از حرف‌هایی که در قبرستان بقیع زیاد شنیده‌اند اینست که توسل به این چهار امام بزرگوار مردپرستی است و بنا بر صریح آیه قرآن شرک است.

خداآنند در قرآن کریم می‌فرماید: «فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا». و هایيون می‌گویند: طبق صریح این آیات، حاجت خواستن از غیر خدا که همان توسل شیعیان است، شرک محسوب شده و مورد پذیرش خدا نیست.

اشتباه بزرگ وهابیت این است که تصوّر می‌کنند مفهوم توسل به اولیاء الله این است که آنها را مستقلًا سرچشمه قضای حاجات و دفع کربات می‌دانند، در حالی که معنای توسل این نیست. آیاتی که وهابیت به آن توسل جسته‌اند آیاتی است که درباره عبادت است، در حالی که هیچ کس اولیاء الله را عبادت نمی‌کند. ما وقتی به پیغمبر اکرم متواتل می‌شویم، آیا پیغمبر را عبادت می‌کنیم؟

به هر حال باید در ابتدای بحث روشن شود که توسل به اولیاء الله، عبادت و پرستش آن‌ها نیست، بلکه آن‌ها در پیشگاه خدا برای کسی که به آنها متواتل شده، شفاعت می‌کنند.

درست مثل این است که من بخواهم به خانه شخص بزرگی بروم و آبرویی پیش او نداشته باشم. از شخصی که مرا می‌شناسد و با آن شخص بزرگ آشناست، خواهش می‌کنم که من همراه تو نزد او می‌آیم، تو مرا به او معرفی کن و در نزد او برای من شفاعت نما. این کار نه عبودیت است و نه استقلال در تأثیر.

### اقناع اندیشه

در قرآن مجید خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ».<sup>۱</sup>

مخاطب در این آیه همه افراد با ایمانند. در اینجا سه دستور

داده شده است: اول دستور به تقوا، دوم دستور به انتخاب وسیله، وسیله‌ای که ما را به خدا نزدیک کند، و سوم دستور به جهاد در راه خداوند. در نهایت، نتیجه همان چیزی است که در آخر آیه آمده است: لَعَلَّكُمْ تُقْلِحُونَ؛ این باعث فلاح و رستگاری شماست. اگر توسل کردن اشکالی داشت، خداوند در قرآن به توسل سفارش نمی‌نمود.

بر همین اساس بزرگان اهل سنت نیز اهل توسل بودند، چرا که ابن حجر مکی در صواعق از امام شافعی پیشوای معروف اهل سنت نقل می‌کند که شافعی به اهل بیت پیغمبر توسل می‌جست و این شعر معروف را از او نقل می‌کند:

آل النبی ذریعتی  
و هم الیه وسیلتی  
ارجووا بهم اعطی غداً  
بید الیمین صحیفتی

خاندان پیغمبر اکرم ﷺ وسیله من هستند، آن‌ها در پیشگاه او سبب تقریب من می‌باشند، امیدوارم فردای قیامت به سبب آن‌ها نامه اعمال من به دست راست من سپرده شود.<sup>۱</sup>

در قرآن هم به همین مطلب اشاره شده است که برخی از بندگان خدا نزد او آبرومند هستند و همین مطلب دستمایه‌ای برای توسل به خوبان و دعا کردن و طلب حاجت کردن از خداوند است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَأَهُ اللَّهُ مِنْهُ»

قالُوا وَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا۔<sup>۲</sup>

۱ . التوصل إلى حقيقة التوسل، ص ٣٢٩.

۲ . احزاب / ٦٩.

ما شیعیان نیز اهل بیت که نزد خدا آبرومند، می‌دانیم و می‌گوییم:  
یا وجیها عند الله اشفع لنا عند الله!

در بسیاری از روایات بحث توسل خصوصاً توسل به پیامبر ذکر شده است. این توسل مربوط به زمان قبل از تولد، دوران کودکی، دوران پیامبری و بعد از رحلت پیامبر است. در حال که وهابیت معتقد است که توسل به پیامبر بعد از وفاتش هیچ فایده‌ای ندارد. پیغمبر اکرم ﷺ می‌فرماید: هنگامی که آدم مرتكب خطاشد، عرض کرد: «یا رب! اسئلک بحقِ محمد لَمَا غَفَرْتَ لِي»؛ خداوند عالم فرمود: تو محمد را از کجا شناختی، در حالی که هنوز او را نیافریده‌ام؟

آدم عرض کرد: پروردگار! این به سبب آن است که وقتی مرا آفریدی و از روح خود در من دمیدی، سرم را بلند کرده و دیدم این جمله بر پایه‌های عرش نوشته شده است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، مُحَمَّدُ رَسُولُ اللهِ». از این عبارت فهمیدم که تو نام محمد را به نام خود اضافه نمی‌کنی، مگر به این دلیل که محبوبترین خلائق نزد توست. خداوند خطاب کرد: آدم راست گفتی. «انه لَأَحَبُّ الْخُلُقَ إِلَيَّ  
ادعوني بحقه فقد غفرت لك»<sup>۲</sup>

در این داستان خداوند به آدم را راهنمایی کرد که او را به نام محمد قسم دهد و به او توسل کند. خود پیامبر اکرم ﷺ هم به مردم همین دستور را می‌دادند و می‌فرمودند: به من توسل کنید و از خدا حاجت بخواهید.

۱ . تفسیر صافی، ج ۲، ص ۲۰۶.

۲ . مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۶۱۵.

مرد ناینایی خدمت پیغمبر اکرم ﷺ آمد و عرض کرد:  
ای رسول خدا! از خدا بخواه که مرا شفا دهد و چشم را به من  
بازگرداشد.

پیغمبر به او دستور داد و ضو بگیرد و دو رکعت نماز بخواند  
و بعد از نماز این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ  
بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يَا مُحَمَّدَ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى رَبِّي فِي  
حاجتِي لِتُقْضِي، اللَّهُمَّ شَفِعْهُ فِيٰ».

عثمان بن عمیر راوی این حدیث می‌گوید: ما در همان مجلس  
نشسته بودیم، مدتی گذشت، دیدیم مرد ناینای وارد مجلس شد، در  
حالی که هیچ آثاری از ناینایی در او نبود و چشمش روشن بود.<sup>۱</sup>

### پروردش احساس

سیره رزمندگان ما در جبهه‌های حق علیه باطل نیز همین  
مسئله توسل بود و در تمام عملیات‌ها و سختی‌ها شهدا با توسل به  
اهل بیت نبرد را پیش می‌بردند و از اسلام دفاع می‌کردند.

سی، چهل متر مانده بود بر سیم به موانع، دشمن منور زد، آن هم  
درست بالای سر ما! صحنه نابرابری درست شد؛ آن‌ها توی یک دژ  
محکم، پشت موانع و پشت خاکریز بودند، ما توی یک دشت صاف.  
حدود یک ربع تا بیست دقیقه، آتش، شدید بود. رفتاره قطع  
شد. اگر بوی عملیات به مشام دشمن می‌رسید، به این راحتی‌ها  
دست بردار نبود.

---

۱. مجموعه الرسائل و المسائل، ج ۱، ص ۱۸

به حالت سینه خیز رفتم جایی که عبدالحسین بود. به نظر می آمد خواب باشد. همان طور که به سینه دراز کشیده بود، پیشانی اش را گذاشته بود پشت دستش و تکان نمی خورد.

گفتم: انگار نمی خواهی برگردی حاجی؟

چیزی نگفت. چند لحظه‌ای ساکت ماند. جور خاصی که انگار بخواهد گریه اش بگیرد، گفت: من هم عقلم به جایی نمی رسد. دقیقاً یادم هست همانجا صورتش را گذاشت روی خاک‌های نرم و رملی کوشک. حدود ده دقیقه گذشت. هیچ نمی گفت. بالأخره عبدالحسین به حرف آمد، مثل کسی که شدید گریه کرده باشد.

گفت: هر چی که می گوییم دقیقاً همان کار را بکن؛ به سمت راستش اشاره کرد و ادامه داد: سرستون که رسیدی، برمی گردی سمت راست، بیست و پنج قدم می شماری.

بیست و پنج قدم که شمردی و تموم شد، همانجا یک علامت بگذار، بعد برگرد و بچه‌ها را پشت سر خودت ببر آن‌جا. وقتی به آن علامت که سر بیست و پنج قدم گذاشته بودی، رسیدی؛ این دفعه رو به عمق دشمن، چهل متر می روی جلو. آن‌جا خودم به بچه‌ها می گوییم چه کار کنند.

لحنش جدی بود و قاطع. چاره‌ای جز انجام دستور نداشت. با کمک فرمانده گروهان‌ها و فرمانده دسته‌ها، گردان را حدود همان چهل متر، بردم جلو. عبدالحسین گفت: به محض این که من گفتم الله اکبر، شما رد انگشت من را می گیری و شلیک می کنی

به همان طرف.

عبدالحسین سرش را بلند کرد رو به آسمان. دعایی هم زیر لب خواند. صدای نعره اش رفت به آسمان؛ اللہ اکبر!

دشمن قبل از اینکه به خودش بیاید، تار و مار شد.

اذان صبح بود. نماز را که خواندیم، از فرط خستگی، هر کس گوشه‌ای خواهدید. من هم کنار عبدالحسین دراز کشیدم.

عبدالحسین داشت بلند می‌شد، گفتم: راستش جریان دیشب برایم خیلی سؤال شده. پرسید: کدام جریان؟

ناراحت گفتم: خودت را به آن راه نزن، این «بیست و پنج قدم به راست و چهل متر به جلو»، جریانش چی بود؟

گفت: برای این جور سؤال و جوابها وقت زیاد داریم. گفتم:

نه، همین حالا باید بدانم موضوع چی بود.

یک دفعه چشم‌هایش خیس اشک شد. بالحن غمناکی گفت:

موقعی که عملیات لو رفت و توی آن شرایط گیر افتادیم، حسابی قطع امید کردم. مثل همیشه، تنها راه امیدی که باقی مانده بود، توصل به واسطه‌های فیض الهی بود. توی همان حال و هوا، صورت را گذاشتم روی خاک‌ها و متول شدم به وجود مقدس خانم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام.

چشمهايم را بستم و چند دقیقه‌ای با حضرت راز و نیاز کردم. در همان اوضاع، یکدفعه صدای خانمی به گوشم رسید؛ صدایی ملکوتی که هزار جان تازه به آدم می‌بخشید. به من فرمودند: فرمانده!

یعنی آن خانم، به همین لفظ فرمانده صدایم زدند و فرمودند: این طور وقت‌ها که به ما متولّ می‌شوید، ما هم از شما دستگیری می‌کنیم، ناراحت نباش.

چیزهایی که دیشب به تو گفتم، که برو سمت راست و برو کجا، همه‌اش از طرف همان خانم بود.<sup>۱</sup>

### رفتارسازی

عالیم بزرگوار حضرت آیت الله بهجت<sup>۲</sup> می‌فرمود: اشک بر سید الشهدا از نماز شب هم بالاتر می‌باشد. ایشان حتی ۵۰ سال روضه هفتگی داشتند که الان هم توسط شاگردانش ادامه دارد.<sup>۳</sup> و زیارت عاشورای ایشان با صد لعن و صد سلام ترک نشد. شما زندگی نامه علامه قاضی که استاد خیلی از عرفابوده را ببینید، ایشان فرمودند: هر هفته روضه خانگی داشته باشید.<sup>۴</sup>

امام زمان<sup>۵</sup> ما هر روز توسّل دارند، همینطور که در زیارت ناحیه مقدسه فرمودند: جدغریبم! هر صبح و شام برای شما گریه می‌کنم. اگر اشکم خشک شود برای شما خون گریه می‌کنم.<sup>۶</sup> مردم عزیز! ما باید در لحظه لحظه زندگی اهل توسّل باشیم. سعی کنیم روزی یکبار، هفته‌ای یکبار، ماهی یکبار عرض توسّلی داشته باشیم. مهم این است که ما اهل توسّل باشیم. چه کارپسندیده ایست

۱ . خاکهای نرم کوشک،

۲ . به نقل از فرزند ایشان حجت الاسلام علی آقابهجت.

۳ . وصیت نامه علامه قاضی (ره).

۴ . زیارت ناحیه مقدسه در کتاب مزار الکبیر ابن مشهدی.

که ما هر روز توسل داشته باشیم و سلامی به اهل بیت ﷺ بدهیم.

### روضه

بگذارید امشب ما هم سلامی بدهیم و توسلمان را با سلام شروع کنیم. عرض ادبی به مادر سادات داشته باشیم: السلام علیک يا فاطمه الزهرا يا بنت رسول الله يا قره عین الرسول و رحمه الله و برکاته.

محبان فاطمه زهراء! نوشته‌اند: «ما زَالْتُ بَعْدَ أَبِيهَا مُعَصَّبَةَ الرَّأْسِ، نَاحِلَةَ الْجِثْمِ، بَاكِيَةَ الْعَيْنِ، مُنْهَدَّةَ الرُّكْنِ». ندیدند که زهراء! بعد از پدر عصابه‌ای را که به سر بسته بود، از سر باز کند. روز به روز لاغرتر و ناتوانتر می‌شد و بعد از پدر همیشه زهراء را با چشمی گریان دیدند. «مُنْهَدَّةَ الرُّكْنِ» این جمله معنی عجیبی دارد. «رکن» یعنی پایه، مثل یک ساختمان که پایه‌هایی دارد و روی آن پایه‌ها ایستاده است. از نظر جسمانی، پا و ستون فقرات رکن انسان است، یعنی انسان که می‌ایستد روی این بنای استخوانی می‌ایستد. گاهی از نظر جسمی، این رکن خراب می‌شود، ولی گاهی انسان از نظر روحی آنچنان درهم کوبیده می‌شود که گویی آن پایه‌های روحی که روی آن ایستاده است خراب شده است.

بله محبین مادرسادات! پهلوی زهراء را شکستند، اما در جای دیگه هم سینه‌ای را شکستند؛ جایی که اسبها را نعل تازه زدند و روی جسم ابی عبدالله تاختند و هشمتوا صدره و ظهره.<sup>۱</sup>

---

۱. موسوعة الإمام الحسين ع، ج ۱۰، ص ۷۶۸.



## مقام شیعه در قیامت

### انگیزه‌سازی

صدای کوبه در به گوش رسید و رایحه خوش نبی خدا خانه را پر کرد. شادی و شعف در چهره پیامبر ﷺ خودنمایی می‌کرد. امیر المؤمنین علیه السلام که خوشحالی پسر عمویش را دید، پرسید: یا رسول الله! چرا امروز خوشحالید؟ پیامبر ﷺ فرمودند: محبوب من! نور چشم من! آمدہ ام تا به تو بشارت دهم که جبرئیل بر من فرود آمد و گفت: خدای سبحان بر تو سلام می‌رساند و می‌گوید برو به علی بشارت بده که شیعیان علی چه مطیع و چه معصیت کار، اهل بهشتند.

علی علیه السلام به سجده افتاد و دستان خود را به طرف آسمان بلند کرد و فرمود: همهی عالمیان شاهد باشند که من نصف عباداتم را به شیعیانم هدیه کردم.

و حضرت زهرا علیها السلام از طرف دیگری آمدند و فرمودند: خدایا تو گواه باش، من هم نصف حسناتم را به شیعیانم هدیه نمودم.  
 لحظه‌ای بعد امام حسن علیه السلام سمت جدش آمد و فرمود: خدایا تو گواه باش، من هم نصف حسناتم را به شیعیانم هدیه نمودم.  
 و بعد از برادر، میوه دل رسول خدا، امام حسین علیه السلام آمد و فرمود: خدایا تو گواه باش، من هم نصف حسناتم را به شیعیانم هدیه نمودم.

پیامبر اکرم صلوات الله عليه و آله و سلم نیز فرمودند: شما اهل بیت من که از من کریم‌تر نیستید، پس خدایا شاهد باش من هم نصف حسناتم را به شیعیان دادم.

جبرئیل نازل شد و فرمود: خداوند سبحان گفته است شما اهل بیت از من کریم‌تر نیستید؛ حتماً حتماً شیعیان شما را بخشیدم و شیعیان علی و دوستانشان اگر گناهانی به اندازه‌ی کف دریا و برگ درختان داشته باشند، آن‌ها را می‌بخشم.<sup>۱</sup>  
 اینچنین روایاتی باعث شده کسانی که شیعه را هم منکر هستند، به مقام ایشان اعتراف کنند.

### اقناع اندیشه

اجازه بدھید از زبان برادران اهل سنت در باره مقام علی علیها السلام و شیعیان ایشان در قیامت صحبت کنیم که اقرار اغیار به این نکات خیلی شیرین تر و بالهمیت‌تر است و ما شیعیان را هم در مذهب

۱ . منتخب التواریخ، ص ۸۰۲. البته باید توجه داشت که این روایت حق الناس را در بر نمی‌گیرد.

خودمان قوی تر می‌کند.

حافظ ابونعیم اصفهانی احمد بن عبد الله که از اجله علمای عظام و محدثین فخام و محققین کرام اهل سنت می‌باشد، در کتاب معتبرش حلیه الاولیاء روایت می‌کند به اسناد خودش از ابن عباس که:

چون آیه ۷ و ۸ سوره بینه نازل گردید،

*إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُوْتَكُمْ هُمْ خَيْرُ الْبَرِّيَّةِ*(۷)

*جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَلِيلِيهِنَّ*

*فِيهَا أَبْدًا رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِيلَكَ لَمْ يَنْخُسِي رَبَّهُ*(۸)

رسول اکرم ﷺ خطاب کرد به علی ابن ابیطالب و فرمود:

یا علی هو انت و شیعتک تاتی انت و شیعتک یوم القیامه راضین مرضیں.<sup>۱</sup>

یا علی مراد از خیر البریه در آیه تویی و شیعیان تو. روز قیامت تو و شیعیان تو می‌آید، در حالتی که خداوند از شما راضی و شما هم از خداوند راضی و خشنود باشید.

و جلال الدین سیوطی که از مفاخر علمای اهل سنت است، در تفسیر خود در المنشور فی کتاب اللہ بالتأثر از خلکان و ایشان از جابر بن عبد الله انصاری نقل می‌نماید:

در خدمت رسول اکرم بودیم، علی ﷺ وارد شد. پیغمبر ﷺ فرمودند:

والذى نفسى بيده ان هذا و شیعته لهم الفائزون یوم القیامه

۱ . شواهدالتزیل ج ۲، ص ۴۶۱ و فصول المهمه، ج ۲، ص ۱۱۶۶ .

فَنَزَلَ «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَيْرُونَ».<sup>۱</sup>

این روایت با اسناد مختلف و مضامین مشابه و از لسان افراد گوناگون غیر شیعه، قدرهای از اقیانوس است، و کاملاً جایگاه ایشان را در قیامت محرز می‌کند.

### پرورش احساس

اینست که باعث می‌شود رسول اکرم ﷺ به علیؑ بفرماید: «مُثُلُكَ فِي أُمَّتِي مُثُلُ الْمَسِيحِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمٍ».

مُثُلُكَ تو در امت من، مثل عیسیٰ بن مریم است که قوم او سه فرقه شدند: فرقه‌ای مؤمنین و آن‌ها حواریون بودند؛ و فرقه دشمنان او و آن‌ها یهود بودند؛ و فرقه‌ای غلات که درباره آن جناب غلو نمودند (او را خدا و شریک خدا قرار دادند) و امت من هم درباره تو سه فرقه می‌شوند:

فرقه شیعتک و هم المؤمنون: فرقه‌ای شیعیان تو هستند و آن‌ها مؤمنین‌اند؛ و فرقه‌ای دشمنان تو هستند، و آن‌ها ناکثین و شکنندگان عهد و بیعت تو می‌باشند؛ و فرقه‌ای غلو کنندگان درباره تو می‌باشند و آنان جاحدين و گمراهانند. فانت یاعلی و شیعتک فی الجنه و محبو شیعتک فی الجنه و عدوک و الغالی فیک فی النار.<sup>۲</sup>

۱. در المنشور، ج ۶، ص ۳۷۹.

۲. مناقب خوارزمی، ص ۳۱۷.

اگر در خلق، حق را در نیابی

بیابی خانه اما در نیابی

نبی بیت الله و بابش علی دان

اگر از در نیابی در نیابی

در روز قیامت، گروهی سوار بر مرکب‌هایی از نور وارد صحرای  
محشر می‌شوند و با صدای بلند می‌گویند: «سپاس خداوندی را که  
وعده‌ای که به ما داد، راست بود و زمین را میراث ما قرار داد.

اکنون در هر جا از بهشت که بخواهیم منزل می‌گزینیم.»

در این هنگام مردم می‌گویند: این‌ها پیامبران هستند، ولی از  
سوی خداوند متعال ندا می‌آید: «نه، اینها شیعیان علی بن ابیطالب  
هستند. آنان بندگان برگزیده و بهترین مخلوقات من هستند.»<sup>۱</sup>

ای خوش آن دل که عاشق می‌شود

در حریم شیعه لایق می‌شود

راه می‌یابد به خان حیدری

می‌نماید بر جهانی سروری

کاش من هم عاشقت بودم علی

همچو شیعه لایقت بودم علی

همچو حجر بن عدی جان می‌شدم

جان به قربان تو جانان می‌شدم

یا که میشـم می‌شدم بالای دار

ذکر حق می‌گفتم اندر کارزار

۱. بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۷۸

حیف من بر شیعه لایق نیستم  
 واقعاً مجذون و عاشق نیستم  
 لیک دل خوش دارم اندر کوی تو  
 عاقبت بینم خم ابروی تو  
 با نگاهی از غم آزادم کنی  
 گاه رفتن، یا علیٰ یادم کنی

آقای حاج سید عبدالکریم قزوینی نقل کرد که شخص موثقی  
 از یکی از سنی‌های ثروتمند نقل کردند:  
 جوانی شیعه پیش من کار می‌کرد، تقوی و رفتار این جوان ما را  
 جلب کرد. من به عیالم گفتم: خوب است دخترمان را به او بدهیم.  
 عیالم گفت: او شیعه است و ما سنی، مناسبت ندارد. به او پیشنهاد  
 کن اگر حاضر هستی سنی شوی ما دخترمان را به تو می‌دهیم.  
 به جوان پیشنهاد کردیم، جوان گفت: مانعی ندارد. به حضور  
 قاضی شهر رفتیم و گفتیم جریان چنین است. اتفاقاً والی شهر  
 نزد قاضی آمده بود. قاضی خواست از این جریان استفاده کند، در  
 حضور والی به جوان گفت:

بگو: من شهادت می‌دهم به اولویت ابوبکر نسبت به علی  
 برای خلافت. جوان گفت: من شهادت می‌دهم به اولویت ابوبکر  
 برای خلافت نسبت به علی، اگر خدا راضی باشد. قاضی گفت:  
 جوان! همانطوری که من می‌گوییم بگو و دوباره تکرار کرد: بگو من  
 شهادت می‌دهم به اولویت ابوبکر. جوان گفت: شهادت می‌دهم  
 به اولویت ابوبکر، اگر رسول خدا ﷺ راضی باشد. قاضی گفت:

## ولایت در قرآن ۱۱

جوان! به تو گفتم تو همانطور که من شهادت می‌دهم شهادت بده، و برای بار سوم تکرار کرد: بگو شهادت می‌دهم به اولویت ابوبکر بر علی برای خلافت. جوان گفت: شهادت می‌دهم به اولویت ابوبکر برای خلافت، اگر حضرت والی راضی باشد. والی گفت: نه، من در این کار مداخله نمی‌کنم. شخص سنی می‌گوید: به جوان گفتم: برویم من شیعه می‌شوم، زیرا اولویت ابوبکر که نه خدا راضی است، نه رسول خدا، و نه حضرت والی به درد نمی‌خورد. من با جوان به منزل رفیم. عیالم گفت: خوب، سنی شد؟ گفتم: نه، من هم شیعه شدم و دخترم را به او دادم.<sup>۱</sup> این است شیعه واقعی علی علیه السلام.

### رفتارسازی

ماهم اگر قصد داریم در قیامت جزء شیعیان علی علیه السلام و فائزون و ناجی باشیم، باید ببنیم اهل بیت از ما چه می‌خواهند. یکی از چیزهایی که اهل بیت علیه السلام از ما می‌خواهند، همین هدایتگری ایتام آل محمد علیه السلام می‌باشد تا جایی که در روایت از امام حسن عسکری علیه السلام آمده که ابا عبدالله الحسین علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ كَفَلَ لَنَا يَتِيماً قَطَعَتْهُ عَنَّا مَحِبَّتِنَا حَتَّىٰ أَرْشَدَهُ وَ هَدَاهُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَيُّهَا الْعَبْدُ الْكَرِيمُ الْمَوَاسِيِّ لِأَجْحِيَهِ أَنَا أَوْلَىٰ بِالْكَرَمِ مِنْكَ اجْعَلُوا لَهُ يَا مَلَائِكَتِي فِي الْجِنَانِ بِعَدَدِ كُلِّ حَرْفٍ عَلَمَهُ أَلْفَ أَلْفٍ قَصْرٍ وَ ضُمُّوا إِلَيْهَا مَا يَلِيقُ بِهَا مِنْ سَائِرِ النَّعِيمِ.»<sup>۲</sup>

۱. روزنامه‌هایی از عالم غیب، ص ۳۲۴-۳۲۳

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲، ص ۴

کسی که کفالت کند برای ما یتیمی را که محبت ما از او قطع گردیده تا اینکه او را ارشاد و هدایت کند، خداوند عزو جل می‌گوید: ای بنده کریم ما که خیرخواهی کردی برای برادرت، من به کرامت از تو اولی‌تر هستم. ملائکه من! برای او در بهشت به عدد هر حرفی که به او یاد داده هزار هزار قصر قرار بدھید و ضمیمه کنید به آن هر آنچه که از نعمت‌ها ملحق می‌گردد.

اگر انسان می‌خواهد مصدق این روایات قرار گیرد، بهترین راهش طلبگی امام زمان علیه السلام است، زیرا طلبگی این بستر را مهیا می‌کند که بتوانی برادرانت را هدایت کنی، خوشابه حال کسانی که یا خودشان طلبه شدند و یا اسباب طلبه شدن دیگری را فراهم کردند. متأسفانه شنیده می‌شود که بعضی از فرزندان مایلند طلبه بشوند، ولی والدین جلوی این خیر کثیر را می‌گیرند. البته خودشان باید فردا جوابگو باشند، و این یک اهمال کاری محسوب می‌شود. اگر هم نمی‌توانیم طلبه شویم و به صورت علمی دیگران را راهنمایی کنیم، حداقل نسبت به اطرافیان و خویشاوندان بی‌تفاوت نباشیم و دست کم به وظیفه خود در امر به معروف و نهی از منکر عمل کنیم.

### روضه

از پیامدهای اهمال و سستی ما در هدایت دیگران این است که امام زمان علیه السلام هر عصری تنها می‌ماند و امیرالمؤمنین علیه السلام ۲۵ سال خانه نشین می‌شود، کار به جایی می‌رسد که برای بیعت گرفتن، او

را به زور به طرف مسجد می‌برند. حضرت زهرا<sup>ؑ</sup> با اینکه صدمه دیده بود خود را به میان آنان و امام<sup>ؑ</sup> می‌رساند و می‌فرماید: **وَاللَّهِ لَا أَدْعُكْ بَجْرُونَ إِبْنَ عَمِّيْ ظُلْمًا؛** به خدا سوگند نمی‌گذارم پسرعمو و امام را ظالمان برای بیعت به مسجد ببرید.

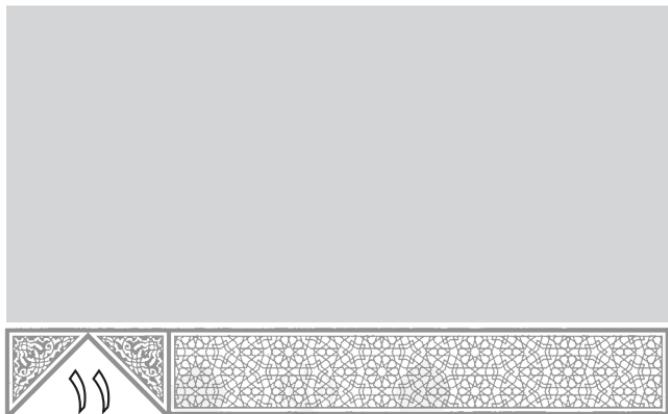
اما وقتی علی<sup>ؑ</sup> را از دستان فاطمه<sup>ؑ</sup> جدا کردند و با آن وضع به مسجد بردن، زهرای مرضیه<sup>ؑ</sup> با ضجه فرمودند: **خَلُوا عَنْ إِبْنِ عَمِّيْ** فوَالذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحُقْقِ لَيْنَ لَا تُخْلُوا عَنْهُ لَا كُشَرَنَّ شَعْرِيْ وَ لَا صَعْنَ قَمِيصَ رَسُولِ اللَّهِ<sup>ؑ</sup> عَلَى رَأْسِيْ وَ لَا صُرْخَنَ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى؛ به خدابی که پیامبر را مبعوث کرد، اگر علی را رهان نکنید، گیسوان پریشان می‌کنم و پیراهن رسول خدا را بر سر می‌گذارم و شما را نفرین می‌کنم.

ناگهان سلمان فارسی با اشاره امام<sup>ؑ</sup> از حضرت خوات خواست نفرین نکند و به منزل برگردد، حضرت خطاب به سلمان فرمودند: **يَرِيدُونَ قَتْلَ عَلِيٍّ وَ مَا عَلِيٌّ عَلِيٌّ صَبَرُ.**<sup>۱</sup> می‌خواهند علی<sup>ؑ</sup> را بکشند و من بر این داغ صبر ندارم. اما بگو یا زهرا، علی تو را آن زمان کشتنند که موقع غسل تو متوجه بازوی ورم کرده تو شد. علی تو آن زمان جان داد که شبانه پیکر تو را غریبانه و مظلومانه داخل قبر گذاشت و فرمود: یار رسول اللَّهِ! امانتت را برگرداندم.

---

۱ . بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۴۷، روضه کافی، ج ۸، ص ۲۳۸.





## شیعه و آخر الزمان و ظهور امام زمان

### انگیزه‌سازی

روزی پیامبر ﷺ در حالی که جمعی از اصحاب اطرافشان بودند، دو مرتبه فرمودند: «اللَّهُمَّ لَقَنِي إِخْوَانِي.» خداوند برادرانم را به من برسان.  
فَقَالَ مِنْ حَوْلَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ أَمَا تَحْنُّ إِخْرَانَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

حضرت فرمودند: نه، شما یاران من هستید. برادران من کسانی هستند که در آخرالزمان می‌آیند و ندیده به من ایمان می‌آورند. خداوند آنها را پیش از آنکه از صلب پدران به رحم مادران در آیند با نام خود و پدرانشان به من معروف نموده است که استقامت هر یک از آنها در دین خود، از کندن خارهای گوئن در شب تاریک،

و به دست گرفتن آتش گداخته سختتر است. آن‌ها مشعل‌های هدایت هستند که خداوند آن‌ها را از فتنه‌های تیره و تاریخ نجات می‌بخشد.<sup>۱</sup>

### اقناع اندیشه

در فرهنگ اسلام، آخرالزمان به دوران غیبت و ظهور مهدی موعود<sup>۲</sup> گفته می‌شود که از سال ۲۶۰ هجری قمری شروع شد و تا به حال ادامه دارد. هدف از گفتگو درباره غیبت امام عصر<sup>۳</sup> اولاً و بالذات کشف چرایی غیبت آن وجود مبارک نیست، بلکه آن است که مؤمن منتظر وظیفه خویش را در زمان این غیبت بشناسد و بفهمد که آیا به وظیفه خویش عمل می‌کند یا نه.

شاید برای بعضی این سؤال مطرح باشد: آیا در آخرالزمان وظیفه‌ای متوجه ما شیعیان هست؟ مگر ما نباید منتظر باشیم تا منجی عالم بشریت تشریف بیاورند و ظلم و ستم را از بین برد، عدالت را در جهان به وجود آورند؟

اگر اینطور باشد پس با قوم بنی اسرائیل چه فرقی می‌کنیم؟ آن‌ها هم در جواب حضرت موسی<sup>۴</sup> گفتند: «انا لن ندخلها ابداً ما داموا فيها فاذهب انت و ربک فقاتلا أنا هاهنا قاعدون.»<sup>۵</sup> و بعد دچار نفرین پیامبر خدا شدند: «قال ربّي لا املک الا نفسی و

۱ . بحار الأنوار الجامعة للدرر أخبار الانمة الأطهار، ج ۵۲، ص ۱۲۴ و فرهنگ الفبایی مهدویت یا موعود نامه، مجتبی تونه ای، ص ۳۵ و ۳۶.

۲ . امام مهدی موجود موعود، آیت الله جوادی آملی، ص ۱۲۸.

۳ . مائدہ/ ۲۴.

اخي فافرق بيننا و بين القوم الفاسقين.»<sup>۱</sup>

مردم باید خود به اصلاح جامعه بپردازند، نه آنکه تنها از خداوند و رهبران دینی توقع اصلاح داشته باشند و آرزوی پیروزی بدون کوشش، خردمندانه نیست. «فَقَاتِلُوا إِنَّا هَا هُنَا قَاعِدُونَ»<sup>۲</sup>

در روایات می‌خوانیم: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ انتظارُ الْفَرْجِ» بهترین عمل، انتظار آمدن حضرت مهدی علیه السلام است. بر اساس این حدیث، انتظار، حالت نیست، بلکه عمل است: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ». بنابراین، منتظران واقعی باید اهل عمل باشند. منتظران مصلح باید خود صالح باشند، کسی که منتظر مهمان است در خانه آرام نمی‌نشیند.<sup>۳</sup>

معنای انتظار با اختصار فرق می‌کند. معنای انتظار این نیست که امام زمان بباید و درست بکند، شما شب منتظر خورشید هستی، اما در تاریکی نمی‌نشینی؛ تلاش می‌کنی، چراغی روشن می‌کنی، البته منتظر خورشید هم هستی.<sup>۴</sup> حضرت هم از ما انتظار دارند که برای زمینه‌سازی ظهورشان کاری بکنیم و خدا نکند این دست روی دست گذاشتند از روی غفلت و مشغولیت، حمل بر عدم تشنگی برای ظهور آن حضرت شود.

### پرورش احساس

حاج محمد علی فشنندی که از موثقین نزد علمای قم در زمان

۱ . مائده/ ۲۵.

۲ . تفسیر نور، ج ۶، ص ۶۳.

۳ . تمثیلات، ص ۴۸.

۴ . برنامه درس‌هایی از قرآن، آقای قراتشی سال ۷۱.

خودش بوده، می‌گوید: خیلی دوست داشتم حضرت مهدی ع را زیارت کنم. خیلی توسل کردم. آخرین توسلم این بود که چهل جمیعه به زائران مسجد جمکران آب بدهم، شاید ایشان توفیق زیارتshan را نصیب حقیر کنند. نزدیک چهل مین جمعه بود، مثل همیشه به زائران حضرت آب تعارف می‌کردم. مشک آبم داشت خالی می‌شد. خواستم از مسجد خارج بشوم، دیدم سید جلیل القدری وارد مسجد شد. گفتم: بگذار یک لیوان آب هم به آقا سید تعارف کنم. گفتم: آقا سید آب میل دارید؟ ایشان تشرک کرد. لیوان آب را که دستشان دادم، نگاهی به آب کردند و فرمودند: اگر شیعیان ما به اندازه همین یک لیوان آب تشنه ما بودند، ما ظهور می‌کردیم.

حاج محمد علی می‌گوید: آن لحظه نفهمیدم منظور آقا سید چیست. وقتی از او جدا شدم، تازه فهمیدم او کسی غیر از مولایم نمی‌تواند باشد. برگشتم و هرچه گشتم آقایم را ندیدم.<sup>۱</sup>

غصه دارد که حضرت فرموده باشند تأخیر ظهورشان به خاطر عدم تشنگی ماست، اما ایشان حق دارند، چرا که اعمال ما را صبح و عصر محضر ایشان عرضه می‌کنند و ایشان در اعمال ما همه

چیز می‌بینند جز تلاش برای زمینه سازی ظهورشان!

موسی بن سیّار از یاران امام رضا ع می‌گوید: با امام رضا ع وارد شهر حیطان در حوالی طوس شدیم. در این حال شنیدم منادی ندا می‌داد. وقتی خوب نگاه کردم، دیدم دارند جنازه‌ای را تشییع می‌کنند، در این هنگام آقای من، امام رضا ع، جلو رفتند و زیر

---

۱. شیفته‌گان حضرت مهدی، ج ۱، ص ۱۵۵.

جنازه را گرفتند و بلند کردند و مانند مادری که بچه اش را در بر بگیرد با محبت آن را تشییع کردند و رو به من فرمودند: «یا موسی بن سیارِ مَنْ شَيَّعَ جَنَازَةً وَلِيٌّ مِنْ أُولَيَائِنَا حَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيْوَمْ وَلَدَنُهُ أَمْهُ لَا ذَنْبَ عَلَيْهِ.»

تشییع جنازه ادامه یافت تا میت را در کنار قبر گذاشتند، در این هنگام حضرت جلو رفته و مردم راه را باز کردند تا حضرت در کنار جنازه قرار گرفتند. سپس حضرت دست خود را بر روی سینه میت گذاشتند و فرمودند: «یا فلانِ بن فلانِ ابیشِر بالجهةِ فَلَا حَوْفَ عَلَيْكَ بَعْدَ هَذِهِ السَّاعَةِ.»

موسی بن سیار می گوید: من که از شنیدن این کلام حضرت متعجب شده بودم، با تعجب پرسیدم: فدای شما شوم! شما این مرد را می شناسید؟ قسم به خدا اینجا مکانی است که شما تا به امروز پا به آن نگذاشته اید!

پس حضرت رضا ﷺ فرمودند:

«یا موسی بن سیارِ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّا مَعَايِرَ الْأَئِمَّةِ تُعرَضُ عَلَيْنَا أَعْمَالُ شَيْعَتِنَا صَبَاحًاً وَ مَسَاءً فَمَا كَانَ مِنَ التَّقْصِيرِ فِي أَعْمَالِهِمْ سَأَلَنَا اللَّهُ تَعَالَى الصَّفَحَ لِصَاحِبِهِ وَ مَا كَانَ مِنَ الْعُلُوِّ سَأَلَنَا اللَّهُ الشُّكْرُ لِصَاحِبِهِ.»<sup>۱</sup>

ای موسی بن سیار آیا نمی دانی اعمال شیعیانمان صبح و عصر بر ما ما اهل بیت عرضه می شود؟ اگر تقصیر و معصیتی در اعمال الشان باشد از خدا می خواهیم صاحبین را ببخشد و اگر کار نیکی در آن

---

۱. مناقب آل أبي طالب، ج ۴، ص ۳۴۱ و بحار الأنوار، بیروت، چاپ دوم، ج ۴۹، ص ۹۸.

باشد از خدا برای صاحب‌ش طلب پاداش می‌کیم.

یعنی حضرت اعمال مارا صبح و عصر می‌بینند. ای کاش به خوبی به تکلیف‌مان عمل کرده باشیم و موجب خوشحالی حضرت شویم.

### رفتارسازی

حال سوال اینجاست که تکلیف‌مان چیست؟

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: امروز تکلیف شما چیست؟ شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده اقدام فرماید. از صفر که نمی‌شود شروع کرد! جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود ارواحنا فدah باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، والا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می‌شود. چه علتی داشت که بسیاری از انبیا بزرگ اولو‌العزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدی‌ها پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه‌ها آماده نبود.

چرا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در زمان خودش؛ در همان مدت کوتاه حکومت با آن قدرت الهی؛ با آن علم متصل به معدن الهی؛ با آن نیروی اراده، با آن زیبایی‌ها و درخشندگی‌هایی که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت و با آن توصیه‌های پیامبر اکرم علیه السلام درباره او نتوانست ریشه بدی را بخشکاند؟ خود آن بزرگوار را از سر راه برداشتند! (قتل فی محراب عبادته لشدة عدله). توان عدالت امیرالمؤمنین جان امیرالمؤمنین بود که از دست رفت! چرا؟ چون زمینه، زمینه نامساعد بود. زمینه را نامساعد

کرده بودند! زمینه را زمینه دنیا طلبی کرده بودند. آن کسانی که در اواخر یا اواسط حکومت علوی مقابل امیرالمؤمنین صف آرایی کردند، کسانی بودند که زمینه‌های دینشان زمینه‌های مستحکم و ماده غلیظ متناسب دینی نبود. عدم آمادگی، اینطور فاجعه به بار می‌آورد!

آن وقت اگر امام زمان ﷺ در یک دنیای بدون آمدگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد.<sup>۱</sup> حالا که چنین است، مهمترین کاری که باید برای زمینه سازی ظهور مولایمان انجام دهیم چیست؟

بیایید از تاریخ کربلا درس بگیریم، اگر مردم کوفه نسبت به فرامین مسلم بن عقیل خوب اطاعت می‌کردند، زمینه حضور حسین فاطمه ﷺ فراهم می‌شد. کسی که نسبت به نائب امام زمانش وظیفه شناس است، قطعاً زمینه ساز خوبی برای ظهور مهدی فاطمه است.

یکی از دوستان شهید صیاد شیرازی، امیرسرتیپ ناصر آراسته نقل می‌کنند که:

یک روز که به دیدار آیت الله بهاء الدینی می‌رفتیم، شهید صیاد سفارش کرد به ایشان بگویید صیاد سلام رسانده و گفته دلم برایتان خیلی تنگ شده است. این را که به آقا گفتم، از بالای عینک نگاهی به من انداختند و گفتند: شما آقای صیاد را می‌شناسی؟ گفتم: نه آنطور که شما می‌شناسید. این سوال را سه بار تکرار کردند. گفتم:

۱ . بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان، ۹/۲۵ ۱۳۷۶.

نه. بعد ایشان سه بار گفتند «صیاد یک پارچه نور است» سلام مرا به او برسانید.

ایشان نقل می‌کند: یک روز که در معیت صیاد با امام خامنه‌ای دیدار داشتیم، دفترچه را درآورد و شروع کرد به نوشتن صحبت‌های آقا. بعد از جلسه از او پرسیدم: چرا اینقدر مقیدی که صحبت‌های آقا را بنویسی؟ تلویزیون در اخبار ساعت ۱۴ و ۲۱ اعلام می‌کند، روزنامه‌ها هم می‌نویسند. به من گفت: تو حقوق‌دانی؟ گفتم: بله. گفت عدم اجرای دستور فرمانده جرم است یا نه؟ گفتم: بله، اما ربطی به سؤال من ندارد. گفت: تأخیر در اجرای فرمان رهبر جرم است یا نه؟ گفتم: بله، اما باز هم ربطی به سؤال من ندارد. گفت: دارد؛ من فرمایشات آقا را سخنرانی تلقی نمی‌کنم، بلکه تدبیر فرمانده به سر بازش می‌دانم و چون نمی‌دانم تا رسیدن به ستاد کل عمرم باقیست یا نه! اگر بمیرم برای تأخیرم در اطاعت امر فرماندهم جوابی ندارم، لذا می‌نویسم تا در ماشین تدبیر را به فرامین تبدیل کنم که اگر عمرم سر آمد آن دنیا پاسخی داشته باشم.<sup>۱</sup>

### روضه

اما اهل کوفه نه تنها از مسلم اطاعت نکردند، بلکه از بالای بام سنگ می‌زدند، تیر می‌زدند. بدن زخمی شده حضرت را به طرف دارالاماره برداشتند. تشنه است، اما تا سه مرتبه هر چه خواست آب بنوشد، آب خون آلود شد. گفت: گویا مقدر آن است که من تشنه

۱. بیان خاطره از امیرستیپ ناصر آراسته، جانشین گروه مشاوران نظامی رهبر معظم انقلاب.

باشم. دیدند آقا گریه می‌کند. چرا می‌گریسی؟ فرمود: برای خودم گریه نمی‌کنم، بلکه برای عزیز زهرا، حسین علیه السلام، گریه می‌کنم که همراه با خانواده‌اش به سوی شما مردم پیمان شکن می‌آید. مردم منتظرند ببینند چه خواهد شد؟ ناگهان دیدند سر بریده‌ای از بالای دارالاماره به زمین افتاد و بعد از آن هم بدن بی سر غرق به خونی. وقتی خبر به اردوگاه ابی عبدالله رسید ناله هاشمیان و فاطمیان بلند شد. اشک از چشمان حسین علیه السلام جاری شد، اما به خانواده مسلم تسلی دادند. یا ابا عبدالله کسی نبود به زینت، به سکینه‌ات تسلی بدهد، آن وقتی که بدن پاره پارهات در گودی قتلگاه بر زمین افتاده بود. آخ بمیرم! راوی می‌گوید: دیدم فاجتمعت عدّة من الا عرب حتّی جَرُّها عنْهِ، عده‌ای از اعراب آمدند و سکینه را کشان کشان از بدن پدر جدا کردند.<sup>۱</sup> همه صدا بزنید: یا حسین!

دفتر مطالعات پژوهش  
و ارتباطات حوزی

---

۱. سوگنامه آل محمد علیهم السلام، روضه عصر عاشورا.



## رجعت و بازگشت امامان و شیعیانشان و حکومت صالحان در زمین

انگیزه‌سازی

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ مَا يَقُولُ النَّاسُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ وَيَوْمَ  
تَحْسُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا قُلْتُ يَقُولُونَ إِنَّا فِي الْقِيَامَةِ - قَالَ لَيْسَ  
كَمَا يَقُولُونَ إِنَّ ذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ أَيْحَسِرُ اللَّهُ فِي الْقِيَامَةِ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ  
فَوْجًا وَيَدْعُ الْبَاقِينَ - إِنَّهَا آيَةُ الْقِيَامَةِ فَوْلُهُ «وَ حَسَرَ نَاهُمْ فَلَمْ تُغَارِرْ  
مِنْهُمْ أَحَدًا».<sup>۱</sup>

علی بن ابراهیم در تفسیر خود از «حمداد بن عثمان» نقل  
می‌کند: حضرت صادق علیه السلام فرمود: مردم درباره این آیه: «روزی که  
از هر جمعی دسته‌ای را محشور کنیم (نمی / ۳۸)» چه می‌گویند؟

عرض کردم: می‌گویند: مربوط به قیامت است، فرمود: چنین نیست، درباره رجعت است؛ مگر در قیامت خدا از هر جمعی دسته‌ای را محشور می‌کند و دیگران را وامی گذارد؟! آیه قیامت این است: همه رامحشور کنیم، و احدی از آنان را وانگذاریم.<sup>۱</sup>

### اقناع اندیشه

رجعت در لغت به معنای بازگشت به دنیا پس از انتقال به جهان دیگر است و در اصطلاح به این مفهوم است که امامان خاندان وحی و رسالت ﷺ و انبوی از کسانی که جهان را بدرود گفته‌اند، بار دیگر پس از حضرت مهدی ؑ و پیش از شهادت او به خواست خداوند و اراده حکیمانه او به این جهان باز می‌گردند. رجعت از عقائد مسلم شیعه است و آیات و روایات در این باره پیش از حد شهرت و تواتر است.<sup>۲</sup>

در بسیاری از ادعیه و زیارات معتبر نیز به مسئله رجعت تصریح شده است؛ مثلاً در زیارت جامعه می‌فرماید:

«معترفُ بكم مؤمنٌ بایابكم مصدقٌ بر جعتم منظرٌ لامرکم  
مرقب لدولتكم».

به شما ایمان دارم، بازگشت شما را باور دارم و رجعت شما را تصدیق می‌کنم، امر شما را انتظار می‌کشم و دولت شما را چشم به

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴.

۲. موعودنامه، مجتبی تونه‌ای، ص ۳۴۹. مؤسسه انتشارات میراث ماندگار، چاپ ۱۵، ۱۳۸۹.

راهم.<sup>۱</sup>

و يا در زيارت آل ياسين عرضه می داريم:

«وَأَنْ رَجُعَتُكُمْ حُقْ لَا رِبٌّ لَّا فِيهَا». <sup>۲</sup>

همچنین در دعای عهد اينگونه آمده:

«اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَىٰ عِبَادِكَ

حَتَّىٰ مَقْضِيًّا فَاخْرُجْنِي مِنْ قَبْرِي». <sup>۳</sup>

خدايا اگر مرگی که بر همه بندگانت مسلم کرده‌ای، میان من و

ظهور مولایم جدایی بیندازد، مرا از قبر بیرون بیاور.

در قرآن موارد مختلفی از زنده شدن مردگان در امت‌های پیشین

ذکر شده است؛ به عنوان مثال:

پیامبری از کنار يك آبادی عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن  
فرو ریخته بود و اجساد و استخوان‌های اهل آن در هر سو پراکنده  
شدند بود. از خود پرسید: چگونه خداوند این‌ها را پس از مرگ زنده  
می‌کند؟ خدا او را یک‌صد سال میراند و سپس زنده کرد و به او  
گفت چقدر درنگ کردی؟ عرض کرد: يك روز یا قسمتی از آن،  
فرمود: نه. بلکه یک‌صد سال بر تو گذشت. (آیه ۲۵۹ سوره بقره).

يا در سوره بقره در آیه ۷۳، در مورد کشته‌ای که بنی اسرائیل  
در مورد پیدا کردن قاتلش دچار نزاع و جدال شده بود، می‌گوید:  
دستور داده شد گاوی را با ویژگی هایی سر ببرند و بخشی از آن را  
بر بدن مرده زنند تا به حیات بازگردد (و قاتل خود را معرفی کند و

۱ . بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۳۱.

۲ . بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۸۲ و ۹۴.

۳ . بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱.

نزاع خاتمه یابد.)

«فَقُلْنَا صِرْبُوهِ بَعْضُهَا كَذَلِكَ يُخْبِي اللَّهُ الْمُؤْتَسِ وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ  
عَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ». (بقره / ۷۳)

یا زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسیٰ :

حضرت عیسیٰ می فرماید: «أَخْيَ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ»؛ یکی از معجزات من این است که اموات را به اذن پروردگار زنده می کنم. (آل عمران / ۴۹)

برگشتن مردگان در آخرالزمان فلسفه حکیمانه‌ای دارد. در آخرالزمان حکومتی به وجود می آید که در آن ظلمی نخواهد بود و عدل مطلق است. مؤمنین خالصی به دنیا بر می گردند که استعداد کمالات در آنها بسیار بالا بوده، ولی به خاطر ظلم زمانشان کسی آنها را تربیت نکرد و استعدادشان شکوفا نشد. به همین دلیل این استعدادها بالقوه باقی ماند. برای اینکه ظلمی به این مؤمنین نشود، آنها بر می گردند و استعدادهایشان به فعلیت می رسد و تکمیل می شود.<sup>۱</sup>

از جمله بارزترین مؤمنین، خود ائمه علیهم السلام هستند که بر می گردند. هر کدام از ائمه علیهم السلام صلاحیت این را داشتند که دنیا را مدیریت کنند، ولی این اتفاق در زمان آنها نیفتاد. در زمان آنها به خاطر ضعف مردم و ظلم حاکمان، استعداد مدیریت جهانی به فعلیت نرسید و این عبادت را انجام ندادند. همه مردم را به سمت خدا بردن عبادت بزرگی است. پس ائمه علیهم السلام بعد از ولی عصر بر می گردند که این مدیریت را داشته باشند و آن عبادت خدا را انجام بدھند. از

۱ . تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۹.

طرفی سران کفار هم بر می‌گردند تا ذلت و عذابی ببینند و انتقامی از آن‌ها گرفته بشود. باید در دنیا این انتقام از آن‌ها گرفته بشود. این در راستای عدل است.

«ان الذى فرض علىك القرآن لرادك الى معاد.»

(قصص / ۸۵)

آن کسی که قرآن را بر تو فرو فرستاد، به یقین تورا به وعده‌گاهت بازمی‌گرداند.

امام سجاد علیه السلام در تأویل این آیه فرمود: پیامبر شما و امیر مؤمنان و امامان اهل بیت در عصر ظهور به دنیا باز می‌گردند.<sup>۱</sup> اگر عقیده به رجعت نباشد، ممکن است بعضی از افراد دچار نامیدی و سرخوردگی بشوند. مثلاً بگویند که فرض کنیم من خوب باشم و آمادگی فردی برای ظهور داشته باشم، ظهور امام نیاز به آمادگی اجتماعی دارد و آن دست من نیست. از این رو، ممکن است امید و در نتیجه، پاکی خودش را از دست بدهد، اما اگر کسی عقیده به رجعت داشته باشد، می‌گوید به فرض که اجتماع آمادگی ظهور را نداشته باشد، همین که من آماده باشم در هنگام ظهور هستم، حتی اگر ظهور در زمان من نبود، من می‌توانم در زمان ظهور باشم. اگر خوب باشم، می‌توانم در زمان رجعت جزو افراد آن زمان باشم.

### پرورش احساس

مشارک محض نیز بر می‌گردد تا سازی حق‌کشی‌ها و

۱. تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۳۹

تجاویزگری‌های خود را پیش از آخرت و در همین دنیا بچشد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: نخستین کسی که در باره او محکمه عدل در حکومت حقه تشکیل می‌شود، محسن فاطمه علیها السلام است. بین او و قاتلش محکمه برگزار می‌شود. قنفذ و آقایش آورده می‌شوند و با تازیانه‌هایی از آتش شلاق می‌خورند. شلاق‌هایی که اگر یکی از آن‌ها به یکی از کوههای دنیا بخورد، ذوب می‌شود و تبدیل به خاکستر می‌گردد.<sup>۱</sup>

در اخبار رجعت امام حسین علیه السلام تصریح شده که به هنگام رجعت حضرت، یزید و سپاهیانش نیز رجعت می‌کنند و امام حسین علیه السلام آن‌ها را می‌کشد و برای هر ضربتی یک ضربت می‌زند.<sup>۲</sup> جمعی از رجعت کنندگان، سلمان، مقداد، جابر بن عبد الله، ابودجاجه، مالک اشتر، مفضل بن عمرو، حمران بن اعین، مومن ال فرعون، یوشع بن نون و اصحاب کهف هستند.<sup>۳</sup>

رجعت در مورد مؤمنین اختیاری است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هنگامی که حضرت ولی عصر ارواح‌الله الفدا، قیام کند، مأمورین الهی در قبر با اشخاص مؤمن تماس می‌گیرند و به آن‌ها می‌گویند: ای بندۀ خدا! مولایت ظهور کرده است، اگر بخواهی به او پیوندی آزاد هستی، و اگر بخواهی در نعمت‌های الهی متنعم بمانی، باز هم آزاد هستی.<sup>۴</sup>

۱ . بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹.

۲ . تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۷۹.

۳ . رجعت، محمد خامی، ص ۲۰۰.

۴ . موعود نامه، مجتبی تونه‌ای، ص ۳۵۰.

دعا کنیم ما هم جزء اصحاب رجعت باشیم. یکی از دعاهای ما در محضر خدا در این شب‌های پر برکت این باشد که ما جزء اصحاب رجعت باشیم.

### رفتارسازی

چه کنیم که در زمان ظهور امام زمان ﷺ جزء اصحاب رجعت باشیم؟

امام صادق علیه السلام در روایتی زیبا ویژگی‌های رجعت‌کنندگان را این چنین بیان می‌کنند:

﴿أَوَّلُ مَنْ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُ وَ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسْنَيْنُ بْنُ عَلَيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ إِنَّ الرَّجُعَةَ لَيَسْتُ بِعَامَّةٍ وَ هِيَ خَاصَّةٌ لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضًا أَوْ مَحَضَ الشُّرُكَ مَحْضًا﴾.<sup>۱</sup>

نخستین کسی که قبرش می‌شکافد و زنده شده، به دنیا بر می‌گردد، حسین بن علی علیه السلام است. و این رجعت عمومی نیست (که تمام مردگان زنده شده سر از قبر درآورند)، بلکه افراد خاصی به دنیا بر می‌گردند که یا مؤمن خالص و یا مشرك محض باشند.

در رجعت، مؤمن خالص که در تمام عمر از طرف کفار و منافقین مورد آزار قرار گرفته است، بر می‌گردد تا در پرتو حکومت حقه، روی آرامش و آسایش را ببیند و قسمتی از پاداش اعمال نیک خود را پیش از آخرت در این جهان ببیند.

اهل بیت علیهم السلام یک راه میانبر هم به ما معرفی کرده‌اند تا شیعیان بتوانند خود را به این مقام برسانند. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۵۲، ص ۳۹.

«مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَرْبَعِينَ صَبَاحًاً بَهْذَا الْعَهْدِ كَانَ مِنْ انصَارِ قَائِمَنَا فَإِنْ ماتَ قَبْلَهُ أُخْرَجَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ قَبْرِهِ وَأَعْطَاهُ بِكُلِّ كَلْمَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَهُوَ هَذَا: اللَّهُمَّ رَبَّ نُورِ الْعَظِيمِ.»<sup>۱</sup>

هر که چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهر آن حضرت بمیرد، خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی به هر کلمه هزار حسنے به او کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند.<sup>۲</sup>

یکی از چیزهایی که امام در روزهای آخر به اطرافیانشان توصیه می‌کردند، خواندن دعای عهد بود. ایشان می‌گفتند: صبح‌ها سعی کن این دعا را بخوانی؛ چون در سرنوشت دخالت دارد.

امام خمینی رضوان‌الله‌علی‌الیه حتی در موقعی که در بیمارستان بستری بودند، از انس با کتاب مفاتیح الجنان غافل نبودند. پس از رحلت جانگداز ایشان که مفاتیح شان را از بیمارستان به بیت منتقل می‌کردیم، متوجه شدیم امام در مفاتیح خود در کنار دعای شریف عهد که آن را یک اربعین می‌خواندند، تاریخ شروع را هشت شوال نوشته‌اند. حتی امام آنقدر دعای عهد خوانده بودند که آن قسمت از مفاتیح ایشان فرسوده شده بود.<sup>۳</sup>

۱ . مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۹۳.

۲ . مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۳ . برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۲، ص ۴۲.

### روضه

خواندن دعای عهد یکی از راههای بیعت با امام زمان است و یکی دیگر از اموری که ما به وسیله آن می‌توانیم به امام زمان مدد برسانیم، گریه بر سید الشهداء است. خود حضرت هر صبح و شام برای جد غریبانش گریه می‌کنند:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيْفَيْنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ حِيْرَةِ رَبِّ  
الْعَالَمَيْنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةِ الرَّحْمَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمَيْنِ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةِ الْكَبِيرَى أُمِّ الْمُؤْمِنِيْنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا  
مَنْ بَكَتْ فِي مُصَابِهِ السَّمَاوَاتِ الْأَعُلَىٰ». <sup>۱</sup>

«السَّلَامُ عَلَى الْمُدْفُونِيْنِ بِلَا أَكْفَانِ السَّلَامُ عَلَى الرُّءُوسِ الْمُفَرَّقَةِ  
عَنِ الْأَبْدَانِ». <sup>۲</sup>

ای کاش فقط همین بود، یا صاحب الزمان!

بر جسم پاره پاره فرس تاختن چرا؟  
در آفتاب، نعش وی انداختن چرا؟  
بعد از هزار و نهصد و پنجه جراحتش  
بگذاشتندش به خاک، تنش بی کفن، چرا؟  
یا حسین...

۱ . بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۹۸، ص ۲۳۶

۲ . بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۹۸، ص ۳۱۹



## عید فطر و حفظ دستاوردهای ماه مبارک رمضان

### انگیزه‌سازی

امشب شب آخر ماه مبارک، است، محمد بن عجلان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: وقتی ماه رمضان می‌شد، علی بن الحسین علیه السلام هیچ غلام و کنیزی را مؤاخذه نمی‌کرد، و اگر عمل خلافی انجام می‌دادند، آن را می‌نوشت. وقتی شب آخر ماه رمضان می‌رسید، همه را صدا می‌زد و نوشته‌ای را بیرون می‌آورد و خلافکاری‌های آن‌ها را می‌خواند و از همه اقرار می‌گرفت. سپس می‌فرمود که همه بلند بگویند: ای علی بن الحسین! همان طور که تو اعمال ما را شمردی، پروردگارت هم آنچه تو انجام داده‌ای به حساب آورده و نوشته‌ای دارد که به حق، علیه تو سخن می‌گوید. هیچ عمل کوچک و بزرگی را از آنچه به جا آورده‌ای، فروگذار نکرده

و به حساب می آورد. پس، از ما بگذر و عفو نما؛ چنانکه دوست داری او از تو درگذرد. ای علی بن الحسین! ذلت خود را در برابر پروردگار حاکم عادل به یادآور که به اندازه خردلی ظلم نخواهد کرد و هر عملی را به جا خواهد آورد. از ما درگذر و عفو نما تا خداوند هم از تو بگذرد!

در این هنگام، گریه‌ها شروع می‌شد و مناجات با خدا به میان می‌آمد، تا آنکه حضرت آن‌ها را می‌بوسید و می‌فرمود: از شما درگذشتم. آیا شما هم از من درگذشتید؟ آیا از من راضی شدید؟ همه می‌گفتند: ای آقای ما! ما از تو درگذشتم! تو به ما بدی نکردن! آن گاه حضرت می‌فرمود که همه بگویند: «اللهم اعف عن علی بن الحسین کما عفی عنا فاعتقه من النار کما اعتق رقبانا من الرق»؛ خدایا علی بن الحسین را عفو نما، همان طور که او ما را عفو کرد. او را از آتش آزاد کن، چنانکه او را از برده‌گی آزاد کرد و خود حضرت می‌فرمود: «اللهم آمين رب العالمين» و همه را آزاد می‌نمود.<sup>۱</sup>

### اقناع اندیشه

سیره اهل بیت ﷺ و علماء بوده است که در مثل این شب، زکات فطره خود و خانواده خود را کنار می‌گذاشتند. در چنین روزی، مؤمنین باید روزه خود را تمام کنند و به وسیله پرداخت زکات فطره یا همان فطریه، روزه‌های خویش را به پایان رسانند. امام صادق علیه السلام فرمود: «ان من تمام الصوم اعطاء الزکوه يعني الفطره». <sup>۲</sup> به درستی که

۱ . بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۳۸.

۲ . من لا يحضره الفقيه، ج ۲، باب الفطرة، ص ۱۷۵.

پرداخت زکات؛ یعنی فطريه، از تمام روزه است. پرداخت نکردن زکات فطره، ناقص شدن روزه‌ها را به دنبال دارد. از اين رو، مؤمنين در اين روز با پرداخت فطريه روزه‌های خويش را تمام می‌کنند.

علاوه بر اين، عدم پرداخت زکات فطره باعث مرگ ناگهاني می‌شود. امام صادق علیه السلام به اسحاق بن عمار فرمود: «برو فطريه عيال و مملوك ما را خارج کن و احدى را باقى نگذار، زيرا اگر فطره کسى را واگذاري من از فوت او می‌ترسم.» اسحاق می‌گويد: گفتم: فوت چيست؟ فرمود: «مرگ.»<sup>۱</sup>

زکات فطره واجب مؤکد است و شرط قبولی روزه ماه مبارک رمضان و سبب حفظ تاسال ديگر. از اين جهت، مؤمنين قبل از نماز عيد، فطريه خود را پرداخت يا لااقل آن را از اموال خويش جدا می‌سازند.

در قرآن کريم، واژه زکات در ۳۲ آيه ذکر شده است. آنچه در اين ميان قابل دقت و توجه می‌باشد اين است که در ۲۷ آيه از ۳۲ آيه ياد شده، واژه «زکات» در کنار واژه «صلوة» ذکر شده است.

### پرورش احساس

طبق برخى روایات، خداوند در ماه رمضان، در موقع افطار، هفتاد ميليون نفر را که همگى سزاوار آتش شده‌اند، از آتش آزاد می‌کند و به اندازه تمام افرادی که در ماه رمضان آزاد نموده، در شب آخر آن آزاد می‌کند.<sup>۲</sup> و طبق برخى ديگر، خداوند در شب

۱ . إقبالالأعمال، ص: ۲۷۴ :الباب السادس والثلاثون فيما نذكره.

۲ . كَانَ يَقُولُ إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِّنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عِنْدَ الْإِفْطَارِ سَبْعِينَ أَلْفَ أَلْفِ عَتَيقٍ

اول ماه رمضان هر کدام از مخلوقات خود را که بخواهد، می بخشد؛ در شب بعد این عده را دو برابر می کند؛ و در شب بعد دو برابر تعداد تمام افراد شب های قبل را از آتش آزاد می کند؛ (و به همین ترتیب) تا شب آخر ماه رمضان که در این شب، تعداد تمام کسانی را که در این ماه آزاد کرده است، دو برابر می کند.<sup>۱</sup>

ما ۳۰ روز گرسنگی و تشنگی جسم و روح را در گرمای تابستان تحمل کردیم، اگر به عشق خدا نبود لااقل برای خودمان این سختی ها را تحمل کردیم! و در این ماه مبارک برکات عظیمی نصیب ما شد.

اکنون، این ماه با ما وداع کرد و رفت؛ وداع و رفتی که شرحش را فقط باید از زبان مبارک ائمه هدی<sup>علیهم السلام</sup> و نماینده آنها، امام سجاد<sup>علیه السلام</sup>، به سوزناکترین حالت شنید، حضرت حدود ۱۹ بار به این ماه مبارک سلام می فرستند:

«السلام عليك من قربين جل قدره موجوداً و افعع فقده مفقوداً».  
سلام بر تو ای نزدیکی که وقتی بودی گرامی بودی و حال که در آستانه رفتن هستی، رفتنت فاجعه است.

(فتحن مودعوه وداع من عز فراقه علينا وغمنا و إوحشنا

مِنَ النَّارِ كُلَّا قَدِ اسْتَوْجَبُوا [اسْتَوْجَبَ] النَّارُ فَإِذَا كَانَ آخِرُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَعْنَقَ فِيهَا مِثْلَ مَا أَعْنَقَ فِي جَمِيعِهِ، إِقْبَالُ الْأَعْمَالِ (ط - القديمة)، ج ۱، ص ۲۶۱.  
۱. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ<sup>علیه السلام</sup>: إِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةً مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ غَفَرَ اللَّهُ لِمَنْ شَاءَ مِنَ الْخَلْقِ فَإِذَا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الَّتِي تَلِيهَا ضَاعَفُهُمْ فَإِذَا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الَّتِي تَلِيهَا ضَاعَفَ كُلُّ مَا أَعْنَقَ حَشَى آخِرِ لَيْلَةٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تُضَاعَفُ مِثْلَ مَا أَعْنَقَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ. إِقْبَالُ الْأَعْمَالِ (ط - القديمة)، ج ۱، ص ۳.

انصرافه عنا.» ما با این ماه خدا حافظی می‌کنیم، خدا حافظی کسی که جدایی اش برای ما سخت است و این جدایی ما را اندوه‌گین می‌کند و با رفتنش تنها می‌شویم.<sup>۱</sup>

از سخنان معصومین ﷺ چنین استفاده می‌شود که روز عید فطر، روز گرفتن مزد است، به همین دلیل، مستحب است انسان در این روز زیاد دعا کند و به یاد خدا باشد و روزش را به بطالت و تنبی نگذراند و خیر دنیا و آخرت را بطلبد.

در آخر ماه مبارک رمضان عید فطر می‌گیرند، چون جایزه و مزد یک ماه را به ما می‌دهند؛

روز عید است و من مانده در این تدبیرم  
که دهم حاصل سی روزه و ساغر گیرم

### رفتارسازی

یک بشارت و یک هشدار!

اول، بشارت: در روایت است از امام باقر علیه السلام که: «عبد الله! ان إدنی ما للصائمین والصائمات إن يناديهم ملك في آخر يوم من شهر رمضان»؛ ای بندگان خدا! کمترین چیزی که به زنان و مردان روزه دار داده می‌شود، این است که فرشته‌ای در آخرین روز ماه رمضان به آنان ندا می‌دهد:

«إبشروا عباد الله فقد غفر لكم ما سلف من ذنوبكم»؛ ها! بشارتتان باد ای بندگان خدا! که گناهان گذشته‌تان آمرزیده شد!

---

۱. صحیفه جامعه سجادیه، دعا ۱۴۲ و اقبال، سید بن طاووس، باب ۳۴.

و اما هشدار و انذار: در ادامه روایت بالا آمده است: «فانظروا كيف تكونون فيما تستإنفون»؛ پس به فکر آینده خویش باشید که چگونه بقیه ایام را بگذرانید؟ «ولزمنا له الذمام المحفوظ و الحرمة المرعية و الحق المقتضى»؛ ما باید حقی که او به عهده ما دارد رعایت کنیم و حرمتی که نزد ما دارد ارج بنهیم و به تعهدی که بین ما و اوست وفا کنیم.<sup>۱</sup>

چگونه می‌توان دستاوردهای این ماه را حفظ کرد؟  
به اندازه فرصت جلسه به دو راهکار اشاره می‌کنیم:  
۱. سه روز از هر ماه را روزه گرفتن که سنت پیامبر ﷺ بوده است و ثواب روزه سال برای کسی که بر آن مداومت داشته باشد، نوشته خواهد شد.

قالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : «مَنْ صَامَ كَذَلِكَ فَكَانَتْ صَامَ الْعَامَ كُلَّهُ، وَبِذَلِكَ تَذَهَّبُ عَنْ صَدْرِهِ الْوَسَاوِسُ الشَّيْطَانِيَّةُ». سَأَلَ الرَّاوِي: فَمَا هِيَ تِلْكَ الْأَيَّامُ؟ فَقَالَ: «أَوَّلُ حَيَّسٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ وَأَوَّلُ أَرْبَعَاءَ مِنَ الْعَشْرِ الْأَوَاسِطِ وَآخِرُ حَيَّسٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ». <sup>۲</sup>

این کار کمک می‌کند حال و هوای روزه ماه رمضان و تمرین تقوایی آن در طول سال امتداد پیدا کند، ضمن این که سه روز روزه در ماه برای کسانی که حفظ دستاوردهای ماه رمضان برایشان مهم است، کار خیلی سختی نیست.

۱. میزان الحكمه، ج ۷، صص ۱۳۱ - ۱۳۲.

۲. زاد المعاد- مفتاح الجنان، مجلسی، ص ۲۸۶.

۲. محاسبه روزانه اعمال: اگر کسی بخواهد بارش برای قیامت سنگین نشود و افسار نفسش از دستش بیرون نرود، لازم است اعمال خود را به صورت روزانه مورد محاسبه قرار دهد و چنانچه از او کوتاهی و غفلت و خدای نکرده معصیتی سر زده است، استغفار نماید. این کار آنقدر اهمیت دارد که حضرت امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحِسِّبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ، فَإِنْ عَمِلَ حَسَنًا أَسْتَزَادَ اللَّهُ مِنْهُ وَ حَمِدَ اللَّهَ عَلَيْهِ، وَ إِنْ عَمِلَ شَرًّا أَسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ». <sup>۱</sup>

این کار باعث می شود قبل از آنکه گناهی زمینه ساز گناهان بزرگتر شود، فرد از آن استغفار کند، چرا که گفته اند: اندک اندک خیلی و قطره قطره سیلی می شود و قیامتمنان را از بین می برد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: پیامبر اکرم علیه السلام با اصحابشان در زمینی خالی از گیاه فرود آمدند و به اصحاب خود فرمودند: هیزم بیاورید. گفتند: آقا اینجا چیزی نیست، فرمودند: بگردید. رفتند و چیزهایی جمع کردند، روی هم ریختند و مقدار قابل توجهی هیزم شد. پیامبر علیه السلام فرمودند: «هَكَذَا تَجْتَمِعُ الذُّنُوبُ ثُمَّ قَالَ إِيَّاكُمْ وَ الْمُحَقَّرَاتِ مِنَ الذُّنُوبِ فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ طَالِبًا لَا وَ إِنَّ طَالِبَهَا يَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آثَارُهُمْ وَ كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَا فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ». <sup>۲</sup>

اینگونه گناهان جمع می شود (و آتشی باور نکردنی برای قیامت

۱ . زاهد کیست؟ وظیفه اش چیست؟ ترجمه الزهد، کوفی اهوازی، ترجمه عبدالله صالحی، ص ۱۶۶.

۲ . إِشارة إلى قوله سبحانه في سورة يس آية ۱۲: «وَتَكْتُبُ ما قَدَّمُوا... الخ».

۳ . الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۲۸۸.

می‌سازد) سپس حضرت فرمودند: از گناهان کوچک شمرده شده بپرهیزید، زیرا که هر چیزی طالبی دارد؛ بدانید طالب و جوینده گناهان، آنچه را مردم پیش فرستادند و نیز آثار آینده آن را می‌نویسد. اگر کسی این محاسبه را هر شب قبل از خواب انجام دهد و گناهان روزش را تصفیه کند و برای روز بعدش تصمیمات جدی مبنی بر ترک آن گناه را بگیرد، در این صورت می‌تواند مقام‌های معنوی خود را حفظ کند.

بعد از استغفار، اگر می‌خواهیم از پاک شدن گناهان روزمان اطمینان حاصل کنیم، به راهکاری که امام رضا علیه السلام ارائه فرموده‌اند، عمل کنیم:

«يَا ابْنَ شَيْبَيْ إِنْ بَكِيْتَ عَلَى الْحُسْنِيْنِ عَلَيْهِمَا حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعُكَ عَلَى خَدَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا.»<sup>۱</sup>

ای پسر شبیب! اگر بر حسین علیه السلام گریه کنی؛ به گونه‌ای که اشک چشم‌هایت بر گونه‌هایت جاری شود، خداوند همه گناهانی را که مرتکب شده‌ای، کوچک یا بزرگ و کم یا زیاد، می‌آمرزد.

روضه‌گوش کن یا خودت برای خودت روضه بخوان یا فقط روضه‌هایی را که یک عمر شنیده‌ای، به خاطر بیاور و ولو به اندازه بال مگسی اشک بریز، خیلی سریع احساس طهارت و پاکی می‌کنی. در این هنگام یک سلام به ارباب بی‌کفن بده و بگو السلام علیک یا ابا عبد الله!

---

۱. الأُمَالِيُّ (للصدوق)، النص، ص ۱۳۰.

## فهرست تفصیلی

آداب دعا	۱۵
انگیزه‌سازی	۱۵
اقناع اندیشه	۱۶
پرورش احساس	۱۷
رفتارسازی	۱۹
روضه	۲۱
دعا	۲۵
انگیزه‌سازی	۲۵
اقناع اندیشه	۲۶
پرورش احساس	۲۸
رفتارسازی	۳۱
روضه	۳۲
ولایت امیرالمؤمنین ﷺ و پاسخ به شباهات	۳۵
انگیزه‌سازی	۳۵
اقناع اندیشه	۳۸
پرورش احساس	۴۰
رفتارسازی	۴۱
روضه	۴۲
معرفت به امام (ویژگی ائمه ﷺ : علم)	۴۵
انگیزه‌سازی	۴۵
اقناع اندیشه	۴۶
پرورش احساس	۴۹
رفتارسازی	۵۱
روضه	۵۲
امام زمان و شب قدر	۵۵
انگیزه‌سازی	۵۵
اقناع اندیشه	۵۶
تحریک احساس	۵۸
روضه	۶۲
حب اهل بیت ﷺ، آثار و برکات، ایجاد محبت در فرزندان	۶۵
انگیزه‌سازی	۶۵
اقناع اندیشه	۶۶
پرورش احساس	۶۸
رفتارسازی	۷۰
روضه	۷۲

اطاعت از اهل بیت <small>علیهم السلام</small> ، شیعه و ویژگی ها	۷۵
انگیزه سازی	۷۵
اقناع اندیشه	۷۷
پرورش احساس	۷۸
رفتارسازی	۸۰
روضه	۸۲
<b>دفاع از شیعه (۱. پاسخ به شباهات وهابیت- زیارت)</b>	<b>۸۵</b>
انگیزه سازی	۸۵
اقناع اندیشه	۸۶
پرورش احساس	۹۰
رفتارسازی	۹۳
روضه	۹۳
<b>دفاع از شیعه (۲. پاسخ به شباهات وهابیت- توسل)</b>	<b>۹۵</b>
انگیزه سازی	۹۵
اقناع اندیشه	۹۶
پرورش احساس	۹۹
رفتارسازی	۱۰۲
روضه	۱۰۲
<b>مقام شیعه در قیامت</b>	<b>۱۰۵</b>
انگیزه سازی	۱۰۵
اقناع اندیشه	۱۰۶
پرورش احساس	۱۰۸
رفتارسازی	۱۱۱
روضه	۱۱۲
<b>شیعه و آخر الزمان و ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small></b>	<b>۱۱۵</b>
انگیزه سازی	۱۱۵
اقناع اندیشه	۱۱۶
پرورش احساس	۱۱۷
رفتارسازی	۱۲۰
روضه	۱۲۲
<b>رجعت و بازگشت امامان و شیعیانشان و حکومت صالحان در زمین</b>	<b>۱۲۵</b>
انگیزه سازی	۱۲۵
اقناع اندیشه	۱۲۶
پرورش احساس	۱۲۹
رفتارسازی	۱۳۱
روضه	۱۳۳
<b>عید فطر و حفظ دستاوردهای ماه مبارک رمضان</b>	<b>۱۳۵</b>
انگیزه سازی	۱۳۵
اقناع اندیشه	۱۳۶
پرورش احساس	۱۳۷
رفتارسازی	۱۳۹

دانشگاه  
علمی و فنی  
پلی‌تکنیک

۵



قم، ۴۵ متری آیت الله صدوقی(ره)

۲۰ متری حضرت ابوالفضل(ع)، پلاک ۱۰۳

دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد  
تلفن: ۰۳۶-۳۲۹۲۳۸۳۵-۰۲۵